

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۸۸

پیکار

۳۲ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۵۹ بهار ۳۰ روال

در صفحات دیگر این شماره:

"افزایش تولید": راه کارگر بدنبال رویزونیستهای اکثریت	صفحه ۳
"مرگ بر بختیار، نوکری اختیار"	صفحه ۳۰
تمک های ننه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی	صفحه ۱۹
بیزاد نبوی سخنگوی رژیم، مارکسیستها: سرکوب	
دویزونیستها: آزاد	صفحه ۲۲
اخبار جنگ - گزارشی از وضعیت آوارگان جنگ	صفحه ۱۶

ضمیمه این شماره

پیام کمیته مرکزی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

به سازمان مجاهدین خلق ایران

و پاسخ به یاوه گوییهای رویزونیستهای فدائی (اکثریت)

مسئله گروگانها: خانه ای برفی که آب شد

زمانیکه رجائی نخست وزیر "مکتبی" و "فدا میریالیست" دو آتشه جمهوری اسلامی در سفر اخیرش به نیویورک و شرکت در سازمان ملل عذرخواهی آمریکا از ایران را به عنوان "گامی در جهت جلوگیری از تخاصم و زبانه زنی ایران و یکی از مراحل توبه و نشانه تکان مل معنوی آمریکا" اعلام کرد، هر آدم غافل نمیتوانست بفهمد که این اظهار نظر سریع و روشن به معنی چراغ سبزی است از سوی ایران جهت حل مسئله گروگانها و در همین رابطه تا مبنی شرایط مناسب برای بهبود و گسترش روابط ایران و آمریکا.

بقیه در صفحه ۲

ساواکیها در زندان:

جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تلاش برای احیاء ساواک

صفحه ۲۱

محاصره اقتصادی کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد

صفحه ۶

بهشی

ویکی از پرونده های خیانت او

در سفارت امریکا

صفحه ۹

از اشغال نظامی افغانستان یکسال گذشت

افغانستان گورستان تجاوزگران روسی

صفحه ۱۳

چین: کمونیستها رویزونیستها را افشاء میکنند

صفحه ۲۵

اعتصاب پیروزمند

رانندگان منطقه ۴ شرکت واحد

صفحه ۳۱

بخشی از بیانیه

"سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار"

اوج نوین جنبش دانشجویی - دانش آموزی و وظایف مبرم ما

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیما ۱ صفحه ۱ سرمقاله...

روندا واقع با وضوح بیشتری حقیقت فوق را آشکار ساخت. بدنبال مراجعت رجائی از آمریکا، مجلس شورای اسلامی درست دو روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با تعیین ۴ شرطی که همه از آن آگاهی دارند، آزادی گروگانها را تأیید نموده و دولت آمریکا، در عین حال که از شرایط جدید ایران را می بیند و این رفتار را خطری برای آنها می داند و سر و سنگی وزارت خارجه را برآورد، کوشید تا با استفاده از نهادهای تسلیحاتی ایران، به ویژه در شرایط جنگی کنونی و تا مین برخی از این نیازها و اساسا به آنکا، وابستگی سیستم سرما به - داری ایران و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی آنرا در یک موضع کاملاً دفاعی قرار داده و بجای برآورده ساختن شرایط مورد انتظار ایران، شرایط خود را به ایران تحمیل نماید.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که دیگر نیازی به گروگانها نداشت و بهره برداری مورد نظر خویش را از این مسئله در جهت تعمیق و فریب توده ها و فرو نشاندن عیش و فدا میریایستی آنها و مانع از رشد و گسترش مبارزه و فروریختن توهمشان نسبت به رژیم حاکم، کرده بود و مهمترین راه برای بازسازی سیستم سرما به داری وابسته، نیازمند بهبود و گسترش روابط با آمریکا و لیسم آمریکا بود، با زبونی تمام موطن دادن به سازش غف - با ربا آمریکا لیسم، کوشید تا خود را از "شر" گروگانها بهر ترتیب که شده برهانند و این بار از آزادی گروگانها حد اکثر استفاده را در آمیزه بود و گسترش رابطه با آمریکا ببرد.

آخرین بخش سناریوی جل مسئله گروگانها را، رجائی نخست وزیر "مکتبی" اینطور ارائه میدهد:

"انشاء الله امیدواریم که بزودی مسئله ای بنام گروگانها نداشتن باشد... زیرا هم - چنانکه قبلاً هم گفته ایم این مسئله برای ما به صورت یک مسئله مرده ای است، برای اینکه دیگر از دست و پا گیری وقت گذرانی بیرون آمده باشد، جوابها می تهیه کرده ایم که به عنوان آخرین پاسخ بوسیله نماینده دولت الجزایر که برای همین منظور به ایران آمده است، به دولت آمریکا اعلام خواهم کرد. دیگر این آمریکا است که می تواند در هر موقع با هر روز برای عیدیا تولد با هر مسئله ای که میخواهد جاسوسان را از ایران ببرد (جمهوری اسلامی ۲۶ آذر) زهی وقاحت و بیشرمی! رژیمی که ۱۴ ماه تمام از واقعه سفارت با مروزی پیش از آن داد سخن از مبارزه با آمریکا لیسم، آمریکا میداد و سردمداران آن خواستار با مطلع معاکمه جاسوسان و آمریکا لیسم بودند و در همین رابطه

کمونیستها را که برده عوام فریبی رژیم را می - دیدند، "مدانقلابی" خوانده و سرکوب میکردند، امروز با غفلت و خوارگی تمام خواستار آن شدند و آمریکا لیسم آمریکا را جزا نمیخواهند تا بسا سپردن تضمینی به دولت الجزایر هر زمان که میخواهد گروگانها را از ایران خارج کند. رژیم جمهوری اسلامی که برده عوام فریبی گسوی سبقت را از رژیمها برده و روز و شب را گانهای تبلیغاتی آن ورد میبارد و فدا میریایستی سر میدهند و مدعی به زانو خوردن "شیطان بزرگ" هستند، امروز بیش از هر موقع دیگر دست خود را روم میکنند، و برای برقراری رابطه با آمریکا و گسترش آن حاضر است به هر گونه سازش غف باری تن در دهد.

نخست وزیر، معاون او و سایر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در روزهای اخیر مژورانه کوشیده اند تا ذهن توده ها را حتی نسبت به شرایط بسیار نا ازل و چاه رگانه ای که در ابتدای امر مجلس جهت آزادی گروگانها مقرر کرده بود، منحرف ساخته و سپردن تضمین ۲۴ میلیارد دلاری آمریکا در نزد دولت الجزایر را بجای آن قرار دهند و غفلت بارترازان حتی همین تضمین ۲۴ میلیارد دلاری را تحت فشار آمریکا و بدخواه و به میزان بسیار نا زلتری کاهش دهند!

روزنامه اطلاعات ۱۱ دیماه ضمن اعلام آخرین نتایج مربوط به آزادی گروگانها مینویسد: "به گفته محافل وابسته به وزارت خارجه آمریکا، واشنگتن پیشنهاد کرده است که مبلغی در حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار به حساب مسدود شده در الجزایر واریز کنند تا به محض آنکه ۵۲ گروگان به مقامهای آمریکائی تحویل داده شدند به حساب دولت ایران انتقال داده شود."

دست مریزاد! واقعا هم که چا دارد این مبارزه "فدا میریایستی" رژیم جمهوری اسلامی از طرف رئیس جمهور و دیگر مقامات آمریکا مورد تأیید قرار گیرد و آمریکا لیسمهای آمریکا میسر و فراوان خود را از جل شدن مسئله گروگانها و نتایجی که برآورد و آرزو دارند باز دارند

روزنامه فوق الذکر در این مورد میگوید: "کارتر تا کنون که در دهه آمریکا بوسیله نمایندگان الجزایر پیشنهادی عاقلانه ای برای پایان دادن به مسئله گروگانها ارائه داده است و افزود: خیال میکنم که بنفع ایران و مسلمانان ایالات متحده است که پیشنهادی تازه ما را بپذیرند."

این روزنامه ها غافه میکنند که: "وارن کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا دیروز اعلام کرد: با هیچ تازها ایالات متحده به تهران نمیتواند حلال بحران گروگانها باشد." اکنون توده ها رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران آنرا مخاطب قرار میدهند و از آنها

میسرسند که راه حل آمریکا برای بحران گروگانها چه چیزی جز قبول شرایط آمریکا و در یک کلام سازش غف با ربا آمریکا لیسم و صحنه گذاشتن بر تمام روابط آمریکا لیسمی است و ایران و با زبانی سیستم سرما به داری در ایران میتواند باشد؟ و صد البته که پذیرش چنین شرایطی از سوی ایران، نه یک امر تصادفی و فرعی، بلکه بعنوان جزئی از سیاست عمومی این رژیم در ارتباط با ماهیت ضد خلقی و سرما به داری آن قابل تحلیل بوده و از همین رو کمونیستهای راستین بر خلاف رویزینیتها و پورتونیتها و برخلاف نیروهای ناپیگید موکرات با حرکت و درک اصولی از ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم از همان فردای قیام هیچگونه مشروعیتی برای هیئت حاکمه کنونی (در هر شکل و ترکیب آن) فاقد نبوده و پیگیرانه به افشای ماهیت و عمل کردهای خائنه و خیانتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب آن، در نزد توده ها پرداخته و می پردازند، در همین رابطه کمیته های راستین اقدام عوام فریبانه و با مطلع فدا میریایستی اشغال سفارت را از سوی جناحی از هیئت حاکمه وقت، به درستی برای توده ها توضیح داده و هدف های ضد خلقی ابراهیم رژیم جمهوری اسلامی از این اقدام بدنبال میکرد، در طول ۱۵ ماه گذشته افشا کرده و خواهند کرد.

هرگاه کارگران و زحمتکشان میهن ما در گذشته ابتدای کار در برخورد به هیئت حاکمه و ماهیت آن بدلائل مختلف دچار توهم و غش باوری بودند و واقعاً تصور میکردند این رژیم قادر است به خواسته های اساسی آنها پاسخ گوید لیکن با گذشت زمان و در پرتو تجربه روزمره خویش و بهرکت کارگاهها که کمونیستها به تدریج در یافته و درمی یابند که این رژیم نه میخواهد و نه میتواند، یک رژیم فدا میریایست باشد.

اعتماد کارگران، رهبران، رهپیشانی و تظاهرات زحمتکشان و آوارگان، مبارزه مسلحانه خلق کرد جنبش و جگیرنده دانش آموزی و معلمان در مدارس... همه و همه بیانگر وحدت پایی مبارزه طبقاتی و سمت روبه رشد جنبش توده ای و ضعف و تزلزل رژیم در سرکوب این جنبش و تشبیه قدرت ماشین دولتی است، بگذار لیبرالها و حزبها، بنی صدها و بیشتیها بجا نمیباشند توده ها در روند تکامل مبارزه طبقاتی خویش و با رهبری پرتوان پرولتاریا هر دو جناح ارتجاعی و کل هیئت حاکمه را به زباله دانی تاریخ خواهند افکند و بیروبرانه های سیستم سرما به داری کنونی، بنای جمهوری دموکراتیک خلق و سپس نظام سوسیالیستی را پی خواهند ریخت، آنروز دور نیست.

برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق!

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

جنبش کارگری



تسمینار انجمنهای اسلامی کارخانجات: نوطئه چینی بر علیه کارگران

روزهای ۲۶ تا ۲۸ آذرماه، تسمینار انجمن - های اسلامی کارخانجات در محل "خانه کارگر" تهران برگزار گردید. در این جلسات که ابتدا توسط نخست وزیر و وزیر کار افتتاح گردید، سخنرانان مختلفی صحبت کردند که در واقع همگی به تکرار یک مطلب پرداختند که اساسا هدف تشکیل انجمنهای اسلامی و وظیفه انجمنهای اسلامی، میباشد. انجمنهای اسلامی که بوسیله حزب جمهوری اسلامی تشکیل و هدایت میشوند در بسیاری از کارخانجات بوجود آمده اند و وظیفه آنها سوسی برای سرمایه داران و سرکوب مبارزات کارگران را بر عهده دارند. این انجمنها عمدتا از سرپرستها، عناصه ضدکارگر و کارگران منوهم و ناآگاه، تشکیل میشوند. ما در بیکار ۸۶ به بررسی ماهیت و وظایف ضدکارگری این ارگانه های سرمایه دارانه پرداختیم. ما آنچه که در اینجا قابل توجه است دفاع آشکار مقامات رژیم و انجمنهای اسلامی از منافع سرمایه داران میباشد. در این جلسات به اصطلاح کارگری از چیزی که صحبت نشد خواسته - ها و منافع کارگران بود، بطور کلی هدف از تشکیل این سمینار بقراری بود:

۱ - هرچه بیشتر انجمنهای اسلامی را تقویت و تشبیه کنند، تا با آزادی عمل بیشتری به وظایف سرکوبگرانه و ضدکارگری خویش در کارخانجات ادامه عمل بیوشانند. از همین روست که رجائی در محفل افتتاحیه اش میگوید: "انجمنهای اسلامی نه تنها با بدما نند، بلکه باید تا ناید

بقیه در صفحه ۲۶

اخبار کوتاه کارگری

حصارک

روز ۵۹/۸/۳۰ از طرف دولت، کارخانه کشمیر را تعطیل میکنند و حقوق و مزایای کارگران را نمی پردازند و لذا تعداد ۱۲۰۰ نفر کارگران - کارخانه بیکار میشوند. شکایات کارگران هم طبق معمول به نتیجه ای نمیرسد. بدین ترتیب عده دیگری از کارگران و زحمتکشان کشور توسط رژیم پندار کرسنگی و فلاکت ناشی از بیکاری درمی غلطند.

گیلان

بعد از مبارزات قهرمانانه کارگران کار -

افزایش تولید: راه کارگر به دنبال رویزونیستهای "اکثریت"

آنجائی که راه کارگر و رویزونیستهای اکثریت در امر ورزیدن به این شعار ورزواپی با یکدیگر کورس گذاشته اند، برخورد به این - فضایشان در دفاع از منافع بورژوازی لازم میباشد. در شمارهای ۸۵ و ۸۱ بیکار مطلبی داشتیم راجع به "افزایش تولید"، که طی آن به ما هیت سرمایه داران و رویزونیستی این شعار در شرایط موجود، اشاره کردیم، و از جمله به بررسی انحراف رویزونیستی راه کارگر در این مورد پرداختیم.

بقیه در صفحه ۲۶

رژیم با استفاده از جنگ ارتجاعی کنونی فرصتی بدست آورد تا شعار "افزایش تولید" را هرچه گسترده تر تبلیغ نماید. علاوه بر رویزونیستها که در این امر به یاری رژیم شتافتند، پاره ای اونیروهای متزلزل نظیر راه کارگر نیز بدام این شعار ورزوازی در غلطیدند. از اینرو نشان دادن ماهیت این شعار و اینکه چگونه متزلزلات رویزونیستی به دنبال رویزونیست رویزونیستهای میگردد، ضرورت میباشد. ما در گذشته به این انحرافات برخورد کردیم ولی از

مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی: حل بیکاری و کسب استقلال یا عوام فریبی

داری وابسته ایران است و تا زمانی که سیستم سرمایه داری وابسته حاکم است هیچکدام از عوارض فوق و دیگر عوارض سرمایه داری قابل حل نیستند. رژیم جمهوری اسلامی که کمترین خدمت سیستم و بازسازی آن بسته است نه می خواهد و نه میتواند با برنامه های نظیر مرکز گسترش تولیدی و عمرانی به این مسائل جواب دهد. در ابتدای به اجرا درآوردن این طرح مقصدار زیادی کارگر ساده و دیپلمه بیکار و... برای بدست آوردن کار به اینگونه شرکتها روی آوردند. ولی رفته رفته قبول و قرارهای اولیه - سران مرکز گسترش رنگ میبازد و اعفاء شرکتیهای تعاونی در مقابل کوهی از مشکلات و تشا دهها قرار میگردند. علاوه بر ضعفها و مشکلات داخلی که ناشی از کم تجربگی و نداشتن برنامه هدایت کننده از طرف مرکز است، دهها بند این شرکتها را تحت کنترل مرکز قرار داده است و کلا ایس شرکتها در متن یک سیستم سرمایه داری وابسته حرکت میکنند و طبیعی است که خود وابسته به سرمایه های بزرگ خصوصی و دولتی قرار بگیرند و نتیجه تلاشهای اعفاء بطریق مستقیم و غیر مستقیم

بقیه در صفحه ۲۸

مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی، ارگانی است که در بسیاری از استانهای کشور تشکیل شده و وظایف آنها را است که به دو مسئله بیکاری و وابستگی اقتصادی پاسخ دهد. برنامه اجرایی مرکز گسترش به این ترتیب است که دولت اعتباری در اختیار این مرکز قرار داده و مراکز گسترش در استانها از محل این اعتبار وامهایش را در اختیار شرکتیهای تعاونی که از بیکاران (کارگر، دیپلمه یا بالاتر) تشکیل شده، قرار میدهند. شرکتیهای تعاونی که تقریباً بین ۵ تا ۲۰ نفر عضو دارند، با این وام در یکی از رشته های صنعتی، کشاورزی و یا عمرانی سرمایه گذاری میکنند. روشن نمودن ماهیت این حرکت و اهداف واقعی رژیم از آن، خودتبارزه بحث جداگانه ای دارد که در فرصت دیگری به آن برخورد خواهد کرد. هم کرد ولی آنچه مسلم است، اینست که مسئله مهم و درجه اول برای هیت حاکمه ایران بازسازی سرمایه داری وابسته و با چنین هدفی بکار بستن برنامه های است که جریان گردش سرمایه را به نفع سرمایه داران تسهیل و تسریع نماید. مسئله بیکاری و مسئله وابستگی اقتصادی هر دو از صفات لایسک اقتصاد سرمایه -

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کارخانه سیمان سپاهان: دستگیری ۱۵ کارگر مبارز!

بی اشربودن حیل‌های خودبی میبرد، به‌جای ق سرکوب متوسل گردیده، و با سداران سرما به‌را به کمک میطلبید، با سداران نیز در دفاع از سرما به وحشیانه‌ها کارگران می‌افتادند و پس از ضرب - و جرح کارگران حدود ۱۵ نفر از آنها را دستگیر می‌نمایند.

رژیم جمهوری اسلامی که مخصوص پس از جنگ ارتجاعی کنونی درگیر بحران‌های گذشته است با اعمالی نظیر افزایش قیمت بنزین، اخراج کارگران و کارکنان موسسات دولتی، قطع سود ویژه و غیره سعی دارد فشار را بر بحران اقتصادی را بردارد و کارگران و زحمتکشان را وادار به قطع ایاب و ذهاب با کارگران سیمان سپاهان، یکی از صدها نمونه اقداماتی است که بدین منظور توسط رژیم انجام گرفته است.

خواستهای کارگران مبارز سیمان سپاهان عبارتند از: دریافت حق ایاب و ذهاب، آزادی کارگران زندانی، اخراج با سداران سرما به از محیط کارشان، بازگشت کارگران اخراجی به سرکار، ... که تنها در سایه اتحاد و تشکیلات کارگران و ایجاد شورای واقعیشان است که مبارزانشان میتوانند به پیروزی رسیده و خواست‌های فوق تحقق یابد.

ایجاد تشکیلات واقعی کارگران، دست به مبارزه زدند. این مبارزات همچنان ادامه دارد.

مبارزه و اعتصاب در کارخانه ورزیده‌کار

کارخانه نگونی پلاستیکی ورزیده‌کار دارای ۵۰۰ کارگر می‌باشد که مدتها حقشان را دریافت نکرده بودند. به همین دلیل کارگران خود اقدام کرده، ابتدا شورای کارگری تشکیل میدهند و سپس جنبه‌های کارخانه را بفروش رسانده و پسول آنرا بین خود تقسیم میکنند. شخصی از جانب دولت برای نظارت و کنترل به کارخانه می‌آید که کارگران را به تولید بیشتر فرامیخواند. این عنصر ضدکارگر که کارگران را تحت فشار قرار داده بود، زما شبکه‌یک کارگری می‌زند، موجب برانگیختن خشم کارگران میشود و در نتیجه کتک مقلی می‌خورد. با سداران سرما به‌که برای دستگیری اعضای شورا بکارخانه می‌آیند پس مقاومت و اتحاد کارگران مواج میگردند و در نتیجه دست‌آنها را زتر بر میگردند!

کارگران یکماه و نیم است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و چند روزها اعتصاب میکنند اما اخیرا به علت تمام شدن مواد اولیه کارخانه می‌خواهد. مبارزات کارگران برای بدست آوردن حقوقشان و راه انداختن کارخانه ادامه دارد.

در پی تصمیم رژیم مبنی بر اینکه "مزایای کارگران قطع میشود و حقوق آنها افسه‌می - گردد"، روز ۵۹/۹/۳۰ بخشنامه‌ای از طرف مدیرعامل کارخانه سیمان سپاهان اصفهان، به کارگران ابلاغ میشود که طی آن حقایب و ذهاب که روزانه ۲/۵ ساعت هست، قطع گردیده و در عوض مبلغ ناچیزی به حقوق کارگران افسه‌میشود. کارگران مبارز این کارخانه که بدست می‌نمایند با هیئت ضدکارگری این بخشنامه می‌برده بودند با اجتماع در جلوی دفتر مدیرعامل به اعتراض دست زده و شعارهایی در جهت مخالفت با این اقدام ضدکارگری و دفاع از حقوق خویش، دادند. کارگران سپس بمدت ۳ روز دست به اعتصاب زده و خواهان لغو بخشنامه مزبور میگرددند.

در جریان مبارزه بحق کارگران مدیرعامل ضدکارگری به انواع حیل‌ها (از جمله تهمت زدن به کارگران انقلابی و کمک خواستن از فرماندار عوام فریب) متوسل میشود تا شاید مبارزه کارگران را به انحراف بکشد اما کارگران فریب‌نا را نخورده و با افشای عملکردهای ارتجاعی عوامل سرما به داران، با روحیه انقلابی، مصممانه به خواستهای خود پای میفشارند. به همین دلیل مدیرعامل مزدور که مانند شما می‌مرتجعین به

درگیلان اتحاد کارگران مانج تشکیل انجمن اسلامی گردید

دو هفته پیش، کارگران کارخانه بستگی خاور طی یک اجتماع با شکوه به افشای عوامل سرمایه‌داران که قصد داشتند با تشکیل انجمن اسلامی، مبارزات کارگران را منحرف و سرکوب سازند، پرداختند و با اکثریت آراء اجازه تشکیل انجمن جا سوسی را ندادند.

جریان از این قرار بود که رئیس کارخانه فومنا و معاون فنی استاندار، به همراه عده‌ای از افراد ناآگاه طی جلسهای تصمیم میگیرند که کارخانه را ورزاده و صرف کرده با کارخانه فومنا ادغام نمایند آنها برای فریب کارگران در اجتماع کارگران خاور دم زکا زکردن برای رفاه کارگران می‌نهند ولی کارگران که این مزدوران سرما به‌را خوب میشناختند فریب نخورده و حتی اقدام به اخراج یکی از سردمداران وابسته به کارفرما می‌نمایند. کارگران بدستی میگرفتند که انجمن اسلامی در کارخانه فومناست مدافع کارفرماست و لذا خواهان انحلال آن و تشکیل شورای واقعی خود گردیدند. بدین ترتیب نه تنها کارگران خاور را زده تشکیل انجمن اسلامی کارفرمایان را در کارخانه خود ندانند، بلکه به همراه کارگران مبارز کارخانه فومناست در جهت انحلال انجمن اسلامی این کارخانه و



کارخانه پوشش بر علیه مزدوران رژیم، اکنون جو کارخانه توسط عناصر ضدکارگری، اختناق آمیز گشته است؛ مقررات شدید حضور و غیاب اجرامی شود شدت کار را افزایش داده‌اند (کارگری که قبلا روی یک یا دودستگاه کار میکرد اکنون مجبور است روی چهار دستگاه کار کند)، از حقوق ناچیز کارگران به بهانه جنگ کسر میکنند، بر علیه نیروهای انقلابی لحن پراکنی میکنند (مثلا فالانژها با وقاحت تمام عامل کشته شدن دو پاسدار در جنگ را سازمان پیکا معرفی کردند!) و... اما با تمام این وجود کارخانه حالت آش- زیرخاکستری پیدا کرده! و مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد.

پارس الکتریک

حدود یکماه پیش هیئت مدیره و شورای کارخانه پارس الکتریک (که در زیر بنیستنه‌ها نیز در آن عضویت دارند) اقدام به اخراج ۶ نفر از کارگران قسمت لوله‌کشی بوسیله اعلامیه‌ای که به درود پوارکار - خانه نصب کرده بودند، ضمن طرح خواستهای مبنی بر یکی شدن ساعات کارشان با بقیه به افشای توطئه اخراج کارگران پرداخته و خواهان پشتیبانی تمامی کارگران از اخراجیان میشوند. سایر کارگران اخراج برادرانشان را شدیداً محکوم کرده و به حمایت از آنان میپردازند. در اثر فشار کارگران شورا و هیئت مدیره ضدکارگری مجبور به عقب نشینی شده و کارگران اخراجی را بسرکارها میگردانند.

کارخانه دادش زاده

این کارخانه که تولیدکننده شکلات می‌باشد مدتی است که بحالت نیمه تعطیل درآمده و از ۱۵ کارگران بیش از ۱۰۰ نفر اخراج کرده‌اند. کارفرمایان این کارخانه همگی از حامیان سرخست رژیم شاه بوده‌اند که اکنون سربزه احتکار محصولات افزایش بی رویه قیمت آنها پرداخته - اند. حالست که یکی از کارفرمایان بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به کارگران گفته است که "این انقلاب آن انقلابی نیست که شما انتظار داشتید!"

آری، سرما به داران زالموشت بخوبی دریا فته اند که انقلاب توده‌ها نیمه تمام نشده و رژیم جمهوری اسلامی هم برخلاف ادعاها پیش و ملیعه‌اش نه دفاع از منافع کارگران و زحمت - کشان، بلکه دفاع از منافع سرما به داران است!

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

شماره ۵۴ "نبردیلوج" منتشر شد

پنجاه و چهارمین شماره نشریه "نبردیلوج" ارگان تشکیلات بلوچستان سازمان ما منتشر شد. این شماره، حاوی سرمقاله‌ای درافتای ادارات دولتی، مقالات افشاگرانه، اخباری از مبارزات توده‌ها، مقاله‌ای در مورد جنبش دانش‌آموزی در منطقه و سخنی با دانش‌آموزان انقلابی و... می‌باشد. نشریه پیکار موفقیت رفقای تشکیلات بلوچستان را در پیشبرد سازماندهی و ارتقاء مبارزه ملی و طبقاتی زحمتکشان بلوچ و تلاش در جهت همبستگی خلقهای ستمدیده سراسر ایران را آرزو میکند.

چپاول زحمتکشان توسط
خوانین در بلوچستان

در تاریخ ۹/۹/۵۹ عیسی خان مبارکی "همراه عده‌ای بدهه "کوه جنگ" رفته و به اهالی زحمتکش میگوید: "تا بهمن پول ندهید با تمام همراهانم در اینجا می‌مانم" زحمتکشان تهدید است این ده زبیم جان بهرترتیبی ۵۰۰۰ تومان تهیه کردند و در اختیار خوان خونخوا را قرار میدهند. دوروز بعد قاصد "بهرام خان شیرانی" به همان ده مراجعه کرده و به زور از زحمتکشان پول گرفته و میرود البته این چندمین بار است که "بهرام خان شیرانی" از روستاها ن ستمدیده منطقه مالیات میکنند. خوانین بلوچستان از یکطرف تحت عنوان خودمختاری با عوامل سرسپرده‌ای چون



خلق‌ها و
مسئله
ملی

۷۰ تن از مزدوران ضد خلق

در نبرد با پیشمرگان قهرمان کومله کشته و زخمی شدند

- ۱ - کاک عبداللہ کمانگر: روشنفکر انقلابی مسئول سیاسی پل و اهل "کوانه" کامیاران
 - ۲ - کاک غلام‌دولابی: زحمتکش آگاه و انقلابی اهل روستای دولاب کامیاران نمونه‌بازی از قاطعیت و شجاعت انقلابی
 - ۳ - کاک بهروز شهبازی (وربا): زحمتکش آگاه و انقلابی اهل سندیج نمونه‌پاکی صداقت و صمیمیت انقلابی
 - ۴ - کاک عابدین امانی: روشنفکر انقلابی ۱۸ ساله اهل روستای "پیرمقدار" کامیاران
 - ۵ - کاک علی حسینی: درجه‌دار آگاه و انقلابی مسئول نظامی یک دسته از پیشمرگان
 - ۶ - کاک حبیب‌اللهادی قورقی: اهل روستای "قورق" از توابع کامیاران (نقل و تلخیص از خبرنامه ۹۹ کومله)
- پیکار ضمن تجدید پیمان انقلابی با خلق ستمدیده کرد و سازمانهای انقلابی آن خاطره انقلابی رفیق شهید از پیشمرگان انقلابی کومله را گرامی میدارد. درود بر تمامی شهدای جنبش مقاومت خلق کرد

کامیاران ۹/۱۱/۵۹
به پیشمرگان کومله (پل شهید یوسف) که از کمین روز قبل پیروز مندا نه به روستای "وشرهل" بازگشته بودند خبر میرسد که تعداد زیادی از نیروهای ارتش و پاسداران به قمر روستاهای "وشرهل" "تازه آباد" و "خامان" از طرف پابگه "گاشان" در حال حرکتند. بلافاصله پیشمرگان در بلندبهای اطراف "وشرهل" و "کنگره" سنگرمیگیرند. ساعت ۱۲ ظهر خودرو دشمن در زیر حمله سلاحهای سنگین و توپخانه پابگه و گاشان در حال حرکت بطرف "وشرهل" در کمین پیشمرگان قهرمان افتادند. در نبرد پیشمرگان با نیروهای رژیم که حدود ۵/۵ ساعت طول کشید، بیش از ۷۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند، و چندین خودرو آنها منهدم گردید. متأسفانه در این نبرد شجاعانه، ۶ تن از پیشمرگان جان برکف کومله شهید شدند و خون سرخ خود راوشیقه انقلاب رهایی بخش کارگران و زحمتکشان نمودند. اسامی پیشمرگان شهید کومله عبارت بودند از:



عکسهایی از مراسم بزرگداشت رفیق پیشمرکه
پیکار و کر شهید تیمور حسینی در سوکان



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

محاصره اقتصادی کردستان وجنبش مقاومت خلق کرد

بیش از یکسال از محاصره اقتصادی کردستان میگذرد. آنچه که در تنگنشدن حلقه این محاصره بیش از هر عامل دیگر موثر بوده، رشد جنبش توده‌ای بطور عمده جنبش مقاومت خلق کرد بطور اخص اینکس و بحران اقتصادی حاد است. این جنبش دیگری می‌باشد. بنا بر این محاصره اقتصادی کردستان علاوه بر اینکه حربه سرکوبگرانه - ای درست رژیم محسوب می‌شود، ابزاری است که رژیم از طریق آن از بار فشار بحران اقتصادی موجود بر روی خود تا اندازهای گسترده و تیرا بر خلق زحمتکش کردستان تحمیل میکند.

محاصره اقتصادی که از طریق محاصره نظامی همواره با سرکوب و کشتار زحمتکش کردستان توار می‌شود، در واقع آخرین حربه رژیم است. از مودن کلیه روشها و شیوه‌های سرکوب جنبش مقاومت در طی دو سال گذشته می‌باشد. رژیم با اعمال سیاست محاصره اقتصادی در پی آنست که با تحمیل گرسنگی و قحطی برای خلق زحمتکش کردستان قهرمان را بسوی قحطی تمام عیار و مرگ و میر ناشی از گرسنگی رهایی می‌دهد. هم‌اکنون، چهار رجا داملی استان کردستان یعنی بوکان - میاندوآب - تبریز - بیجار - اهرمان، سنندج - کرمانشاه و مهاباد - ارومیه تحت کنترل شدید ساداران و ارتش و جاسا قرار دارد. نیروهای سرکوبگر رژیم از انتقال هرگونه مواد غذایی و داروئی به کردستان به شدت جلو گیری میکنند. کمبود مواد سوختنی و گرانسی و قحطی بویژه در فصل سرما پیدا میکند. برنج کیلوئی ۴۰ تومان، تخم مرغ هر عدد ۴ تومان، نفت در مناطقی املا وجود ندارد و در برخی نقاط بشکهای نزدیک به ۱۰۰۰ تومان، یک لیتر آرد ۱۸۰ کیلوئی نزدیک به ۲۰۰ تومان و دهها نمونه از گرانسی سرسام آور و مردمرفی، خلق زحمتکش کردستان در زیر بدترین فشار اقتصادی قرار داده است. به علاوه مزدوران رژیم تلاش زحمتکش، بویژه روستائیان کردستان را برای تهیه حداقل آذوقه مورد نیاز برای زنده ماندنشان با وحشیگری سرکوب میکنند، در واقع اهمیت محاصره اقتصادی و تا سیران بررونند جنبش مقاومت از این جهت برجسته تر می‌باشد که رژیم همزمان با انجام این محاصره وحشیانه تر از هر زمان دیگری سرکوب خلق کرد پراخته است. بنا بر این هدف رژیم از انجام محاصره اقتصادی کردستان در مجموع چیزی نیست جز سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد و تسخیر کردستان. اما اینکه رژیم سیاست محاصره اقتصادی را چگونه در خدمت سرکوب کامل خلق کرد بکار میگیرد، نه تنها مندرجه و تحلیل جزئیات سیاست محاصره اقتصادی خلق کرد و اقداماتی است که رژیم در کردستان انجام داده و خواهد داد. این جزئیات بشرح زیر می‌باشد:

بقیه در صفحه ۲۹

مبارزه روستائیان جوانرود برای اخراج پاسداران سرمایه

روز ۲۱ آذر ۵۹ مردم روستای "غفله" از طریق کوهها خود را به جوانرود رسانده و برای اعتراض به جنایات پاسداران پس از یک راهپیمایی دست به تجمعی زده و به مدت دو روز اعتصاب غذا کردند. خواسته‌های متجمعی عبارت بودند از:

۱- اخراج پاسداران از منطقه جوانرود و روستا - های اطراف، گماردن نمایندگان مردم در تمام ارگانه‌های دولتی، مجازات ۳ پاسدار مرتجع که در آزار مردم بویژه زنان و دختران نقش فعالی داشتند.

معان و فرماندار، رئیس سپاه پاسداران و فرمانده گروهان ژاندارمری با و در محل تجمعی حاضر شده و ضمن مذاکره با ۲۰ نفر از نمایندگان متجمعی سعی میکنند تجمعی آنان را برهم بزنند. نمایندگان متجمع وقتی با جوابهای سربالای مسئولین مواجه میشوند به مقامات جمهوری - اسلامی میگویند: "شما همان کسانی هستید که فساد لاهی، خجایی را ازاد کرده و برای سرکوب انسانی‌های زحمتکش فرستاده‌اید. ما می بینیم که شما نمیتوانید به خواسته‌های حق ما رسیدگی کنید پس خودمان دست به بالایی رژیم و حق خود را میگیریم!" در پاسخ آنها مزدوران رژیم گفتند که "شما چنین حقی ندارید و باید ادعا که به کارهای شما رسیدگی کند اما ۳ پاسدار مزبور با وحشت از شتم توده‌ها فرار را برقرار ترجیح داده‌اند.

آری! توده‌ها درمی یابند که حق گرفتنی است و باید بخود آنها از طریق مبارزه سختی نا - پذیر به تحقق خواسته‌ها پشان برسند.

ادامه بمباران روستاهای پیرانشهر توسط رژیم جمهوری اسلامی

۵۹/۲/۱۲

رژیم جمهوری اسلامی در ۱۰ عمل سر - کوبگرانه اش، روستای کردستان را همچنان مورد حمله هوایی قرار میدهد. بدنبال بمباران روستای "میراثی"، "عذرثای"، "پیلوکه" و... فاشتوهای جمهوری اسلامی با بمب و راکت به روستای "گانی بلاغ" (پیرانشهر) حمله کردند. در اثر این حمله ۶ نفر از اهالی آنجا به شدت زخمی شدند و چندین خانه مسکونی ویران گردید. گروهی از پزشکان کومله در روستای مذکور به مداوای زخمی‌ها پرداخت.

(نقل از خبرنامه ۱۰۰ کومله)

بختیار و اویسی رابطه دارند و از طرف دیگر برای گرفتن امتیاز بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی و جاپاول زحمتکش به زد و بند و ملاقاتهای پنهان و آشکار (چندی پیش "قلمبر" فرما شده عملیاتی سپاه در زاهدان با محمدخان و... دبدار داشته است) با فرماندهان نظامی و مسئولین دولتی مشغولند. آنها برای جاپاول زحمتکش همراه با تفنگچیان خود از این دهنه در روانند و از مردم پول و مواد غذایی بزرور دریافت میکنند.

(نقل و تلخیص از خبر دبلوچ شماره ۵۴)

"سربازان حرفه‌ای" و مزدور بر علیه خلق کرد

در شماره‌های گذشته استخدام سربازان مزدور را برای سرکوب خلق کرد آورده ایم. اخیراً گروهی از این "مزدوران" را در اردوگاهی در روستای "قلو" در نزدیکی میاندوآب مستقر کرده‌اند. این مزدوران در پادگان مراغه دوره دیده اند و ماهیانه ۲۵۰۰ تومان حقوق دریافت میکنند و با ۱۰۰۰ تومان ماهیانه مایحتاج را می‌دهند. این سربازان حرفه‌ای در سرکوب زحمتکش شهرها و روستاهای مهاباد، بوکان، ماسین دژ،... شرکت دارند و با توپهای دور زن زحمتکش کرد را به خاک و خون میکشند.

در روزهای اخیر، به گفته یکی از همپس - مزدوران، دیده‌بانی هدفی را برای شلیک توپ معین میکنند. پس از شلیک توپ متوجه می - شوند که تراکتوری با ۴ سرنشین آن کدهقانان زحمتکش کربوده مورد هدف قرار داده و سرنشینانش را بطور فجعی به قتل رسانده‌اند.

آنها این کشتارهای وحشیانه استقامت و مقاومت خونین خلق کرد را نمیتوانند بشکند؟ هرگز!

دستگیری جاسا توسط پیشمرگان

سفر ۵۹/۹/۲۹

در این شب پیشمرگان جنبش مقاومت وارد شهر شده و چندین جاس را دستگیر کرده با خود بدوخت این اقدام انقلابی پیشمرگان دلیر با استقبال پر شور مردم مواجه شده و ثابت نمودند که پیشمرگان به اتکا به حمایت بیدریخ اهالی شهرها قادر به نفوذ به شهرهای زیر سلطه رژیم می‌باشند. روز بعد مزدوران رژیم، به تلافی وقایع شب گذشته به بازرسی بدنی عابریان پرداختند که این عمل ساواک گونه با نفرت عمیق اهالی مبارز سقز روبرو شد.

پیروزیاد جنبش مقاومت خلق کرد

دستگیری دانش آموزان انقلابی ایران شهر بوسيله پاسداران ارتجاع

در تاریخ ۵۹/۹/۲۳ در ایران شهر پاسداران ارتجاع در تاریکی شب برای چندمین بار به خانه های دانش آموزان انقلابی ریخته و نفر از آنان را دستگیر می نمایند. پاسداران وحشیانه بدون خانه ها هجوم برده و در با زنی خانه ها حتی داخل مواد خوراکی را هم جستجو می کردند. سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در ایران شهر در رابطه با این دستگیری ها اعلامیه چاپ نموده که قسمتهای آن را در زیر میخوانید:

"پیکار دیگر در ایران شهر پاسداران ارتجاع با هجومی وحشیانه چند نفر از دانش آموزان انقلابی را دستگیر و زندانی کردند. پیش از این هم چندین بار شاگردان یگانه اعمال فاشیستی در شهرمان بوده ایم ز سوزاندن تشریفات انقلابی گرفته تا اوج، دستگیری، حبس و تبعید کارگران دانش آموزان، معلمان و کارمندان مبارزان انقلابی....."

"دستان دانش آموزان در شرایطی که شاهد اعتلای روبرو شدن حبس شده ای هستیم دیگر سکوت و تسلیم در برابر این اقدامات وحشیانه جایز نیست. با یدیا خبریم و همه با هم متحد و یکپارچه صدای اعتراض خود را بگوش داده ها برسانیم و به اشکال مختلف (اعتصاب، تحصن، تظاهرات و...) به مقاومت در برابر ارتجاع و افشای ماهیت پلیس در برابر ازم."

امروزی تفاوتی و سکوت تنها نمیتواند ارتجاع را تشویق به ادامه حرکات سرکوبگرانه خود کند. امروز سکوت ما مفهومی جز پشت کردن به جنبش بوده ای میهنمان و جنبش حلقه ها (بخش خاص خلق ستمدیده بلوچ) نخواهد داشت؟

مستحکم با دیوند جنبش دانش آموزی با جنبش کارگران و زحمتکشانشان مرگ بر ارتجاع دشمن آگاهیه ها شده ها سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار ایران شهر - ۵۹/۹/۲۴

فعالیت سیاسی "مبارزات را هر چه بیشتر از شکل خود بخودی بدر آورده، آن را جهت دهیم و این اهرم پر قدرت مبارزه انقلابی را به بهترین صورتی در خدمت انقلاب قرار دهیم."

از مهمترین ابزارهای تحقق این عمل برپاشی شورش های انقلابی دانش آموزان است. از آنجا که اکنون صفوف پیشرانده انقلاب نیاز



نداد و گسترش این مبارزه عمل نماید. بنظر ما با بررسی سطح جنبش دانش آموزی بخوبی میتوان مشاهده کرد که جنبش دانش آموزی اگرچه درگیر مبارزات سیاسی، مبارزه برای ایجاد کانونهای صنفی - سیاسی مبارزه علیه فرهنگ آموزشی ارتجاعی کنونی و... گرفته تا مبارزه علیه جنگ ارتجاعی کنونی و تبدیل این مبارزه به اهرمی در جهت گسترش انقلاب و نیز مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و... میباشد ولی عمومی ترین و محوری ترین خواستی که میتواند دوباره جنبش انقلابی دانش آموزی را حول خود متشکل ساخته و به گسترش انقلاب خدمت کند مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیت سیاسی میباشد. روشن است که این خواست پیوندی عمیق با مبارزه کنونی زحمتکشان آگاه جامعه علیه خفقان و شکنجه و ترور رژیم جمهوری اسلامی و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی این فرزندان راستین کارگران و زحمتکشان دارد.

دفاع از آزادی پخش اعلامیه، نصب روزنامه دیواری، فروش تشریفات انقلابی، برپاشی نمایشگاه ها، جلوگیری از اخراج دانش آموزان انقلابی و... اما دوعرصه های گوناگون این مبارزه را ترسیم میکند. نگرانی بر آنچه اکنون در مدارس میگردند نشان میدهد که مبارزه حول خواسته های فوق جنبه اصلی مبارزات دانش آموزان را تشکیل میدهد. آن وظیفه ای که در پیش روی دانش آموزان انقلابی و کمونیست قرار دارد آن است که با درک اول سطح شعارهای مبارزه و نشانها پتانسیل بالفعل جنبش انقلابی دانش آموزی که تظاهرات های سراسری و متحد در جهت مبارزه برای کسب آزادی فعالیت های سیاسی را تصویر میکنند به سازماندهی آن بپردازند. عدم درک این مسئله بویژه جنبه سراسری بودن آن از انحرافات است که در نقاط بسیاری عمل کرده و قطعاً به جنبش ضربه میزند. این تظاهرات های سراسری اکنون در بسیاری نقاط کشور عملاً برپا افتاده است. وظیفه ما است که با سازمان دادن تظاهرات های سراسری در جهت مبارزه برای کسب آزادی

بخشی از بیانیه "سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار"

"اوج نوین جنبش دانشجویی - دانش آموزی و وظایف مبرم ما"

جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بهمنابه بخشی از جنبش خلقی در طی این دوران اعتلا انقلابی با ویژگیهای خاص خود در ارتباط تنگاتنگ با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان همواره ادامه داشته است.

اوچگیری جنبش نمیتواند دانشجویان و دانش آموزان انقلابی را در بر بگیرد. مبارزات دانش آموزان انقلابی اگرچه از غزال تعلیمی جدید نیز همواره وجود داشته اما در دوره اخیر ارتقاء سطح مبارزه و خواسته های آنان را به روشنی میتوان مشاهده کرد.

در همان حال که در کردستان سنگرهای رزم قهرآمیز علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی حامیان آن کلاسهای درس دانش آموزان انقلابی را میسازد، بازگشایی مدارس سقز تظاهرات عظیم دانش آموزان انقلابی را در همان جو خفقان و حکومت نظامی به همراه دارد. در مشهد و برخی شهرهای شمالی کشور و شهرهای از استان فارس تظاهرات های وسیع و سراسری دانش آموزان انقلابی با خواسته های مشخص سیاسی اوج نوین جنبش انقلابی دانش آموزی را ترسیم میکنند در تهران، قم، اصفهان و... نیز مبارزات دانش آموزان انقلابی، درگیری های حاد و... علیرغم یکپارچه و متحد و سراسری شدن آنها درجات بالای مبارزه را در اوج نوین جنبش دانش آموزی را رقم میزند. در همین حین جنبش دانشجوئی مبارزات پنهان و آشکار خویش را متجلی میسازد برچم های مبارزه برای بازگشایی سنگرهای خونین دانشگاه ها در دست دانشجویان انقلابی فشرده میگردد تا به اهتزاز در آمده و عرصه نویینی از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را به پیش برد.

سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در چنین شرایطی بر وظایف مبرم زیر تاکید دارد:

وظایف عملی ما

اولین وظیفه ای که در برابر هر جنبش انقلابی و کمونیستی در مواجهه با این اوج نوین جنبش قرار دارد، تعیین موضع نسبت بدان و ارائه محوری ترین شعارهای است که در جهت

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

ساری: یورش ارتجاع و مقاومت مردم

بدنبال درگیری های ساری که منجر به شهادت داد و سلیمانی از هواداران مجاهدین خلق گردید (۲۶ آذر ۵۹)، در روز ۲۹ آذر ماه یکی از اوباش "حزب" قمد حمله به ساط کتا بغروشی مجاهدین در خیابان طالقانی را داشت که موفق نشد و در حالیکه در دستش یک "سرا" می داشت فرار کرد. عده ای از مردم وارد دنبال کردند تا دستگیرش کنند ولی وی در خیابان انقلاب "سه" راهی "را به سوی آنان پرتاب کرد که در اثر انفجار آن ۶ نفر زخمی شدند و شیشه های چند مغازه شکست.

مردم زخمی ها را به بیمارستان برده و با تجمع در مقابل آن با شعارهای "مرگ بر ارتجاع" "مرگ بر آمریکا" و... تنفر خود را از اعمال ننگین مرتجعین نشان دادند. در فاصله زمانی کوتاهی عده مردم به هزار نفر رسید که با شعارها - نشان نفرت خود را از ارتجاع نشان دادند. بدنبال این حوادث ۲۰ مادر مبارز برای اعتراض به یورشهای مرتجعین در استانداری ساری تحصن کردند. آنان میخواستند از دستگیری پاسدار قاتل شهید سلیمانی و قاتلان زیر کتاب کتند "سرا" می مطمئن شوند. مادران مبارز میگفتند که بندوقها را از دوا هند و دوا می - خواستند تا همجا زان آنها باشند.

قم: اعتصاب مجدد رانندگان تاکسی

شنبه ۲۲ آذر: بدنبال اعتصاب رانندگان تاکسی قمر در روز ۲۱ آذر ماه جهت اعتراض به گرانی بنزین و نیز تحویل ۱۸ کوپن بجای ۳۰ کوپن و بدقولی مسئولین در رسیدگی به خواست آنان و نیز اخذن ما به التوافق (پتری ۲۰ پال) اکثریت رانندگان تاکسی مجددا در روز شنبه ۵۹/۹/۲۲ دست به اعتصاب زدند تا عدا خود را بگوش زحمتکشان شهر برسانند. آنان پس از مراجعه به دفتر خبرگزاری پارس به سمت شهربانی حرکت کردند و در مسیر با مزاحمت و نفرات و با نشان مشهور قمر و بروشند و پس از درگیری کوچکی در اثر همبستگی رانندگان و داخل لپ پلیس در جلو شهربانی اجتماع کردند. تاکسی رانان زحمت - کش با دادن فرصتی به شهربانی در جهت انجام خواستهایشان بطور مشروط بر سرکار برگشتند. رانندگان تاکسی قمر در اعتصاب قبلی موفق به دریافت ۴ کوپن اضافی شده بودند و به یقین با استناد و تشکل خود ادا میسازند و به خواستههای عادلانه شان نیز خواهند رسید.

پرچم نبرد انقلابی برای بازگشائی دانشگاهها را برافرازیم

اکنون که عوامفریبی های رژیم در زمینه های مختلف از جمله "انقلاب فرهنگی" دروغین و ارتجاعی او برای توده ها بیشتر و بیشتر آشکار میشود، اکنون که مسئله بازگشائی دانشگاهها در ذهن توده ها مطرح گردیده و جناحهای گوناگون رژیم را به موضعگیری بر سر آن کشانده است، اکنون که کارگران و زحمتکشان در نبردی بسیار شدت بیشتری به فتح سنگرهای جدید و گسترش انقلاب مشغولند، وظیفه ماست تا با برافراشتن پرچم مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها - اولاً شرکت فعال در گسترش انقلاب و فتح سنگرهای جدید نمائیم و از سوی دیگر آلترنا تیوا انقلابی در رابطه با این مسئله مطرح برای توده ها را برافرازیم. به توده های زحمتکش نشان دهیم که در زیرکدام پرچم باید به یاری دوستان واقعی و همبستگیان دانشجویان انقلابی بشتابند. با بازگشائی دانشگاهها بیش و پیش از هر چیز برای ما از این زاویه مطرح است که دانشگاهها از سنگرهای پایدار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده است. بازگشائی دانشگاهها بویژه در شرایط کنونی که توده ها تشنه آگاهی انقلابی هستند قطعاً از پشتیبانی توده ای بر - خوردا رفته و ثابتر عرصه ای وسیعی از فعالیت انقلابی بشیوه علنی که از ضروریات پاسخگویی به مسائل کنونی توده ها است را به روی نیروهای انقلابی خواهد گشود.

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی توده های زحمتکش و مبارزان! اوج نوین جنبش توده ای و از جمله جنبش دانشجویی - دانش آموزی که در قله خویش افق خونین رهایی زحمتکشان را برپیشانی دارد به حرکت درآمده است. گسترش مبارزات توده های انقلابی و زحمتکشان رژیم را مستلزم ترنموده و امکانات فراوانتری برای فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست فراهم آورده است و در همان حین وظایف جدیدتری را در برابر آنان قرار میدهد. مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیتهای سیاسی و بازگشائی سنگر خونین دانشگاهها اکنون در دستور کار ما قرار دارد.

با تمام توان خود به تبلیغ حول این دو محور اساسی جنبش انقلابی دانشجویی - دانش - آموزی و سازماندهی جنبش برای پیشبرد آن بشتابیم!

۵ دیماه ۵۹



به همسویی و فشرده تر شدن نیروهای انقلابی را دارد و تنها با تمرکز و همسویی هر چه بیشتر موف - مبارزین انقلابی است که میتوان هر چه بیشتر و بهتر این اهرم را در دست گرفته بر آن مسلط شد و آن را در خدمت انقلاب قرار داد. اینجا دشواری های انقلابی دانش آموزان از اهمیت زیادی بر - خوردا ر مییابد. ارتباط فعال شوراهای انقلابی دانش آموزی مدارس مختلف از ملزومات سازمان - دهی و هدایت جنبش سراسری میباشد. روشن است که ما هرگز برپاشی شوراهای انقلابی دانش آموزی را آلترنا تیوی در برابر فعالیت مستقل خود قرار نمیدهیم. ما همواره بر تبلیغ و ترویج نظرات سیاسی - ایدئولوژیک تشکیلاتی خود پای افشده و سازماندهی توده های دانش - آموزی و این نظرات را در دستور کار خود قرار داده ایم. املاً تبلیغ آلترنا تیو کمونیستی جنبش دانش آموزی و آلترنا تیو انقلابی - دمکراتیک این جنبش آلترنا تیوی در برابر سر - یکدیگر نیستند. عدم توجه به طرح "ورش آلترنا تیو کمونیستی جنبش دانش آموزی به غلبه بهترین خط مشی بر جنبش انقلابی دانش آموزی ضربه زده و سبب میگردد تا خط مشی های انحرافی این جنبش را به کجراه بکشند. همچنین عدم توجه به آلترنا تیو انقلابی دمکراتیک سبب میشود که در امر تمرکز و همسویی نیروهای انقلاب دچار شکست شده و تفرقه و تشتت و پراکندگی را افزایش دهد!

بسیار نیه پس ضمن برخورد به انجمن اسلامی مدارس و دانشگاهها و لیبرالها و مواضع خائنه به جها نیه، توده ایها و فدائیهها (اکثریت) و نیز افشای تزولات نیروهای انقلابی چون مجاهدین و راهکارگر و ضمن تأکید شرکت هواداران انقلابی مجاهدین در مبارزات دانش آموزی به تشریح موقعیت جنبش دانشجویی میپردازد و ما بخشهای دیگری را به در مورد جنبش دانشجویی میاورم:

رژیم جمهوری اسلامی که در پافته بود دانشگاهها این سنگرهای خونین مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی اهرمهای اساسی در دست نیروهای انقلابی برای گسترش مبارزه و افشای رژیم هستند. رژیم جمهوری اسلامی که چه در طی سالها حاکمیت ننگین پهلوی وجه در دوران دوما له حکومت خود در پافته بود که این سنگرها سنگرهای همیشه جا و داند و هر یورش مزدورانش با مشت محکم و پولادین دانشجویان انقلابی پاسخ داده شده بود تنها راه چاره خود را در تعطیل دانشگاهها میدید. پس استفاده از همان حربه کهنه ارتجاع که رژیم مزدور پهلوی با راه از آن استفاده کرده بود مورد آماجش مجدد رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد و انقلاب فرهنگی" پوششی برای تحقق منافع مرتجعانه رژیم میگردد.

بهشتی و یکی از پرونده‌های خیانت او در سفارت آمریکا

معاهد فیسبا ده و در سال ۱۳۲۷ آن نشریه منتشر شده است. اینک سید ملاقات ل. ل. مکی ما مورسفات آمریکا و جاسوس سا "آقای بهشتی" را ملاحظه کنید. کلیته، عمدتاً دستخبر مرحوم دانشجویان خط امام است. از نظر اسان دانشجویان که دست نشاند حزب جمهوری اسلامی بوده اند این سند چندان مهم نبوده! ولذا ترجمه کامل آنرا خواسته اند و علیرغم همه داد و پیدادهای "صد" امیرالیمستی "تان هیچ لازم دیده اند که گوشه و شهادت طلب" ایران برسانند (!) و توفعی هم از آنان نیست به سندنکه کنید:

از غیب "ترسیده بلکه از" لاله جاسوسی سلطان بزرگ رسیده است. همان جانی که آقای بهشتی هم با آن سروکار داشته و با جاسوسان آن سروی داشته است! آنچه در سرمی آید یکی از اسناد معدودی است که پس از مدتها به اطلاع خلق رسیده است. اینگونه اسناد بسیار دیده، مقادیر زیادی از آنرا همان ما مورس آمریکا و "جاسوسان سلطان بزرگ" سوزانده اند و مقادیری از آن هم سوسله آقای خوشینی ها و دانشجویان خط امام از انظار عمومی ناپدید شده و یا یکی ناپدید گشته است. سند را یکی از دانشجویان سابق بیرو نامهای مستند و مشروح برای نشریه

آیت الله دکتر محمد حسین بهشتی:

موردا اعتماد مطلق آیت الله خمینی مورد فدرسمند رژیم جمهوری اسلامی دبیرکل و رهبر حزب حاکم (حزب جمهوری اسلامی) رئیس شورای انقلاب رئیس مجلس خبرگان و تصویب کننده قانون اساسی (ولایت فقیه) طراح انتخابات کدائی مجلس شورای اسلامی رئیس دیوان عالی کشور و قوه قضائیه و...

چه رابطه‌ای با سفارت آمریکا داشته است؟!

آقای بهشتی یکی از مهمترین سردمداران رژیم است که:

- ادعای صدامیرالیمستی دارد و دروغ میگوید
- فربیکا را نه خود را در جنگ با آمریکا وانمود میکند،
- کارگران و زحمتکشان را که بغا طریبدست آوردن حقوقشان به اعتصاب دست میزنند "آمریکائی" و "خائن" میخواند،
- کمونیستها و انقلابیون را سرکوب میکند و بی شرمانه آنرا "آمریکائی" معرفی می نماید،
- مبارزه برحق خلق کرد را "توطئه آمریکا" میخواند،
- مبارزان انقلابی را که در راه ادا مصلحت انقلاب علیه امیرالیمست و در راه ادا مصلحتی کارگران و زحمتکشان فعالیت میکنند به زندان می اندازد، شکنجه و اعدام میکند
- آنگاه خود را "بیکاه انقلاب جهانی" علیه امیرالیمست میخواند...

اما چه رابطه‌ای بین بهشتی و سفارت آمریکا وجود داشته است؟!

کشف حقیقت برای کمونیستها امری عجیب نبود. آنها با در دست داشتن تحلیل علمی و طبقاتی، ماهیت سرمایه داری رژیم را شناختند و روی کار آمدن آنرا سازش بین ارتجاع داخلی و امیرالیمست تا کام گذاردن انقلاب خلقهای قهرمان ایران دانستند. کمونیستهای راستین به افشای ماهیت ضد خلقی این رژیم پرداختند و چهره‌های فربیکا را نه سردمداران آنرا که هر روز به نیرنگی متوسل میشدند برای توده‌های زحمتکش و آنگاه افشا کردند و پیده‌های توهم را از پیش چشم توده‌ها کنار زدند و در این راه قربانیهایی داده و میدهند.

کمونیستها بپوک بودن شمارهای با مصلحت صدامیرالیمستی رژیم را بر ملا ساختند و اهداف فربیکا را نه حزب آقای بهشتی و همدستان او را ازاد شده اشغال سفارت آمریکا افشا نمودند. اما بتدریج در جریان عمل حقایق پیش از پیش بر توده‌ها روشن شده است. این بار "ناهند



علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!

بهشتی خواست تا نظرهبری انقلاب را در مورد کسانی که بطور روزافزونی دلسرد و مخالف با جریان انقلاب میشوند توضیح دهد.

۱۵- بهشتی قبول کرد که اشتباهاتی شده که غیر قابل اجتناب بوده. رهبری می دانند که نمی توانند دیواری به دور ایران بکشند و آن را از نفوذ خارج منفرد سازد. ایران را از منافع تکنولوژی و بازرگانی که دارد و مورد نیاز آن است محروم سازد. رهبری انقلاب "مرزهای باز" می خواهند مرزهای بسته اکثریت به اقلیت یک میلیونی که حامی انقلاب نیستند اجازه اعمال نظر نمی دهد البته نظرهبری آنست که این اقلیت نیز به کار گرفته شوند و در این جهت تلاش میکنند.

۱۶- تفسیر اظهارات بهشتی بیشتر این طور است که به نظر میرسد که منافع آمریکا را به مایه آوری می کنند تا منافع ایران.

اظهارات بهشتی به نظر میرسد که برای یادآوری این نکته به ماست که کوشش برای تثبیت روابط بیشتر به نفع آمریکا است تا ایران ایران انقلابی به نفع ما و حمایت آمریکا خوش آمد خواهد گفت. لیکن به هیچ وجه قصد ندارد دیدان وابستگی پیدا کند.

لینکن

حالا بیکار دیگر متن سند را مرور میکنیم:

۱- (بند اول مهم نبود):
۲- بهشتی در بند دوم، احساسات و افکار عمومی مردم علیه رژیم شاه و هر کسی که به شاه کمک کند اشاره میکند و در واقع دشواری وظیفه ای را که در سازش با دشمن بعهده دارد و دست او را تا حد زیادی بسته است یادآور میشود. او خواستار قطعات بدکی نظامی است و خواهان ادامه قرارداد های بازرگانی، رژیم جمهوری اسلامی البته برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و بازسازی ارتش، چشم براه کمک آمریکا بوده است. اما میدانید چه وقت آقای بهشتی چنین انتظاری را از آمریکا داشته؟ در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ یعنی ۷ آبان ۱۳۵۸ یعنی ۶ روز پیش از تصرف سفارت بوسیله "دانشجویان پیرو..."! آیا میبینید که آقای بهشتی و رژیم جمهوری اسلامی قدر "فدا میرا لیست" است؟

۳- (بند سوم هم مهم نبود):

۴- در بند چهارم آمریکا شهادت از طریق جاسوس و مامورانش را تأکید می کند و آرزوی نمایی است که دولت جمهوری اسلامی ایران با ایجاد نهادهای جدید دولتی به منافع آمریکا و ایران خدمت کند. چگونه ممکن است دولت و کلا رژیم جدید ما هیتی خلفی داشته باشد و در عین حال آمریکا انتظار داشته باشد که منافع خود را در آن منعکس ببیند. آیا این تفاهم بین بهشتی و نمایندگان امپریالیسم دقیقاً دنیا را همان سازش و توافق نیست که بر سر سر نوشت انقلاب بین آمریکا و ارتجاع داخلی بعمل آمد؟
سولیوان آخرین سفیر آمریکا در تهران، در

در مورد شایعات دخالت سیا در ایران، کردستان و غیره سوال کرد. من گفتم این شایعات بی اساس است و نه سیا و نه دولت آمریکا خود را در هیچ مسأله ای که تمامیت ارضی ایران در آن مطرح باشد وارد نخواهد کرد. من این اطلاع را با آگاهی کامل از فعالیت های آمریکا در ایران می توانم به وی بدهم. این کاملاً برخلاف منافع ما در مورد تمامیت ارضی ایران است که میخواهیم به هر شکلی در کردستان مشکلاتی ایجاد نکنیم.

۱۰- Precht گفت تا بحال برای حل بعضی مشکلات مالی آمریکا تلاش خود را کرده ولی از جانب ایران همکاری لازم را نداشته. اما آمریکا نشده و ایران در بعضی قسمت ها کاملاً موفق بوده ما به دولت متذکر میشویم که از هر اقدامی برای حل این مشکلات و برای تحکیم روابط اقتصادی - تجاری با ایران فروگذار نخواهیم کرد. ولی دولت نیز باید دید که دولت آمریکا نیز به محدودیت هایی از نظر قانونی و غیره و ملایمات سیاسی نسبت به نقشی که می تواند بازی کند روبروست.

۱۱- در مورد قطعات نظامی Precht مراحل را که توسط آمریکا متذکر شد و این که از ماه ژوئیه به این طرف هیچ مانعی برای نقل و انتقال قطعات از طرف دولت آمریکا ایجاد نشده.

۱۲- مشکلاتی در مورد خاص بوده ولی آمریکا مایل است تا حرکت قطعات را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تأمین شود. ما همچنین خواسته ایم تا در مورد تهیه قطعات بدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری کمک باشیم و در این زمینه احتیاج به اطلاعات مشخص داریم.

۱۳- بهشتی به پشتیبانی وسیع مردم از انقلاب اشاره کرد و گزارشاتی که شایع شده در مورد توطئه هایی منجمد در ارتش، و اگر چنین کودتایی بشود آمریکا به سبب نقش وسیعش در ارتش مقرر شده خواهد شد. دشمن بهشتی از کودتا این طور نبود که احتمال موفقیت برای آن قائل باشد بلکه موفق نخواهد شد و هر گونه تلاشی از این نوع مشکلات جدی برای دولت آمریکا در ایران ایجاد خواهد کرد. رهبری انقلاب تصمیم گرفته تا در چهارچوبی "دوستانه و مثبت" به آمریکا و غرب نزدیک شود. ولی آنها عمیقاً بدبین هستند.

۱۴- با احترام به روابط نظامی ما با ایران فرصت ها را مختصم مردم ما به اندازه ای گروه ارتباطی نظامی ما را اشاره کنیم. هیئت مستشاری ARMISH, MAAY از نظر تعداد خیلی زیاد بودند اکنون به ۶ نفر تقلیل یافته که فقط به منظور حفظ تماس با طرف ایرانی برای تسهیل تهیه لوازم از آمریکا توسط دولت میباشد.

۱۵- Precht یادآور شد که در دفترش در واشنگتن گاهی با افرادی از طبقه متوسط و حرفه ای بر خورد نموده که این احساس را داشته اند که در فضای سیاسی ایران جایی برای آنها نیست در حالی که قبلاً با آنها نیز مخالف بوده اند. او از

کلیشه عین دستخط مترجم دانشجویان خط اما مکه ترجمه خلاصه ای است مربوط به سند آقای بهشتی

۱۶- یک نکته در حاشیه این سند: مترجم در بالای صفحه متذکر شده است که: (البته می دانیم که خطایش به دانشجویان خط اما مکه بوده) "در صورت مهم بودن ترجمه کامل"

ولی گویا از نظر دانشجویان خط اما ماین سند حاوی هیچ مسئله مهمی نبوده که ترجمه کامل آن را نتوانسته اند تا آنجا که حتی لازم ندیده اند همین خلاصه را برای مردم ایران افشا کنند.

از: سفارت

به: RUEHA, S.W. P.

کرارنگر: LAINGEN

موضوع: ملاقات با بهشتی

شماره: 554

تاریخ: 29 OCT (۷ آبان ۵۸)

مرجع: CNI

آدرس سند: ۵۵۴ سوآر ۹ ترجمه خلاصه مطالب مهم در صورت خیلی مهم بودن، ترجمه کامل

۲- بهشتی، احساسات افکار عمومی را در مورد هرگونه کمکی به شاه مخلوع یادآور شد در مورد ارسال قطعات بدکی نظامی و قراردادهای بازرگانی سوال کرد، و به شایعات وسیع در مورد دخالت CIA در کردستان اشاره نمود و گفت که حمایت لفظی آمریکا از انقلاب کافی نیست و بیشتر عمل لازم است تا حرف

۳- ما با تأکید بر نظریات مبنی بر اینکه ایجاد نهادهای جدید دولتی بوسیله دولت موقت میتواند منافع آمریکا و ایران خدمت کند - آرزوهای نیکوی دولت و مردم آمریکا را ابلاغ نمودیم.

Precht نظرات ایشان را در مورد روابط ایران و آمریکا و آنچه در این زمینه انجام شود جواب داد.

۵- بهشتی بر روی سه مسأله تکیه کرد. اول شاه و گفت ایران نمیتواند هیچ گونه حمایتی را از جانب هر کشوری که با تدنست به شاه تحمل کند
۶- مسأله دوم روابط بازرگانی بود و این که این روابط در دوران انقلاب با حالت عادی فسرر میکنند و آمریکا باید با جلوگیری از بسته شدن حسابهای ایران توسط دادگاه های آمریکا کمک کند.

۷- مسئله سوم این که آمریکا با سرعت کافی و به میزان مورد نظر ایران قطعات بدکی نظامی را تعمیر نکرده و اطلاعاتش در زمینه نظامی کم بود
۸- من به مسأله شاه پرداختم و از Precht خواستم تا نقطه نظر های آمریکا را در مسائل ذکر شده توضیح دهد من تأکید کردم که همان طور که به نخست وزیر ویزدی گفته ام آمریکا شاه را به رسمیت نمی شناسد و فقط برای معالجه امده و از هرگونه فعالیت سیاسی وی بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران جلوگیری خواهد شد.

۹- بهشتی هیچ اعتراضی به این مسأله نکرد و

بهشتی از خود آمریکا شیها همبستر برای منافع آمریکا دل میسوزاند و میکوشد تا ترا از خشم توفنده انقلاب توده ها محفوظ نگاه دارد!

آقای بهشتی تا کید میکند که "ایران انقلابی (منظور رژیم فدا نقلایی جمهوری اسلامی است) به تنه هم و حمایت آمریکا خوش آمد میگوید!"

تنگ و نفرت برایشه خیا نت و مردم فریبی که بهشتی و امثال او دارند: از یکطرف گوش فلک را از با صلاح مبارزه فدا میریالیستی پرکردن، آنگاه برای منافع آمریکا سینه چاک دادن و به انقلاب فدا میریالیستی توده های خلق خنجر زدن.

■ - چهره دشمنان خلق را هر چه بیشتر افشا کنیم
■ - توده ها را نسبت به دشمنان نقابدار نشان هر چه بیشتر آشنا سازیم

■ - با کار و فعالیت انقلابی و کمونیستی، پرچم انقلاب دموکراتیک - فدا میریالیستی را در راه برقراری جمهوری دموکراتیک خلق و بسوی جامعه سوسیالیستی همواره برافراشته نگاه داریم و به پیش روییم

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۰/۱۳

اعلامیه شماره ۱۰۴

★ ★ ★

مبارزه موفقیت آمیز دانش آموزان در شهرکرد

روز ۲۵ آذرماه، اعلامیه نیروهای انقلابی به دیوار "هنرستان صنعتی" شهر نصب شده بود که پس از چند دقیقه توسط معاون هنرستان کنده شد این عمل ارتجاعی موجب خشم و اعتراض هنر - جوانان گردید و با شعار "مرگ بر ارتجاع" در مقابل آن ایستادند. فردای آن روز، طرفداران "حزب جمهوری" دست به توطئه زده و اعلام کردند که یکی از هواداران شان در اثر ضرب و شتم یک دانش آموز انقلابی مرخص شده است و خواستار اخراج وی شدند. روز پنجشنبه ۲۷/۹/۵۹ از طرف دفتر هنرستان و رفته اخراج آن دانش آموز انقلابی به دیوار زده شد، دانش آموزان مبارز با اعتراض به تصمیم ارتجاعی هنرستان دست به تظاهرات زدند. آنها شعار میدادند: "محمل میرزمد، ارتجاع امیریا لیس میلرزمد"، "فعالیت سیاسی آزاد باید گردد"، "فرهنگ استعماری نابود باید گردد"، "خواسته توده ها، فرهنگ انقلابی است"، "تفتیش عقاید، توطئه ارتجاع است، آزادی سیاسی خواسته توده ها است" و... دانش آموزان انقلابی با مبارزه خود توانستند به خواسته خود مبتنی بر نصب نشریات و اعلامیه های انقلابی را عملی سازند. یکی از هواداران "اکثریت" میگفت که "اگر بجای مدیر بودم، نمی گذاشتم نشریه های سازمان "پیکار" را به دیوار بزنند". آری رویز - یونیست های متردد رخصت به بورژوازی چنان از نیروهای کمونیست و انقلابی وحشت دارند که حاضرند تن به هر کاری بدهند.

شد و آقای چمران "برای بزم و رزم" به کردستان میرفت. آمریکا ۲/۵ میلیارد دلار سلاح به ایران تحویل داد. حتی پس از جریان سفارت و تحریم اقتصاد و غیره باز هم بطور مستقیم و غیر مستقیم سلاح آمریکا بی به ایران وارد شده است. ما اخبار و اسناد زیادی در این رابطه در پیکار (شماره های اخیر) منتشر کرده ایم.

۱۱- (مکرر در اصل) در این بد از طرف آمریکا شیها تا کید میشود که آمریکا مایل است تا حرکت قطعات بدکی نظامی را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تا مین شود. در مورد قطعات بدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری هم آمریکا اعلام آمادگی مجدد می نماید.

۱۲- در بند دوازدهم بهشتی تا کید میکند که "رهبری انقلاب" تصمیم گرفته تا در چارچوبی "دوستانه و مثبت" به آمریکا و غرب نزدیک شود. حالا خوب معنی "نه شرقی نه غربی" را می - شوان فهمید که این تقدیری شرما نه بر سر آن داد و فریاد برآید و میاندازند.

۱۳- در بند سیزدهم ضرورت وجود هیات مستشاری نظامی برای تسهیل تهیه لوازم از آمریکا توسط دولت جمهوری اسلامی مورد بحث و تأیید قرار میگیرد.

۱۴- در بند چهاردهم با نژاد هم، ما مور سفارت تلویحاً سخن از لیبرال ها می - آورده که در حال حاضر در آمریکا هستند و از رژیم فعلی ایران تا رضایتی هائی دارند و آقای بهشتی می پذیرد که اشتباهاتی شده است.

هموطنان مبارز ما توجه دارند که منظور از اینگونه "اشتباهات" همان فشارها می باشد که توده های انقلابی میهن ما علیه کلیه وابستگان به رژیم سابق و امیریا لیست ها داشته اند. همان فشارها می باشد که آقای بازرگان تا ربه "سیل" تشبیه کرد و گفت "ما باران می خواستیم، سیل آمد!" (ترس از انقلاب و توده های انقلابی!) با لایحه آقای بهشتی که از ادامه آن "سیل" که بنیان امیریا لیسم و سرمایه داری وابسته را می خواست از ایران براندازد، در خود جلوی گیری نموده از طرف رژیم جمهوری اسلامی تا کید می کنند که "رهبری انقلاب" خواستار "مرزهای باز" می باشند "مرزهای بسته"! این حرف اگر مخالف صحبت آیت الله خمینی است که گفت "ما بهتر است دور خودمان دیوار بکشیم" تعجب نکنید. آخر حرف بهشتی مصرف خارجی داشته و حرف آیت الله خمینی برای مصرف داخلی گفته شده است و هر دو در یک خط است.

۱۶- در بند شانزدهم و در بیان گزارش این ملاقات فضا تحت بار، آقای بهشتی، چنان چشم اندازی را برای روابط ایران و آمریکا ترسیم نموده که ما مور سفارت می نویسد:

"اینطور بنظر میرسد که بهشتی "بیشتر منافع آمریکا را به ما یادآوری می کند تا منافع ایران را!"

این را میگویند که تا تولید ترازا با آقای

مجله مسائل خارجی چاپ آمریکا نوشت: "توصیه من به دولت آمریکا این بوده که با دیدار متلاشی شدن ارتش در اثر انقلاب جلوگیری کنیم. به عقیده من به سبب ارتباط خاص آمریکا با ایران ما می بایستی می دیدیم که آیا می توانیم ترتیبی بدهیم که نیروهای مسلح ایران دست نخورده بهمانندانه؟" (پیکار ۲۲ مورخه ۲۴ شهریور ۵۹)

آیا تلای بهشتی برای تحکیم روابط با آمریکا و تسریع در ارسال و تعمیر قطعات بدکی و "ایجاد نهادهای جدید دولتی" جز به منظور خدمت به منافع آمریکا و ایرانی که بدان وابسته میباشند بوده است؟

۵- در بند پنجم و ششم و هفتم هیچ غشی از قطع وابستگی و امثال آن که اینهمه میلیون ها نفر از توده های زحمتکش میهن ما ترا فریاد زده و در راه آن اعتصاب کردند، به غیا با نهی ریختند و کشته و زخمی دادند، مطرح نیست. فقط موضوع شاه مطرح است! آنها البته از ترس مردم! سال دوم ادامه روابط بازرگانی است که بهشتی روی آن تا کید میکند و از آمریکا کمک می خواهد که نگذارند حبابهای بانکی ایران در آمریکا بوسیله دادگاههای آن کشور بسته شود.

مساله سوم تا مین و تعمیر سریع قطعات بدکی نظامی است. بهشتی از آمریکا کله میکند که "چرا با سرعت کافی و به میزان مورد نظر قطعات بدکی نظامی بوسیله آمریکا تعمیر نشده است!"

۸- در ماده هشتم ما مور سفارت نظر دولت آمریکا را در تشریفات از نظر دولت متبوع او شاه دیگر نمیتوان یک مقام رسمی تلقی نمی - شود و اینکه آمریکا خواستار "استقلال و تمامیت ارضی ایران" است را با زگومی نماینده بهشتی هیچ اعتراضی ندارد.

۹- در ماده نهم ما مور "سبا" تا کید میکند که آمریکا در کردستان نقش ندارد و اینکه ایجا دشمنی در کردستان برای رژیم جدید ایران "بر خلاف منافع آمریکا" میباشد.

۱۰- در بند دهم با زسخن از حل مشکلات مالی و همکاری دولت آمریکا با ایران در دادگاههای آمریکا است تا هرگونه مشکلی از سر راه تحکیم روابط اقتصادی و تجاری آمریکا با ایران بر - داشته شود.

۱۱- در بند دوازدهم یکی دیگر از ما مورین سفارت بنام "پرشت" تا کید می نماید که از ما مه مرداد ۵۸ برای ارسال قطعات بدکی نظامی به ایران مانعی ایجاد نشده است. طبیعی است وقتی رژیم ایران اسلحه را برای سرکوب خلق کرد و دیگر خلقهای مبارز ایران می خواهد، وقتی می خواهد سینه کمونیست ها و انقلابیو را نشان دهد، وقتی هدف ایران از دریافت اسلحه سرکوب مبارزان کارگران و زحمتکشان است، چرا آمریکا اسلحه ندهد؟ هم میداند نیم که زمانیکه اولین جنگ کردستان (در پاره و) شروع

اندر بشردوستی امپریالیسم آمریکا و افاضات رهبر حرکت اسلامی افغانستان

در سالگرد تاجا و زوسپال امپریالیسم روس به افغانستان، لیسریاها همکوت راجا بیژن شمرند. روزنامه "انقلاب اسلامی" مصاحبه ای کرده است با "مولوی محمد بنی رهبر" حرکت اسلامی افغانستان "که در شمار پنجشنبه ۴ دی ماه ۵۹ آتروزنا مه چاپ شده است. در قسمتی از این مصاحبه "از وی سؤال شده است که:

"اگر آمریکا به شما کمک کند قبول میکنید؟
و وی جواب میدهد: "اگر از وی بشردوستی و بدون قید و شرط و بدون تعهد و قرار داد کمک کند قبول میکنیم... در جای دیگر از وی سؤال میشود:

"آیا شما با ضیاء الحق ارتباط دارید؟" و رهبر حرکت اسلامی افغانستان پاسخ میدهد: "بله! و بسیار نظر دوستانه دارد، از اینکه روسیه ظلم میکند به کشور ما و تاجا و زکریا ست رنج میدهد حضرت محمد بنی در پاسخ به این سؤال که: "امور مالی شما چگونه تامین میشود؟" میفرماید: "از کمک و خدمات مردم مسلمان است برخی از افراد متحول در افغانستان و پاکستان به ما کمک می کنند."

این سه مطلب را کنار هم بگذارید تا واقعیت ماهیت "حرکت اسلامی افغانستان" را بهتر

"توبودی رستم دستان نه با کاووس، بر کاووس" یادی از جهان پهلوان تختی بمناسبت سیزدهمین سالگرد شهادتش

۱۷ دی ماه ۱۳۴۶ دستان تنبهاک را در خمیان ساواک به زندگی کوتاه و شرافتمندانه غلامرضا تختی، فرزندی مبارز "خانی آبداد" پایان داد. او در شهریور ۱۳۰۹ در تهران دیده به جهان گشود و زندگی سراسر رنج و مشقت مردم جنوب تهران - که خود از زمین آنان و در میان آنها بود - او را با واقعیات زندگی زحمتکش آن آشنا ساخت و او را به مبارزه علیه پیدا دوز و روجو رگشا ند. تختی خیلی زود در صحنه ورزش درخشید ولی نه تنها همچون حبیبی ها... حاضر به چالوسی رژیم شاه نگشت، بلکه ورزش و تنگ گشتی را در خدمت فعالیتهای سیاسی خود قرار داد. رفتار رومنش توده ای او، وی را محبوب توده های زحمتکش نمود و او این محبوبیت را در خدمت مبارزه علیه رژیم قرار داد. روحیه سلحشور و مانع از آن شد که یکدم از فکر توده های پابرنه غافل بماند و در نتیجه رژیم و وابسته شاه به وحشت افتاد و کمر به قتل او بست. شهادت تختی، حرکت مبارزانه ای بی نظیری را در میان توده های مردم و به ویژه جوانان انقلابی دامن زد و جنبش دانشجویان انقلابی "شب هفت" و "چهلیم" تختی را به یکی از پر شور ترین تظاهرات توده ای در آن سالهای سیاه خفقان علیه رژیم شاه و امپریالیسم بدل ساخت و برای اولین بار در آن سالهای اختناق فریادها و شیکه با "دروود تختی"، "زحمتکشان بدانید تختی شهید گردید" شروع شده بود، رسا تر شده و با تلمین "مرگ بر شاه" تجلی را که شاه پسته تختی بوده تجلیل از مبارزه او - برپا داشت. شهادت نیز چون زندگیش در خدمت مبارزه توده ها و غرور خشم انقلابی آنان قرار گرفت.

یادش گرامی باد

راهپیمائی اعتراضی رانندگان وانت بار

جنگ ارتجاعی همچنان زحمتکش را زیر فشار قرار داده است. بدنبال گران بنزین رانندگان وانت بار با مشکلات بسیار روبه رو شدند. اتحادیه قلابی مرتباً آنها را سرد ونده و با نیکه نیز از دادن کوپن بنزین خودداری کردند. روز شنبه ۲۲ آذر ماه رانندگان زحمتکش در مقابل "اتحادیه" تجمع کرده و خواهان گرفتن حق خود بودند. مسئولین اتحادیه بهای رسیدگی به مشکلات رانندگان، پاسداران را به مقابله آنها فرستادند که آنها با تیراندازی هواشلی سعی در متفرق کردن رانندگان نمودند. ۲ نفر

در بامید، "حرکتی" که رهبرش انتظار بشردوستی را امپریالیسم آمریکا داشته و حاضر به قبول کمک های آن با شد و زوال ضیاء الحق - مزدور پاکستانی امپریالیسم آمریکا با آنها "نظر دوستانه" داشته و مورمالی "شان نیز توسط "افراد متحول در افغانستان و پاکستان" رفع و رجوع شود، روشن است که چگونه "حرکتی" است بی جهت نیست که سردمداران رژیم جمهوری اینقدر درباره "مجاهدین اسلامی" افغان داد سخن میزنند.

البته پس از "اعترافات" حضرت محمد بنی رویزیونیست های حزب توده (و احیاناً برادران اکثریتی شان) نیز ساکت نخواهند نشست و سخنان مرتجع افغانی را شاهی بر "اثبات" "حقانیت" آنها جم رشت شوروی به افغانستان و به خاک و خون کشیدن خلق این کشور خواهند آورد. رویزیونیست های خاشاک جنر و ه های ارتجاعی، امپریالیستی و وابستگان شان نمی توانند چیز دیگری را ببینند. آنها برای توجیه پشتیبانی شان از تاجا و زوسپال امپریالیست و نوکر بی مقدارشان "ببرک کارمل" مجبورند که خلق افغانستان و نیروهای کمونیست و انقلابی افغانستان را که با مرز بندی قاطعانه به سمت مرتجعین و فئودالهای وابسته به امپریالیستهای غربی با زوسپال امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش مبارزه میکنند، نادیده گرفته و آنها را با نیروهای وابسته به غرب در یک کبسه بریزند. اما آفتاب حقیقت برای همیشه در پشت ابرها پنهان نمی ماند.



زمین نشسته و خواستار مذاکره با نماینده نخست - وزیر شدند، آنها خواسته های را مبنی بر: الفای "اتحادیه" فعلی و تشکیل اتحادیه واقعی، تحویل کوپن و کارنامه از طریق بانک تحویل لوازم بدکی، توزیع بنزین عادلانه تشکیل اتحادیه برای رانندگان وانت بار، پلاک سفید، پرداخت ماهیانه با بنزین ماه قبل ۱۰۰۰ اعلام کردند و بدون توجه به تحریکات کسانیکه از طرف نخست وزیر صحبت میکردند تصمیم گرفتند تا رسیدن به خواسته هایشان به مبارزات خود ادامه دهند.

از رانندگان را دستگیر کردند، بقیه رانندگان به اعتراض بلند شدند و چون نتوانستند با اتحادیه به توافق برسند تصمیم گرفتند به نخست - وزیر بروند تا در مسیر با شاعرهای "اتحادیه قلابی" منحل با یکدیگر "اتحادیه واقعی" ایجاد با یکدیگر، "بنزین عادلانه توزیع با یکدیگر" و... خواسته های رانندگان را بگوش مردم میرسانند و مسیر نیز از رانندگان دیگر به آنها می پیوستند. در حدود ۲۰۰۰ راننده وانت بار در این راهپیمائی اعتراضی شرکت داشتند. در مقابل دفتر نخست وزیر زحمتکش راننده بر

از اشغال نظامی افغانستان یکسال گزشت افغانستان، گورستان تجاوزگران روسی

ششم دیماه مصادف بود با اولین سالگرد اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش تجاوزگر سوسیال امپریالیسم روس. بیش از دهها هزار سرباز روسی با مدرنترین سلاحها، افغانستان را اشغال کردند تا با کشتار و سرکوب زحمتکشان افغان منفعه جدیدی از جانیات امپریالیسم روس بگشایند.

خلقهای جهان این تجاوز امپریالیستی را محکوم کردند. امپریالیستهای غربی و وابستگانشان نیز از زاویه منافع خود با جوار و جنجالهای توخالی و فربسکارانه به اعتراض علیه شوروی پرداختند که نتایجی و زده‌بندهای پشت پرده را در نهان بدستال داشت. رویزیو نیست ها و اقامه شوروی نیز طبقا و بعنا و بسن مختلف بدفاع از این تجاوز آشکار برخاستند. زحمتکشان آگاه افغانستان پس از تهاجم شوروی نه تنها دست از مقاومت نکشیدند، بلکه پیگیرانه به نهضت دبا تجاوزگران ادامه دادند. در این میان نیروهای مرتجع محلی با حمایت امپریالیستهای غربی، بخشی از توده‌های نا آگاه را بدور خود گردآورده و برای تامین منافع اربابانشان به مبارزه با رژیم دست نشاند شوروی پرداختند.

تاریخچه نفوذ شوروی در افغانستان

اشغال نظامی افغانستان نتیجه منطقی تکامل نفوذ شوروی در این کشور بود. آغا رفوذ نظامی، اقتصادی و سیاسی شوروی بدواً و اخیر سالهای ۱۹۵۰ و اوائل سالهای ۶۰ بر میگردد. پس از آنکه رژیم استبدادی ظاهر شاه برای مقابله با پاکستان در کشمکش سراسر با لیت پستونستان از آمریکا کمک تسلیحاتی خواست و رده شد. رژیم کابل برای دریافت اسلحه و کمکهای اقتصادی به شوروی روی آورد. قبل از آن امپریالیسم آمریکا در برنامهای اقتصادی افغانستان نقش بیشتری داشت ولی در برنامهای پنج ساله سوم افغانستان، آمریکا با ۱۸ میلیون دلار وام پس از شوروی قرار گرفت.

سالهای ۵۰، با اوچگیری مبارزات مردم افغانستان بر علیه استبداد ظاهر شاه و نفوذ امپریالیسم و نیز تقیای ملحقه خلقهای پشتون و بلوچ مقارن بود. رژیم سلطنتی که "داود" نخست وزیر آن بود بخوبی میدانست که خلق بیخاسته افغانستان کمربند سرنگونی اش بسته است. لذا برای سرکوب جنبش به کمک امپریالیستهای نیارداشت و بورژوازی نوپای شوروی از این فرصت نهایت سودا برد. شوروی در این دخالت، دورنمای دست یابی به افغانیوس هند را پیش چشم داشت. در نتیجه، سیل ملاحضای کهنه شوروی به افغانستان سرازیر گردید. در آرای این کمکها، روسها کازا افغانستان را با قیمت ۱/۳ خرج جهانی به غارت بردند. روسها در آراء و امیای کمربند با نا زلترین قیمت ها به بهره برداری از سخت عمده معادن، مواد خام، محصولات کشاورزی و... با اغناء قرار دادهای

۲۵ ساله و با قیمت ثابت برای این مسدود برداخت و قسمت عمده بازرگانی خارجی افغانستان را با تحمیل خود در آورد و بخش اعظم تریایهای اقتصادی و اجتماعی کشور را در اختیار گرفت. البته امپریالیستهای غربی نیز بنوعیه خود در غارت و استثمار خلق افغانستان سهم بودند ولی نقش شوروی در درجه اول اهمیت قرار داشته در سال ۱۳۴۳ "حزب دمکراتیک خلق" ترهیری نور محمد ترهکی خاثن تاسیس (و یکسال بعد به انشای روزنامه "خلق" پرداخت) و در خدمت تحقق اهداف شوروی درآمد. این حزب چندین بعد به دو جناح "خلق" و "پرچم" منشعب شد. در شرایطی که خشم انقلابی نوده ها روز بروز با شدت گرفته نری می یافت و جنبش دمکراتیک نوین (شعله ها وید) بهما به یک سازمان انقلابی به تبلیغ و ترویج مبارزه فهر آرمیزی پرداخت. رویزیونیستهای "خلق" و "پرچم" با دست سوسی ظاهر شاه و اعتماد شکی به تبلیغ "با لمانتا ریم" و "راه مسالمت" - آمیز "پرداخته و راه" "غیر مسئول"، واجب - الا حترام" و "دمکرات ترین شاه آسبا" می - خواندند. آنها در آرزوی سهم شدن در قدرت و از زاویه دفاع از منافع اربابان روسی به مخالفت با محافل وابسته به امپریالیسم غرب می پرداختند. اما به علت تشدید روز افزون بهران - های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و همراه با آن اوچگیری سریع مبارزات طبقاتی نوده ها در طی سالهای ۴۷ تا ۵۲ سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیستهای غربی به تها هم و سانی رسیدند.

سوسیال امپریالیسم شوروی با استفاده از موقعیت ممتاز خویش و بویژه نفوذش در ارتش و با تکیه به جناحهای وابسته بخود و ستون بنجم خویش ("خلق" و "پرچم") موفق شد با کودتای ۲۶ تیر ۱۳۵۲ "داود خان" - از مهره های طرفدار خود - را به قدرت برساند. هر چند که وی عنصریالیسمه مناسبی برای پاسخگویی به نیازهای امپریالیستی شوروی بشمار میرفت، اما اوضاع افغانستان و موقعیت "داود" و برخی اطرافیان سبب گشت که دستگاه دولت به محنه رفاهات های گروههای مرتجع وابسته به شوروی و غرب تبدیل گردد. با تشدید بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و... این تهادها نیز خا در شدند. ارمخصاص دیگر دوران داود خان ظهور یک دیکتاتوری خش و غربیان بود. در این دوران توده های میلیونی در اشراف و فلاکت محصور به ترک وطن و روی آوردی به ایران و پاکستان و... گردیدند. بدین - ترتیب تحت شرایط اختناق و سرکوب وحشیانه

جنبش انقلابی فروکش کرد. رویزیونیستهای "خلق" و "پرچم" که روزگاری خواب بدست آوردن قدرت از طریق "مسالمت آمیز" و "تدریجی" را میدیدند، در این دوره چشم به "انقلاب" از بالا (درواقع کودتا) دوخته و تا دازنشده قدرت به خبا با تها ریخته و سرود و ف "سوسیالیسم" داودی را سر میدادند. از ویژگیهای رویزیونیستهای خا شن افغانی شدت اختلافات درونی شان بود. با حدی که ارتدانهای "خلق" و "پرچم" آشکارا این جنگ قدرت را با حمله بیکدیگر منعکس میکردند.

سندید بحرانها، با توانی در آوردن وعده و وعده ها و در اشراف و ارا داز سوی محافل وابسته به غرب "داود" را به طرف امپریالیستهای غربی سوق داد. این چرخش موجبات سقوط او را فراهم کرد. با کودتای ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷، روی - کار آمدن دولت دست نشاند روس، وابستگی به سوسیال امپریالیسم شدت گرفت و روسها توانستند با امضای ۲۰۶ قرارداد استعماری در دوران ترهکی - امین علاوه بر غارت منابع خلق افغان، حق مداخله نظامی در آن کشور را نیز بدست آورند. با اوچگیری جنبش انقلابی و برای فروتن شدن آن تبعید با زیهای سیاسی شروع شد. "حقیقه الله امین" به محنه آسبده و "استاد توانای" خود را با حمله گرفت. اما مسالمت اوج گرفت. و این موجب شد که کودتاگران جدید از دهانوب ها و تانکهای ارتش شوروی سیرون آمده و "مرحله سون حرب و اجدد مکرانیک" اعلام کردند. احزاب متخاضم قبلی دوباره "واحد" شدند و بقول افغانی ها هفتمین "ازدواج خلق و پرچم" صورت گرفت. سیرک کارمل در کتاب "کوشه ای از زندگی نور محمد ترهکی" (از انتشارات "پرچم" - ۱۳۵۵) بدترین لقب ها را به ترهکی داده بود ولی اینک این "ناکرد و فادار" ترهکی یعنی حقیق الله امین است که از چشم آسای کارمل عامل سنا و امپریالیسم بوده است. آنچه سیرک کارمل "مرحله سون انقلاب" مینامد در واقع چیزی نیست مگر بحث سلطه در آمدن کا مل افغانستان بوسیله ارتش مسلح امپریالیستی شوروی.

اوضاع کنونی افغانستان

نقشه های سوسیال امپریالیسم روس که کما میگرد می توان دید مقامت دلبران خلق افغانستان را در هم شکنند، با خشم و طغیان بوده ها نقش بر آب شد. هکامیکه از خلقی افغانستان صحت میکنیم با جناح دیگری از طبقات ارجاعی شامل بخشی از فئودالها (بخش دیگر طرفدار کارمل هستند)، رهبران مرتجع مذهبی وابسته به غرب، کمپرادورها، سوروکراهای نظامی و غیر نظامی وابسته و

■ - شعله ها وید "بعدها دجا را نشاء گردید و یک جریان "نهجانی" ارمان استعاب سیرون آمد

آدم ربائی، شکنجه و ترور

از اینگونه اقدامات که یک انقلابی را در خیابان برپا بند، او را شکنجه کنند تهدید بمرگ نمایند و حتی او را بکشند یا در رژیم جمهوری اسلامی هم اتفاق افتاده است که یک نمونه آن ربودن و قتل دو رفیق شهید ما مسعود مالچی را در وطیب نجم الدینی بود. از دیگر انقلابیون وابسته به نیروهای دیگر مثل راه کارگر، مجاهدین و فدائیان خلق (اقبلیت) و غیره نیز نمونه های متعددی دیده شده است.

حدود دو هفته پیش یکی از هواداران فدائیان خلق (اقبلیت) را در حالیکه مشغول فروختن نشریات انقلابی بوده بزرگترین شکنجه را به زور سواران و مأموران می کردند و او را میبندیدند و با کتک و فحش به بیابانهای اطراف تهران پارس میبردند. او را کلاً لخت کرده و در سرما شکنجه میکنند منجمله برای شربا شدن او کار بدیه خلقش می مالند! او را رها میکنند.

این رفیق انقلابی با چهره از روی چشم - هایش با زمینکند و میگوید لبهاش را گشاید و این سوآئسو انداخته بودند برادر و بیوشدولی خدا انقلابیون دوباره بر سرش میریزند و پس از کتک زدن او را رها میکنند. این رفیق انقلابی و مقاوم با دشواری زیبا خود را به شهر میرساند. خدا انقلاب با بد مطبش با دشمنی که از این شیوه های سرکوب جلوی پیشروی انقلاب را نمی-گیرد!

در ادامه ضروری است برای سازمانها و گروههایی که در افغانستان فقط دوشنبه و موقع (آمریکا و شوروی) را می بینند و در نتیجه برخورد های انحرافی، متزلزل و وابسته بونیستی از خود نشان میدهند و نکته را با دآوری کنیم: ۱- با حرکت از تحلیل ماهیت شوروی، لشکر- کشی وی را به افغانستان از زبانی شما شید اشتباه شما در این است که فقط با حرکت از ماهیت و نقش امپریالیسم آمریکا به مسئله افغانستان نگاه میکنند و با در نظر گرفتن این مسئله به موضوع کمالات انحرافی و رونیستی در مورد نقش شوروی در افغانستان میرسید.

۲- کوشش نمائید تا با حرکت از موضوع مبتذل خلق مبارزان افغانستان به بررسی نیروهای موجود در این کشور بپردازد و در نتیجه به پشتیبانی از انقلاب افغانستان و نیروهای انقلابی آن برخیزید.

توطئه های امپریالیسم غرب در افغانستان را افشا نمائیم! پیروزی دمبارزات خلق قهرمان افغانستان بر علیه رژیم سرسپرده سوسیال امپریالیسم! پیروزی انقلاب رها شمش خلقهای تحت ستم بر علیه امپریالیسم جهانی!

سربازان روسی با زار "جمهوریت" کابل را مورد دستبرد قرار داده و برای ردگم کردن آنجا را به آتش کشیدند. فرهنگ رونیستی و امپریالیستی جز این نمیتواند بپا آورد.

پس از دو سال جنگ مسلحانه در افغانستان هیچیک از دو جناح (وابسته به شوروی و غرب) موفق به جلب پشتیبانی نشده ها نگشته و نتوانسته اند حاکمیت سراسری خود را استوار سازند. در این میان تنها نیروی رشدیابنده، نیروهای انقلابی هستند که با اتکاء به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان به مبارزه ادامه میدهند و با طراپس هراس مشترک امپریالیستها از انقلاب دورنمای تنبانی و مماله پنهانی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی برای یافتن "راه حل" مشترک نباید نادیده گرفته شود. این روزها شایعات فراوانی در مورد روی کار آمدن ظاهر شاه خاش بعنوان "راه حل" مشترک در افغانستان وجود دارد.

سه نیرو در برابر هم

علیرغم تصورات نادرست تبلیغات ارتجاعی که فقط دوشنبه و در افغانستان در مقابل هم قرار میدهند در این کشورها به سه نیرو سه موضع مختلف رونیستی:

الف - سوسیال امپریالیسم و وابسته های داخلی وابسته به آن
چنانچه اشاره شد شیرازه گروههای حاکم "خلق" و "پرچم" و فراکسیونهای منشعب از آنها کلاً از هم جدا شده است. و تفادهای درونی آنها بحدا فجاری رسیده است.
ب - امپریالیسمهای غربی و احزاب "اسلامی" وابسته به آن که اساساً زیر نفوذ و دالها قرار دارند.

ج - موضع خلق افغانستان و نیروهای انقلابی، مترقی و مبارز

کمونیستهای و انقلابیون راستین افغانستان تنها با مرز بندی قاطع و دقیق با ایادی امپریالیسم و برادر انداختن یک جنبش وسیع آزادی بخش در دفاع از منافع خلق میتوانند راه پیروزی انقلاب دمکراتیک و خدا امپریالیستی را هموار سازند. توضیح این نکته ضروری است که رونیستیهای خاش سه جانی که در "مغالفت" با سوسیال امپریالیسم آتش تندی از خود نشان میدهند در حقیقت در حرف و عمل رهبری عمال امپریالیسم آمریکا را پذیرفته و شاعر وحدت بزرگ پرچم این "رهبری" را تبلیغ میکنند. آنها با قرار گرفتن در کنار نیروهای مرتجع مذهبی در برابر خلق افغانستان قرار گرفته و به منافع خلق خیانت میکنند. رونیستیهای خاش سه جانی "رنجبران" نیز در قبال خلق زحمتکش افغانستان چنین مواضعی را اتخاذ کرده اند.

رونیستیهای خاش "حزب تسوده" و "اکثریت" فدائیان را لاشا نادر دفاع از سوسیال امپریالیسم انجام داده و در مفسدشان خلق افغانستان قرار گرفته اند.

عده ای از افراد فداری حزب "خلق" که در جهت تامین منافع امپریالیسمهای غربی بویژه آمریکا، استقرار مجدد نظام را با رعیتی سنتی حرکت میکنند، مرز بندی قاطعی داریم. آنها شی که در دهها گروه و حزب مذهبی افغانی در ایران و پاکستان گرد آمده اند با طرایفای نقشی خاش نشان خیا نکتا نسبت به خلق افغان می-باشند. آنها و ارتجاع حاکم از نظر ما هیست وابستگی خود، برای نیروهای انقلابی یکسانند با ندهای "خوان المسلمین" دشمن عمده شانرا نه روسها بلکه انقلابیون چپ افغانستان می-دانند. اغلب این با ندهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب و از جمله آمریکا میباشند و مقابله آنها با شوروی نه از موضع دفاع از انقلاب و منافع توده های زحمتکش، بلکه از موضع ارتجاعی و سرسپردگی شان میباشد.

امروز نیروهای واقعا انقلابی و توده های آگاه از موضع خدا امپریالیستی به مبارزه خود علیه مرتجعین - امپریالیستها و بخصوص شوروی ادامه میدهند. در طول ۶ - ۷ ماه گذشته در هرات و حوالی آن تجا و زگران روسی همراه با ندهای خلق و "پرچم" برای سرپا زگیری خانه های مردم را محاصره کرده و اقدام به دستگیری جوانان بالاتر از ۱۶ سال نموده اند چرا که توده ها از آنها گریزانند. با وجودیکه شب و روز مدای رگبار مسلسل و غرش تانکهای تجا و زگران لحظه ای قطع نمیشود ولی توده ها که در میان آنها نوجوانان و دختران دانش آموز نیز زیاد چشم میخورند، عموماً بهای پرشوری از مقاومت و مبارزه میآفرینند.

در اینجا جا دارد از رفیق ملالی دختر دانشموی کمونیست از تشکیلات "اگر" یاد کنیم که پس از تحمل شش ماه شکنجه وحشیانه جلادان در زندان "پلچرخ" و مقاومت حماسه آفرین تنها جانی که حتی از افشای نام خانوادگی اش نیز خودداری کرد و همراه با گروه عظیمی از انقلابیون دیگر روانه کشتارگاه گردید. این واقعیتی است که هزاران زندانی سیاسی که در زمان تره کسی - امین در شکنجهگاهها و سبایها لیا و در راه آزادی شهادت رسیدند، از کمونیستها و روشنفکران انقلابی بودند. در میان هزاران انقلابی که در دوره زمان مداری ببرگ کارمیل شهید شده اند با داز "مجید کلکانی" یاد کنیم که پس از ۱۵ سال مبارزه سرانجام بدست مسز دوران سوسیال امپریالیسم دستگیر و در ۸ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۸ خرداد ۵۹) در راه های زحمتکشان اعدام گردید.

با شهیدان بخون خفته خلق افغانستان را گرامی میداریم!

در حال حاضر در بین سربازان و افسران روسی آنچنان فساد و انحطاط اخلاقی موج میزند که آنها در هر تهاجمی به محلات و روستاها به زنان و دختران تجا و زمینها بند و مال زحمتکشان را به سرقت میبرند. در سال گذشته گروهی از

گرامی باد خاطره رفقای شهید



فدائی خلق یوسف زرکاری

- تولد در ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری
- برای امرار معاش از او ان کودکی
به کارگری پرداخت
- در او آورده ۱۳۴۰ با پیوستن
به سازمان چریکهای فدائی خلق
فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد
- در سال ۵۰ دستگیر شد و پس از یک
سال آزاد گردید
- نویسنده کتاب "طراتیک چریک
در زندان" که حاوی تجارب او در
مقابله با پلیس و نیروهای سرکوب
- که رژیم شاه است
- در ۱۳۵۲ دیماه ۱۳۵۲ در یک درگیری
در اصفهان به شهادت رسید

کارکردهای به سویالسم و جنبش
- های آزادی بخش میداشت و
آنها را مورد تمسخر قرار میداد
- رفقای شهرمانی چون حسن
مسعودا حمزاده، حمید مومنی و...
مبارزه علیه سرما به داری را جدا از
مبارزه علیه روزیونسم (روزیونیم
خروجی در آن زمان) نمیدانستند
اما امروز در دین ما زمان
چریکهای فدائی خلق (اکثریتی-
های خائن) که با لمدادن برخون
رفقای شهرمانی چون حسن می-
خواهند نیروی برای خود دست و پا
کنند، نمیخواهند بدانند که این
رفقا علیه رزمی چریکی خود که
انحراف از مارکسیسم است پس
روزیونیم ها مرز بندی انقلابی
دا شدند و حاضر به هیچگونه مصالحه ای
با آنها ننموده اند
با دین کرامی باد!



فدائی خلق حسن نوروزی

- تولد در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده
کارگری در محله راه آهن شهران
- در ۱۳۴۸ تماس با گروه انقلابی
رفیق مسعودا حمزاده که در سالهای بعد
به مرکزیت سازمان ج.ف.خ. رسید
- از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ در چندین
عملیات نظامی و انقلابی علیه
رژیم شاه شاه و امیربالیستهای
آمریکائی شرکت داشت
- ۲۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با مزدوران
رژیم در منطقه کردستان به شهادت رسید
یکی از رفقای ما که در آن زمان
هوادر سازمان چریکهای فدائی بود
یادداشتی به مناسبت شهادت رفیق
فرستاده و چنین مینویسد: "من در آن
زمان از سمبانیهای سازمان چریکهای
فدائی خلق بودم و با رفیق حسن از قدیم
دوستی داشتم بین سالهای ۵۱-۵۲ و
تا چند هفته قبل از شهادت او و امی-
دیدم و در قسمت تدارکات فعالیتها
داشتم. بیاد می آورم عشق عمیق او را به
کارگران و زحمتکشان طبقه اش و به
آرامش سویالسم و کینه و نفرت
طبقه اش او را نه تنها نسبت به رژیم و
دشمنان خلق بلکه به روزیونیستهای
خائن کمیته مرکزی حزب توده (نمونه
برخورد پدرش که در مقابل حرکت
اپورتونیستی و خیانتکارانه مرکزیت
حزب توده و قرار آنها، از حزب جدا شده و
در راه تداوم مبارزه شهید گشت، برای او
نمونه وفاداری به خلق بود). بعدا د
میآور که رفیق مرز بندی انقلابی با
روزیونیم خروجی داشت و
همیشه هر بار روزیونیم
شوروی و برژنف را خائنین به طبقه



لیلا زمردیان

- تولد در ۱۳۲۸ در خانواده ای مرفه
و مذهبی
- آشنائی با مسائل اجتماعی و
سیاسی از طریق شرکت در محافل و
مجالس مذهبی نظیر حسینیه ارشاد
- دانشجوی رشته مددکاری اجتماعی
و آشنائی با رنجهای توده های
زحمتکش در جریان تحقیقاتی که
در مناطق جنوبی شهرستان مینمود
- آشنائی با سازمان مجاهدین
خلق و سپس پیوستن بدان در سال
۵۱
- ادا فعالیت انقلابی و مخفی
شدن در سال ۵۲
- کارآموزی و سیاسی تشکیلاتی
در درون کارخانه ها منجمله کار-
خانه دارو سازی دکتر عبیدی قزوین
زیبا و کفش ملی...
- آشنائی با مارکسیسم لنینیسم و
پذیرش آن در سال ۵۴
- ادا فعالیت انقلابی، تا زمان
شهادت در ۱۴ دیماه ۱۳۵۵ بدست
مزدوران ساواک
فدائی خلق حسن نوروزی
- تولد در ۱۳۲۴ در یک خانواده کار-
گری در محله راه آهن شهران
- در ۱۳۴۸ تماس با گروه انقلابی
رفیق مسعودا حمزاده
- از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ در چندین
عملیات نظامی و انقلابی علیه
رژیم شاه شاه و امیربالیستهای
آمریکائی شرکت داشت
- ۲۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با
مزدوران رژیم در منطقه لرستان به
شهادت رسید



محمد باقر عباسی

- تولد ۱۳۲۵ در قم
- آشنائی با زحمتکشان از دور و
دبیرستان و مبارزه با مبدعهای
آنان
- پیوستن به یک جریان مذهبی
مبارز و مخفی بنام حزب ملل اسلامی
و دستگیری و محکومیت ۳ ساله در
۱۳۴۳
- ادا فعالیت مبارزاتی پیرای
آزادی از زندان و تشکیل یک گروه
انقلابی همراه با چند تن دیگر از
مبارزین
- علیه رژیم شاه و به مارکسیسم گرایش
داشت، چون سازمان مجاهدین را
سازمانی انقلابی میدانست همراه
با عده ای دیگر از همزمان نشین
منجمله رفیق علیه فاسی به این
سازمان پیوست
- شرکت در عملیات نظامی و فعالیت
- های تبلیغی و افشاگرانه علیه
رژیم شاه شاه و انجام وظایف
سازمانی با فداکاری و گذشتی که
زیبا نذر فدا بود
- رفیق باقر عباسی مبارزه در راه
آزادی زحمتکشان خلق بود او
اولین فرد انقلابی در دیون سازمان
مجاهدین خلق بود که به حقیقت
مارکسیسم- لنینیسم دست یافت
و اینرا پس از دستگیری در سال ۵۱
از پشت میله های زندان با افتخار
و صدای بلند فریاد میکرد
- شهادت او در ۲۱ دیماه ۱۳۵۱ بود
که همراه با یکی از همزمان نشین
مجاهد محمد مفیدی بدست جلاخان
رژیم شاه شاه شیربان گردید

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

گزارشی از وضعیت آوارگان دربندرعباس

گزارشی که در زیر میا بدینروردی همه جا نبه به وضعیت نا بسامان آوارگان اسکان داده شده دربندرعباس میا شد که ضمن نشان دادن ماهیت کثیف رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات فریب کارانه اش، شناخت جدیدی جهت پیشبرد ورهبری مبارزات برحق زحمتکشان آواره در اختیار کمونیستهای پیگیر قرار میدهد:

"در اولین روزهای آغاز جنگ ارتجاعی بورژواها و خرده بورژواهای مرفه مناطق جنگزده شهرها را ترک کردند که اینها را نمیتوان جزو آوارگان دانست. در ادامه جنگ قشر متوسط خرده بورژوازی نیز از شهرها رفته و در نقاط دیگری ساکن شدند. آخرین کسانی که شهرهای جنگزده را ترک کردند، کارگران و زحمتکشان بودند زیرا به علت نداشتن پس انداز قبلی و یا ترس از دست دادن کارشان قادر به ترک شهرها نبودند. اینان معاش و فلاکت و بدبختیهای جنگی ارتجاعی را چه زمانیکه در خانه و شهر خویش بوده و چه در زمان آوارگیشان بخوبی حس کرده اند. دربندرعباس هم وضع بهمین منوال است. زحمتکشان در اردوگاه جها نگرودی (کوی ۲۲ بهمن) بطور دسته جمعی و در نقاط دیگر بصورت پراکنده جای گرفته اند و وعده ای در پیاده رو خبا با آنها و حتی کوچه ها میخواستند.

هیچکدام از مناطقی که زحمتکشان در آنها جای گرفته اند برق نداشت و فقط اردوگاه جها نگرودی آب ولوله کشی داشت و آب مناطق دیگر را با تانکرها مین می کردند. تعداد آوارگان بطور دقیق مشخص نیست. استانداري تعداد آنها را تا ۱۵۰۰۰ نفر در سطح استان اعلام کرده است. البته استانداري برای اینکه از پذیرفتن آوارگان به بیشتری خودداری کند و با زیاده دوشدن آوارگان را دلیل عدم رسیدگی به آنها ذکر نماید از ذکر تعداد واقعی آوارگان سر باز میزند.

اردوگاه جها نگرودی:

اردوگاه جها نگرودی در ۸ کیلومتری مرکز شهر در جنوب غربی کنار دریا قرار دارد و دارای ۵۰ اتاق و ۶۲ چادر است. در هر اتاق با چادر یک تا سه خانوار جای گرفته اند (بطور متوسط ۹ تا ۱۰ نفر). تعداد آوارگان اردوگاه در حدود ۱۰۰۰ نفر است. اغلب این افراد (حدود هشتاد درصد) کارگران (شهرداری - کشتیرانی آریا - آسپز کشتی و...) و بقیه از قشر پایین خرده بورژوازی میباشند. بیشتر آوارگان اهل خرمشهر و آبادان هستند.

بهداشت اردوگاه:

اخبار جنگ

اردوگاه دارای توالیهای بسیار کثیف و با ۵ حمام میباشند که حمامها بطور کلی غیر قابل استفاده شده اند. فضولاتی را که از توالیها بیرون کشیده اند در اطراف چادرها خالی کرده اند که انبوه مگسهای روی آن تا قلین اصلی بیمارها هستند. آشغال، مدفوع سگ، گربه و انسان در اطراف چادرها منظره ای غیر عادی است.

بیمارهای اسهال، استفراغ، آنفولانزا، چشم درد و... بسیار شایع است و اتاقک بهداشتی و بهزیستی دگوری بیش نیست. خانم دکتر "مکتبی" درمانگاه اغلب بیمارها را به مراکز درمانی داخل شهر معرفی میکند. اکثر بیمارها با پیداروهای خود را از داروخانه های شهر خریداری میکنند. این خانم دکتر "مکتبی" از معاینه خیلی ارزنان به بهانه نداشتن تخت معاینه و یا اینکه "خودداری میکند. درحالتیکه نمیتوان گفت هنگام معاینه مردها از اتاقک بیرون بروند. برای اینان مکتب و اصول ارتجاعیسان مهم است نه دردورنج زحمتکشان! در تمام اردوگاه ۵ شیر آب برای استفاده عموم وجود دارد که گاهی بخاطر شلوغی دعوای مختصری هم بوجود میاید. زنان زحمتکش ظرفها را بخاطر نبود بود ظروف شویی با شن و ماسه می شویند که بدلیل غیر بهداشتی بودن کل محیط بسیار خطرناک است. بازم مکتبی ها شعار میدهند: "الفاظه من الایمان!"

غواربار:

بعد از آنکه غذای روزانه ای را که از ظرف نیروی دریایی در اختیار آوارگان قرار میگرفت قطع کردند مقدار خوار و بار روکمی وسایل در اختیار آنها نواهدا قرار دادند و قرار شد برای هر نفر ماهانه ۵ تومان بهر دارنده این پول صرف خرید صبحانه، شام، نهار، سب زمینی، پیاز، کره، روغن و آمد و همه وسایل ضروری دیگر شود! به آوارگان گفته شده که باید بیرون دوایا شک کوپن خوار و بار دریافت نمایند. اما در شهر هم به آنان میگویند چون شما آواره هستید باید از اردوگاه غوار و بار دریافت کنید و در این میان مردم برای مدتها بی خوار و بار مانده اند.

انتظامات اردوگاه:

انتظامات را عمدتاً با سداران دردست دارند و آنها بیش از هر چیز موظفند که "غریبه ها" وارد اردوگاه نشوند تا تماس مردم با آوارگان قطع شده و مانع افشاگریهای آوارگان برای توده ها شوند. این با سداران حتی بظا هر برای

راهنمایی و در واقع برای اطمینان بیشتر تازه واردین را تا آناتی و چادر مورد نظرشان همراهی میکنند تا در میان آوارگانی را که با بیرون تماسی دارند نشانی کنند.

کمیته مسئول توزیع:

افراد این کمیته را مردم انتخاب نکرده اند بلکه از طرف رژیم به آنها مسئولیت توزیع خوار و بار و بر چیزها داده شده است. این مسئولین اجازه نمیدهند که مردم کمکهای خود را مستقیماً به آوارگان بدهند و این کمکها را بین کمیته و هلال احمر بین آوارگان تقسیم میکنند. مسئولین از ایجاد یک رابطه عاطفی ما بین آوارگان و دیگر مردم و ارتقاء آن وحشت دارند. چندین شبی در پی از آنها بخوار و بار و سرقت شده است و تقریباً همه مطمئن هستند که این کار افراد مسئول است. کارگری میگفت: "با دو چشم خود دیدم که پتوهای را که قرار بود به ما بدهند توباً را میفروختند."

اوضاع افراد اردوگاه

- بچه هایی که به مدرسه نمیروند معمولاً همیشه در خاک و شن با پایهای لخت بازی میکنند.

- بچه هایی که به مدرسه میروند اگر همیشه سرکلاهی خارشوند و مثل بچه های خوب! در شان را بخوانند (البته بدون کتاب) میتوانستند با بردن گواهی از مدرسه به آموزش و پرورش مبلغ ۳۰۰ تومان برای خرج تحصیلی یکساله! دریافت کنند.

- مردانی که میتوانستند بچندین نفر را به لای ۱۶ سال هیچ کوپنی دریافت نمیکند و رژیم ارتجاعی با اینکار قصد دارد که آنها را وادار کند تا به جبهه بروند. بهمین خاطر آنان از خوار و بار چیزی که به بقیه آنها نواهد تعلق میگیرد استفاده میکنند.

زنان زحمتکش آواره همه مسئولیت خا شواهد را بعهده دارند. از پخت و پز گرفته تا دریافت خوار و بار و اتاق و... و چون درگیر با مشکلات هستند حالت تعرضی شان نسبت به مزدان بالاتر است. زن زحمتکشی میگفت: شوهرم کارگر شهرداری خرمشهر بود و حالا به بهانه منتقلش کرده اند. پس از سه ماه کار تازه ۲۵۰۰ تومان داده اند. ماده نفیسم با این ۲۵۰۰ تومان چکار کنیم. اینها هم هیچ کمک نمیکنند. و میگویند: باید اعتماد کنیم تا حقمون بگیریم. ۵۰ تومان نميخواهیم باید بیشتر بدهند.

چندی پیش یکی از مسئولین کمیته با جان نشین نما بیندها ما به اردوگاه آمده و در مقابل اعتراض زنان زحمتکش میگوید: "اکرام روزی ۱۰ تومن به هر نفر بدهیم در ماه میشود ۳۰ میلیون تومن و ما این پول را نداریم، هر کسی به این

←

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

خانواده‌های سربازان مقتول در جنگ ارجعایی، قاتلان فرزندانشان را نمی‌بخشد

تکمیل آن بزرگ شود و ما کشته‌بدهیم" و پدر سرباز
قسم خورده بود که هر مسئولی را که دمدستش بود
بکشد، اما فرد دیگری در پاخ وی میگفت: "صبر -
کن بزودی آنچنان به حساب آنان خواهد رسید
که دیگر برای من و تو فرصت باقی نخواهد ماند"
وزن دیگری که او هم کشته داده بود میگفت:
"همه کارها را خودشان میکنند، برای کشتن
خودشان برنا می‌دهند و خودشان می‌کشدند
بعد از مردن هم حتی اجازه نمیدهند که ما زیر
پا بمانیم، خودشان زیر پا بمانند و اگر
روبرای فریب دادن اسم شهید رویش گذاشته و
جسد را دفن میکنند، وسط ما بدبخشا هستند که یک
عمر با پدای بدلمان می‌مانند"

رژیم ضد خلقی با برآه انداختن جنگ ارتجاعی
از یک طرف و حین کشان و آواره می سازند و از طرف
دیگر فرزندان زخمکش را به گوشت دم تسو به
سرما به داران تبدیل مینماید. اما هر روزی که
از ادا ماین جنگ ارتجاعی میگذرد توده های
زخمکش بیشتری به ما هیت رژیم برده و حقا نیت

حرفهای کمونست‌ها بیشتر برایشان اثبات میشود!

روزی پنج خنجه ۲۵ آذر، هجده چنار رشتی و
 با ساداران که درجه بدو زول و در جنگ ارتجاعی کشته
 شده بودند به طرف بهشت زهرا تشییع میکردند .
 بهیروی مرا سمد دست کمیته و سپاه ساداران بود
 و یکی از آنها پشت بلند و جمعیت را دعوت کرد
 که شعار "الله اکبر، خمینی رهبر ابد همد"، ما
 برادر یکی از سربازان کشته شده جلوات مدو می -
 گوید: "اینجا هم دست از عوا مغربی برنمیدارید
 جوانهای ما را به کشتن داده اید و خودتان هم که
 حالا میخواهید ما را بکش کنید، دیگر از جان ما چه می-
 خواهید؟" چیزی که جلب نظر میکرد، عده ای زن و
 مرد و کودک بودند که هیچ نسبتی با افراد دگشته
 شده نداشتند و عمدتاً همانها هم بودند که شعارهای
 ساداران را تکرار میکردند. در شب سوم آنها،
 افسری که شاکه دگشته شدن آنها بوده، می گفت:
 "بی نظمی در ارتش در اوج خود است و زیاده دفریه
 میخورد و خیلی پراکنده است، روحیه پرسش-
 ریش بر عکس آنچه که میگویند خیلی خراب است"
 و میگفت: "وقتی دولتی مردم را پشت سر خود
 نداشته باشد نمیتواند اید و پیروز شود و همه از شهرها فرارند،
 برآستی مادر سبازی که کشته شده بود به همراه ناسازی -
 گفت "تقصیر ما چیست که آنها قدرت میخوانند"

گرفتن "تعهد" برای جلوگیری از فرار "داوطلبین بسیج"



بسم الله الرحمن الرحيم



هي العليا

يا ايها الناس حررني على القتال

ایمپاناب	شهرت	ایزد	سالو معلوظند
شماره شناسنامه	صادره از	ساکن	ظلمت
نوع تخصصی رزس			

د ریسگاهہ اللہ ہمارا اگر صل اللہ علیہ وآلہ وسلم تمہد میگویم وہ قرآن کریم سوگند میدہم کہ ہمارا
بد خویش بشر نہ وصل نہ اید۔
۱۔ حد اقل دواہ د رستگاہ جنگی ہا ہم۔

۱- هرجا و هر چه برای که ستاد ضعیف آباد از شهر تعیین و ابلاغ نماید مستقر و ابلاغ خاصه
 مأموریت محل خود را ترک نکند و متحد میگردد ۸۰۰ اوامر سرگروه و فرمانده خود باشد و رعایت
 مدت حضور در منطقه انضباط و مقررات باشد ۹۰ رعایت کند.

۲- در صورت تیرد و سنجی و هر امر دیگری که مشاورشون یک سپاه از الله و سپاه اسلام است یا اگر به جبهه پشت نام طبق مقررات زمان جنگ در درگاه انقلاب اسلامی مانند یک نظامی محاکمه شود.

۲۔ گنہ فنام جنگی و غیر جنگی را کہ از سار بن جنگ و با هر جا بد بگرید ست می آورم و در حال رسید به تحویل نمایم.

۵- اولاً " از تجهیزات یوسایلی که در اختیار من گذارد، میشود پنجمالی نگهداری نمود و بدقتانی پس از اتمامه با امنیت و هنگام عزت از منطقه در قبال رسید تحولی سولینس و طه تمام که در جنگ بهین اسلام و کفر و اختیار برادران مسلمانان دیگر قرار گیرد .

۱۱۱ امریت نگر کی طبیعت

اسم، فہرست، اعداد

دا وطلبین اعضا می
طرف بسج "جهبه های جنگ
که اعلیان را عناصر آگاه و جوانان
کم سن تشکیل می دهد پس از دیدن
واقعیات جنگ خانمان برانداز
و سیزگشته و مجروح شدن عده
زیادی از آنان شروع به
فرار از جهبه های جنگ نمودند
به همین جهت اخیراً از آنان
تعمدت کتبی گرفته
که حداقل دوماه در هر جهبه ای
که "ستاد عملیات آبادان و
فرموش" تعیین نماید بمانند
بند ۴ این تمهیدنامه نیز عالیست
از آنها خواسته میشود که کلیه
غنائم جنگی و غیر جنگی را که
از میدان جنگ و یا هر جای دیگر
بدست میآورند به مسئولین
تحويل نمایند. آیا غنائم غیر
جنگی که جای دیگری از میدان
جنگ بدست می آید به جز اموال
و اناشیه مردم آوار جنگ است
که از آنها می خواهند آنها چاول می
شود این سند در واقع "اجازه
نامه" چاول و غارت اموال
بمردم جنگ زده نیست!

فرار نظامیان از جبهه جنگ ارتجاعی

سربازانی که در خط مقدم جبهه جنگ ارتجاعی هستند بعد از یک ماه خدمت به یک مرخصی یک ماهه فرستاده میشوند که طی آن استراحت کرده و آمادگی مجدد برای جنگیدن در خط مقدم جبهه پیدا نمایند. طبق گزارشات رسیده بیش از نیمی از این افراد پس از مرخصی یک ماهه دیگر به جبهه باز نمیگردند. برای مثال نیمی از سربازان "گردان امید" که یکی از واحدهای ارتش جمهوری اسلامی در جنگ فعلی میباشند پس از انتقال به پیش خط جبهه در مدت مرخصی فرا گرفته و دیگر بازنگشته اند. هر چه جنگ ارتجاعی فعلی ادامه یابد سربازان و درجه داران جز ارتش به ما هیئت رژیم بیشتری برده و با افشای فرماندهان مزدور خود، از شرکت در جنگ ارتجاعی رویگردان میشوند. آنها بی میسرند که گوشت دم تو بپرماند. آنها را هستند.

پای صحبت آوارگان زحمتکش

دربی ادا مدح جنگ ارتجاعی و فشار و رافزون رژیم به توده های آواره پای صحبت عده ای از آنان می نشینیم حرفهای این زحمتکشان ما هیت رژیم ضد خلقی را هر چه بیشتر برای توده ها افشا میکند

یکزن زحمتکش عرب ساکن ماهشهر:

سوال : از کجا آمده اید؟
جواب : از "طره" نزدیک آبادان
سوال : مقامات محلی چه کمکی تا بحال بشما کرده اند؟
جواب : تا اینجا نه ما موری و نه کسی سراغ ما آمده و نه هیچگونه کمکی به ما کرده اند.
سوال : مثل اینکه بنو و وسایل دیگری به شما میدهند؟

جواب : قربانت بکرم، پنجاه، شصت تانگو میآورند و میخواهند به این همه جنگ زده بدهند، آخر به کجا میرسد؟ هر روز شب از رادیو میشنوم که اعلام میکنند: ۴۰۰ تا ۳۰۰ تنور چیزهای دیگری به مناطق جنگ زده برده شده است ولی مثل اینکه آب میشود به زمین می رود، مگر ما جنگ زده نیستیم پس چرا این همه کمکها چیزی به ما نمیرسد؟
سوال: در جنگ چه مدت است دیده اید و فکر میکنید آیا دولت حاضر است برای شما کاری انجام دهد؟

جواب : با غنا و خلعتانهایمان تمام ما از بین رفت و همه دارائی مان را از دست داده و آواره شده ایم. دولت باید به مردم کار بدهد، و بعد از جنگ به ما پول بدهد تا خانه و وسایل دیگر را که در جنگ خراب شده اند، دوباره بخریم اما با بلاهایی که تا حالا سرا ما آورده، فکر نمیکنم کاری برایمان انجام دهد.
آری زحمتکشان آواره در هر تجربه درمی - با بنده نه تنها رژیم ریاسخ به خواسته هایشان ناتوان است بلکه پاسخ مبارزانشان را با سر - کوب و کشتن روزندانی میدهد.

"زحمتکش آوارهای کمک پایش آسیب دید هاست؟"

سوال : اهل کجا هستید؟
جواب : آبادان
سوال : الان در کجا بسر میبرید؟
جواب : در شادگان ۱۹۰ سرعنه هستیم که در یک اتاق زندگی میکنیم.
سوال : دولت تا بحال چه کمکی به شما کرده؟

جواب : چندین بار به فرمانداری رفته ام و گفتم یک چادر بدهید، آخر هم ندادند، تنها زه

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

آوارگان بروجرد فریاد برآوردند:

شعار هر آواره

نان، مسکن، آزادی

عده ای از جنگ زدگان مستقر در مدارس که حدود ۳۰۰۰ الی ۴۰۰ نفر میشدند، مقابل فرمان - داری شهر اجتماع کرده و در حالیکه شعار میدادند نسبت به وضع خود و طرح انتقالشان به "جیرفت" اعتراض نمودند، تظاهرات کنندگان با روحیه ای تعرضی شعار میدادند:

فرماندار فراری احضار بایده گردد!

ما از بروجرد نمیرویم، حتی اگر بمیریم!

شعار هر آواره نان، مسکن، آزادی!

شورا های واقعی، میان آوارگان ایجاد باید گردند!

تا خون در رک ماست، مدرسه مسکن ماست!

خوشتانی بیدار است، از تو طبعه بیزار است!

آوارگان قیام کنید، ارحم خود دفاع کنیم!

بردن ما به جیرفت، تو طبعه ارتجاع است!

تعداد آوارگان و انبوهی از سائکتی -

بروجرد که به منظور حمایت از تظاهرات کنندگان

دور آنها حلقه زده بودند، هر لحظه بیشتر میشد.

آوارگان سپس در خیابانهای اصلی شهر شروع

به راهپیمایی نمودند. مسیر راهپیماییان بسوی

خانه آیت الله نجفی نماییده اما بود، شعارهای

"اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد" و "نان، مسکن،

آزادی" در بین راه، مقامات مسئول شهر و

پاسداران آیت الله نجفی را بوحشت انداخته

بود. آنها از وحشت حرکت انقلابی آوارگان به

آنها قول دادند که به خواسته های آنان عمل کرده

و آوارگان همچنان در مدارس مستقر باشند.

توده های زحمتکش با وجودیکه تظاهرات پیروز -

هر روز به ما حمله میکنند خود می بینی (اشاره

به پای آسیب دیده اش میکنند). معلوم نیست این

همه کمک که به ما میشود کجا می رود، اگر حرفی هم

بر زمین میگویند خدا انقلابی، به نفع صدام تبلیغ

میکنی، عرب هم که هستم و او بلا

"زحمتکش دیگری چنین میگفت:"

سوال : اهل کجایی؟

جواب : آبادان

سوال : کی به ماهشهر آمده ای؟

جواب : حدود بیست روز قبل از شادگان

آمده ام

سوال : دولت چه کمکی به شما کرده است؟

مندانهای را از توده بودند، لیکن به قولهای آقا یان - چندان خوشبین نبودند و به همین خاطر نیز هنگامیکه پراکنده میشدند قرا رتظارا تروز بعد را گذاشتند.

یکشنبه ۵۹/۹/۲۳ - تظاهرات آوارگان که این بار از میدان شلوغ و پررفت و آمدی آغاز شده بود، گسترده تر از روز قبل بود و وسیعاً از جانب زحمتکشان بروجرد مورد حمایت قرار داشت. پلاکاردهای یکپارچه و شعار "نان، مسکن، آزادی" شهر را به هیجان آورده بود و دستجات حزب الهی و فائزها را نیز از راه بود. آنان که آمده بودند تا ما بنده همیشه به صفوف تظاهرات کنندگان حمله نما یند جرات نمیگرفتند برای خود را از آنها ده - روه را نزدیک تر بگردانند. و در مقابل شعار "اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد" ترسیده و تکبیر میگفتند.

هنگامیکه جمعیت به نزدیکی فرمانداری رسید دستجات فدا نقلابی حزب الهی قوت قلب گرفته و به صفوف تظاهرات کنندگان حمله ور شدند و وحشیانه با چاق و گلوله های برفی به تظاهرات کنندگان بیورش آورده و شعار میدادند: "لرستان را گورستان بیکاری و خوشتانی میکنیم!" آوارگان جنگ و همچنین مردم مبارز بروجرد از این اقدام ضد خلقی و وحشیگری ارتجاعی بخشم آمده بودند. در همین حین یک کامیون پلیس به حمایت از فائزها و از میدان میشت. آنها کرچه به صفوف تظاهرات آوارگان جنگ غیر ما دلانه را پراکندند، لیکن این دوروز نبرد توده های ستمدیده، قدرت پولادین و همبستگی عالی آنان را به نمایش گذاشت اما چهره پلید و ما هیت ضد خلقی رژیم را با ردیگر به توده ها نشاناند و انتقال و تبعید آوارگان (حداقل برای یک دوره) را به عقب انداخت.

"به نقل از فریاد آوارگان شماره ۸

۶/ ۱۰/۶ با اندکی تلخیص و تنقیص"

جواب : هیچ، چندی پیش مقداری پتو آوردند و به هر خانواده یکی میدادند حالا میخواست ۱۰ نفر باشد یا ۲۰ نفر

سوال : نظرت راجع به جنگ چیست؟

جواب : اگر دیوانه باشم جنگم، برای چه جنگم؟ اگر جنگ کنم مجبورم خانه های مردم عراق را خراب کنم آنوقت آنها هم مثل من آواره میشوند، اگر اینها با صدام دشمنی دارند به من چه چرا من باید بدبختیش را بکشم تا آنها راحت بخورند و بخوابند.

اینها مثنی است از خوار کینه های طبقاتی آوارگان زحمتکش با شدن روزی شعله های پیش ریشه و بنیان سرما به داری را از این کشور براندازد.

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

هنرمقاومت هنرپرولتری



تفنگهای ننه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی

چهارشنبه شب گذشته نمایشنامه "تفنگهای ننه کارار" از تلویزیون پخش شد. مورد استقبال توده های وسیع مردم قرار گرفت. در همین حال رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرد با نمایش این نمایشنامه در تلویزیون سنا درست آنچه را که نمایشنامه مورد بررسی قرار میدهد (برخورد ننه کارار به جنگ انقلابی میهن پرستان اسپانیا علیه فاشیسم، ژنرال فرانکو) با جنگ ارتجاعی کنونی رژیمهای ایران و عراق یکسان جلوه دهد و بدین سان "بی تفاوتی" و "انزجار مردم آگاه میهنمان را در قبال جنگ محکوم نماید.

از اینرو ما ضروری دیدیم برای افشای اینگونه تبلیغات مسموم کننده و بهره برداری ناجوانمردانه از آثار انقلابی به نفع خویش و در همین حال دفاع از هنر انقلابی - پرولتری این نمایشنامه را مورد بررسی - هر چند کوتاه - قرار دهیم.

تفنگهای ننه کارار: اثر برجسته "پرشت" نمایشنامه نویس کمونیست آلمانی.

پرولت پرشت، شاعر، نویسنده و بزرگترین نمایشنامه نویس کمونیست آلمانی همواره در آثارش نگاه مل و تفصیلی فاسان را بررسی می کند. ایشان میدهد که انسان "عادی" چگونه در جهان مبارزه طبقاتی ناگزیر از تعیین جایگاه خویش است. و چرا و چگونه باید علیه نظم فساد انقلابی حاکم برخیزد، چه هرکس به بهانه حفظ صلح و آرامش به نظم موجود تن دهد، تنها به تسلاوم اسارت و بردگی خویش کمک نموده است. پرشت با بینش عمیق طبقاتی خود، چهره کربه تفکرات بورژوازی "انسان دوستی"، "حفظ آرامش" "بفکر خویش بودن" و... را دریده و نشان میدهد در پس جملات عوا مفریبه نه و انسان دوستانه بورژوازی، کدام منافع طبقاتی خوابیده است و همچنین نشان میدهد که چگونه مذهب به عنوان وسیله ای برای حفظ وضع موجود، جلو گیری از "خوشنوت" و بازداشتن از مبارزه در خدمت ستم گران قرار میگیرد. پرشت همواره "بیطرفی" را محکوم کرده و خواهان بیان مریح موضع گیری طبقاتی انسانها است (۱). تفنگهای ننه کارار نیز یکی از برجسته ترین آثار پرشت است که

این حقایق را با زگو میکند.

نمایشنامه ننه کارار، تصویری است از اوضاع جنگ انقلابی میهن پرستان مترقی و کمونیست بر علیه فاشیست های اسپانیایی به رهبری ژنرال فرانکو.

فاشیست های متجاوز میگویند حکومت جوان جمهوری اسپانیا را ساقط نموده و حکومت فاشیستی فرانکو را برقرار نمائند. آنان توانسته اند بخشهایی از اسپانیا را از تصرف انقلابیون خارج کرده و وحشیانه ضمن قتل عام میهن پرستان اسپانیا میگویند باقی مناطق تحت نفوذ جمهوری خواهان را به تصرف در آورند. ننه کارار رزن زحمت کشی است که شوهرش از زمره میهن پرستان بوده و در جبهه نبرد با فاشیستهای آزادی در میاید. "کارار" که در دوران خیانت شوهرش فعالانه به میهن پرستان کمک میکرد، پس از مرگ شوهرش دچار ترس و نومیدی شده و بجای شدت بخشیدن به مبارزه در جبهه جنگ "علاج خویش" را در دورنگاه داشتن خود و فرزندان اش از شرکت در جنگ می بیند.

آغاز صحنه، ننه کارار و پسر کوچکش را نشان میدهد که مراقب دریا بوده و "غوزه" پسر در بزرگ خود را که مشغول ماهیگیری برای تأمین زندگی - شان است می باید. ننه کارار در جبهه جنگ فرزندان اش را از فرستادن به جبهه منع کرده و فرزندان بزرگش را به شکار ماهیگیری میفرستد! و به همین دلیل در روستای خویش در نزد عام و خاص انگشت نما شده و مردم ضمن تقبیح عمل ننه کارار آنان را بطریق گوناگون مسخره میکنند. بهرادر کارار نیز از دوری را پیموده است تا خود را به ننه کارار برساند و تفنگهای شوهر شهید کارار را به دست آورد و از آنها برای جنگ علیه فاشیستها استفاده نماید. چه، افرادی انقلابی و میهن پرست و عوا رتش ملی جمهوری خواهان اسپانیا (میهن پرستان) است. اما می بیند که ننه کارار خواهان "دور بودن" از این درگیریها است و تنها به حفظ حیات خویش و فرزندان اش می اندیشد، چه او با جنگ و آدم کشی مخالف است! اما برادر ننه کارار نظرات او را رد کرده و معتقد است که در حالیکه فاشیستها، به خونریزی مردم زحمتکش مشغولند و آنان که جنگ و خونریزی را برآورد

انداخته اند، نمیتوان و نباید جنگ علیه این آدمکشان مخالفت نمود و موضع بیطرفی اتخاذ نمود. و برای برآوردن جنگ و خونریزی، لازم است که منشأ آن یعنی ستمگران را برآورد. او از اینکه ننه کارار اینگونه پس از مرگ شوهرش تغییر موضع داده است، متعجب و متأسف است. ننه کارار تنها توسط اهالی و برادرش تحت فشار قرار ندارد، بلکه فرزند کوچکش نیز و را تحت فشار قرار میدهد و خواهان رفتن به جبهه و جنگیدن بر علیه فاشیستهای تاج و زگر و دفاع از انقلاب و آزادی مردم اسپانیا است. ننه کارار، حتی از جانب نا مزدخوزه، فرزند بزرگش نیز تحت فشار قرار میگیرد، چه نا مزدخوزه، حاضر نیست نا مزدکسی باشد که در جبهه نبرد طبقاتی حاضر نگردد و در زمین فاشیستها و انقلابیون به ماهیگیری مشغول است و به منظور اعتراض، حتی نا مزدی خویش را در غیاب غوزه بهم میزند.

فرزند کوچک و برادر ننه کارار را معتقدند که اگر غوزه از ماهیگیری برگردد، حتما به جبهه خواهد رفت و این "ننه کارار" را میآزارد. تنها همدوم و هم نظر ننه کارار را رکتش "ملح طلب" ده است، که او نیز حاضر به رفتن به جبهه نیست. چه "ارثاد" و "نیا بش" را از جنگیدن در کنار انقلابیون بر علیه فاشیستها مهمتر میداند! او و نیز صولا با جنگیدن مخالف است! او به همین لحاظ شدیداً مورد تنفرو و مسخره فرزند و برادر ننه کارار قرار میگیرد. ننه کارار با اخراج میهنده که برادرش برای گرفتن تفنگها به پیش او آمده است و از اینرو شدیداً مخالفت میکند فرزند کوچک ننه کارار، اما در راه تهدید میکند که به همراه او میآید. جبهه خواهد رفت، ننه کارار برادرش را مورد لعن و نفرین قرار میدهد که "آرامش" زندگی او را میخواهد بهم زند و او که مخالف "آدم کشی" است، حاضر به تحویل تفنگها به برادرش و اعزام فرزندش به جبهه نیست. چه او با تجربه ای که از مزرگی شوهرش دارد، معتقد است که باید بدلیش را از آب بیرون بکشد و معتقد است که اگر گرای به کار "درگیر بشد"، نداشتن باشد، از دست و زنا لیا در امان نخواهد ماند! فرزند و برادر ننه کارار او را شدیداً تقبیح کرده و این عمل را به معنی پذیرش بردگی و سکوت در برابر ظلم و جنايت و زنا لیا را همدستی با فاشیستها میداند. چه آنها معتقدند که در قبال چنین جنگی که بین انقلاب و فساد انقلاب در گرفته است، عدم کمک به انقلابیون، عملاً خدمت به فساد انقلاب است و نظر ننه کارار را که خود را مخالف و زنا لیا میداند، اما حاضر به مبارزه با

(۱) - بررسی آثار و اندیشه پرشت که از اهمیت والای برای طبقه کارگران در میان هنرپرولتری برخوردار است در حوصله این مختصر نمیگنجد. دوستاران هنرپرولتری میتوانند برای شناخت بیشتر آثار و اندیشه پرشت به کتاب زندگی گالیه (مقدمه آن) و سایر آثار پرشت رجوع کنند.

هواس ارتجاع از کتابهای انقلابی

با اعتلا جنبش توده‌ها و نقش نیروهای انقلابی و کمونیستی و انتشارات آگاه‌های بخش در اوچگیری جنبش و آگاه‌های توده‌ها، هراس و وحشت رژیم پادشاهی رسیده که تحمل چاپ و انتشار کتابهای کمونیستی و انقلابی را نبیزار ندارد. سیاست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در این مورد بیروشی‌ها و گوناگون از جمله بیوروش مسلحانه به چاپخانه‌ها، توقیف کتابهای انقلابی، بیوروش به کتابفروشی‌ها و جمع آوری کتابها، دستگیری وزندانی ناشرین و کتابفروشی‌های متری و... عمل میشود. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی کشف و روزاز "مکتب انقلابی" خود! دم میزنند و میلیونها تومان از دسترنج زحمتکاران را به انتشارات ارتجاعی و عقب‌گرا اغتصاب داده با جمع آوری و توقیف کتابهای متری و... عجز و ناتوانی خویش را در مقابل ادبیات انقلابی و کمونیستی بنمایش میگذارد. در ادامه این سیاست، قشربون مرتجع اخیرا اقدام به توقیف محموله‌ای از آثار لنین در گمرک نموده و آثار را همراه با انبوهی از کتابهای انقلابی و کمونیستی که از چاپخانه‌ها، کتابفروشی‌ها و انقلابیون در بند به غارت برده اند به کارخانه کاغذسازی میدهند که آنها را خمیر کرده و به مصرف تولید کاغذ رتن ابرسانند. طبق قراردادی، مرتباً اتومبیل‌های کارخانه کاغذسازی، کتاب‌های توقیف شده و از زندان اوین به کارخانه منتقل میکنند. آنها با تصور و منع انتشارات انقلابی توانست رژیم محمد رضا شاه را از تلاشی برهانند که زعمای رژیم جمهوری اسلامی بدنبال کردن همان سیاست بیروشی‌ها دیگر پرداخته است. جرقه‌های آگاه‌های رابا توقیف و "خمیر کردن" کتابهای انقلابی و کمونیستی نمیتوان خاموش ساخت.

شکنجه به شیوه جلادان ساواک

در ماه گذشته (آذرماه) پاداران، بیسک انقلابی کمونیست را به هنگام مسافرت به با بیل بهین راه تهران - با بیل، بعلمت داشتن اعلامیه کومه له دستگیر میکنند. پاداران سرما به بعد از یک زن مفصل این انقلابی‌ها و راه دوروزها زانودرتاب‌نگه می‌دارند. بعد از چند روز باز دو نفر از مزدوران او را گرفته و با ساردیگری با قنداق تفنگ آتفند به شکم او میزنند که رفیق انقلابی نیمه جان میشود. اما شکنجه‌گران جمهوری اسلامی سیر نشده و با شکنجه‌های او را با سیخ طوری داغ میکنند که شدیداً آسیب میبیند و پستان‌ها را برای آن انقلابی دشوار میسازد.

کوشش فردی هرکس برای نجات خویش بلکه توسط مبارزه اجتماعی زحمتکاران برای رهاشی اجتماعی تحقق خواهد پذیرفت. با زیرگاران نمایش "تفنگهای شنه کارار"، نتوانسته اند، آنچه برشت بصورت انقلابی و دبا لکتیکی و بصورت زنده تصویر میکنند، به اجرا در آورند. به همین دلیل اجرای این نمایشنامه بزرگ، از بازی بسیار وضعی برخوردار بوده و نمیتوانند آنچه را که برشت میخواست است بگوید بصورت زنده و طبیعی نشان دهند. این است که تغییر و تکامل شنه کارار بصورت "منوعی" و غیرمنتظره برای تماشاگران جلوه گر میگردد. شاید علت آن بوده است که اصولاً کارگردان و گردانندگان این نمایش هدف دیگری را از این نشا ترندنبال می نموده اند! و به همین دلیل برجسته شدن مسئله اصلی مورد توجه برشت یعنی تکامل و تغییر نظرات و شخصیت انسان در عرصه مبارزه طبقه نشا مورد "کماعتناشی" قرار گرفته است. واقعیت چنین است

رژیم جمهوری اسلامی و چاکران رویزیونیست آنها، با تبلیغات کرکننده نشان میگویند که جنگ ارتجاعی کنونی را جنگی انقلابی، برحق و بر علیه امپریالیسم جلوه دهند! او توده‌های زحمتکار را به شرکت در چنین جنگی دعوت کنند. رژیم جمهوری اسلامی با نشان دادن این نمایش کوشید تا جنگ ارتجاعی کنونی را همانند جنگ انقلابی کمونیستها و میهن پرستان اسپانیا بر علیه فاشیستها جلوه دهد و آنجا که بیطرفی در چنین جنگ انقلابی و عادلانه‌ای بر علیه ستم‌گران امکان پذیر نبوده و عملاً محده گذاشتن بر حاکمیت ستمگران است، به همین ترتیب عدم شرکت توده‌های زحمتکار در جنگ ارتجاعی کنونی را خدمت به ضد انقلابیون عراقی و نمود کرده و آنرا محکوم نماید! و بدین ترتیب با نشان دادن چنین نمایشی، ضمن سرزنش توده‌ها، آنان را به شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی ترغیب نماید. اما تلاش رژیم جمهوری اسلامی با شکست روبرو خواهد شد. چرا که اولاً توده‌های ما هرگز بهره‌برداری فریبکارانه جمهوری اسلامی از جنگ انقلابی خلق اسپانیا بر علیه فاشیسم و مقابله با جنگ ارتجاعی کنونی را نخواهند پذیرفت. عدم شرکت در جنگ انقلابی خلق اسپانیا، خیانت به انقلاب و شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی، تنها هیز مکش جنگ افروزان شدن است. ثانیاً مردم مادر قبال این جنگ نیز بی تضاد و تضاد نشده و اگر موضعگیری انقلابی در آن جنگ، شرکت در جنگ انقلابی بود، موضعگیری انقلابی در قبال جنگ کنونی، تلاش برای تبدیل آن به جنگ داخلی و سازمان دادن مبارزات بر علیه جنگ کنونی است. نمایش تفنگهای شنه کارار علیه رژیم سیرمداران رژیم، به ردیگر نشان داد که کمونیستها، شرکت در جنگ انقلابی و عادلانه را وظیفه کلیه انقلابیون و مردم زحمتکار دانسته و برخلاف لیبرالهای ملحق طلب مخالف هرگونه جنگی نیستند.

اوپنیست را، خطا میسازند. آنها نمیتوانند شنه کارار که صد البته فرد زحمتکار و نیک صفت او انسان دوستی است، قانع کنند که بیطرف نمیتواند ماند و خود را از تابیج این جنگ طبقه‌ای برادر نگاه داشت. اما نبرد شوخی ناپذیر طبقه‌ای، جامعه را به دو قطب تقسیم کرده و افرادی چون شنه کارار را نیز علیه "ملح طلبی" و "بی طرفی" اش در زرجانیت ستمگران خرد خواهد شد. اما اگر شنه کارار از این سخنان را به گوش نمیگیرد و از آن نمی آموزد، تجربه‌ای تلخ لیکن گرانبار مبارزه طبقه‌ای این حقایق را به او میا موزده ناگهان نشا فروزندش و خوزه را که مشغول ماهی گیری بوده است برای او میا ورنند. او میبیند که چگونه فرزندش که در جنگ شرکت نکرده بود، قربانی جنایات فاشیستها گردیده است. او در ابتدا میپرسد که چرا فرزندش را که در جبهه شرکت نداشته و تنها مشغول تلاش برای تامین لقمه ناننی بوده گشته اند و جواب می شود که دشمنان، حتی از محاکمه او خودداری کردند و بی سئوال و جوابی او را اعدام نمودند. بدین ترتیب شنه کارار در عینیت مبارزه طبقه‌ای می بیند که تلاش او برای دور بودن از تابیج نبرد طبقه‌ای جامعه و حفظ جان خود و فرزندانش خیالی بود و بی محتوا بوده است. سپس به درس آموزی از تجربه کمر همت می بندد و ضمن تحویل تفنگها به فرزند و برادرش، خود نیز پیشا زنده و در مقابل سوال آنها که: تو جنگ میاشی میگوید: "من نیز به جبهه میا میم". و نمایش با یان میگیرد!

اهداف پرشت و اهداف جمهوری اسلامی!

نمایشنامه در هم شکننده توهما توده‌های زحمتکاری است که در قبال نبرد طبقه‌ای بیمن انقلاب و ضد انقلاب می پندارند، می توانند خود را کتا زکشیده و از مخممه‌ها درامان باشند و کلیم خود را به تنهاشی از آب بیرون بکشند. آنهم بدون درگیر شدن با ستمگران تاریخ که آفریننده این مخممه‌ها، جنایات و بدبختی‌ها برای زحمتکاران هستند. تفنگهای شنه کارار - تشوری بود موضع ما و راه طبقه‌ای و بیطرفی را در مبارزه افشا کرده و نشان میدهند که مخالفت با جنگ علیه ضد انقلابیون به بهانه "ملح طلبی و مخالفت با آدمکشی" تا شد عملی جنایات آنان و پذیرش حاکمیت آنان است. بدین ترتیب لیبرالیم بوسیده "انسان دوستانه" مورد هجوم قرامی - گیرد و از انسان زحمتکار و انقلابی و نبردانان بر علیه انسان جنایتکار ستمگرو فاج میشود. "تفنگهای شنه کارار" بیان تکامل و تغییر انساننی است که این حقایق را در پروسه مبارزه طبقه‌ای درک کرده و به پوچی "بیطرفی" پی برده و با لاخره نجات خود را در قرا رگرفتن در وصف انقلاب و کوشش برای نجات زحمتکاران و توده‌های انقلابی دیده و همت میکند که خود در جایگاه انقلابیون و زحمتکاران قرار گیرد. بهیالنگر واقعیت مسلم عصر ما که "نجات انسانها" نه در

ساواکیها در زندان:

جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تلاش برای احیاء ساواک

دستهای پرتوان کارگران و زحمتکشان ما دوماً لپیش درهای سیاهالهای رژیم خلیف شاه را کشود و هزاران زندانی انقلابی و کمونیست را از زنجیر رژیم شاه آزاد ساخت. اما هنوز چند روزی از قیام نگذشته بود که بار دیگر همان سیاهالها محل اسارت انقلابیون گردید که سالها در آنجا با رژیم خلیف شاه مبارزه میکردند، مستقیماً اینها زندانیان رژیم جمهوری اسلامی و پاسدارانش می باشند. اکنون زندان هیچ شهری نیست که در آن دهها انقلابی و کمونیست به زنجیر کشیده شده باشند. تنها در زندان اوین از کل ۱۲۴۰ زندانی ۹۰۰ نفر زندانی سیاسی - انقلابی ۷۵ ساواکی و ۶۵ نفر نظامی و بقیه متفرقه میباشند.

رفتار پاسداران و زندانیان رژیم جمهوری اسلامی با انقلابیون همانند رفتاری است که با واکها با انقلابیون اسیر در زمان شاه داشتند. توهین و کتک زدن، شکنجه انقلابیون در زندانهای جمهوری اسلامی امری عادی است و وضع بسیار بد بهداشت و غذای زندانیان انقلابی را در معرض انواع بیماری های کشنده قرار داده است. در مقابل اینهمه ستمگری بر زندانیان سیاسی - انقلابی، ساواکیها با حمایت پاسداران از بهترین امکانات رفاهی برخوردارند. زندان اصفهان نمونه ای است که ما را با اوضاع زندانها و وضع ساواکیها بیشتر آشنا میکند: زندان اصفهان ۱۰ بند دارد که ۲ بند آن به زندانیان انقلابی و کمونیست و همچنین ساواکیها اختصاص داده شده است. در این دو بند حدود ۸۰ نفر از انقلابیون به بند کشیده شده اند. ساواکیهای این زندان از آنچنان رفاهی برخوردارند که بنا به اظهار خودشان در زندان امنیت بیشتری دارند تا بیرون از آن. این مزدوران حاضر به همه گونه همکاری با پاسداران و مسئولین زندان هستند و با طر رفتاری و کرمشانه و نیردادن هدا (پسه) به پاسداران از تسهیلات فراوانی برخوردارند. از جمله غذا و پوشاک بیرون میتوانستند استفاده کنند و ملاقات حضوری دارند. اغلب ساواکیهای این زندان حاضرند با دادن تعهد (از جمله تعهد همکاری با رژیم جمهوری اسلامی) آزاد شوند به استثنای برخی که به فردای رژیم چندان امیدی ندارند.

رفتار ساواکیها بنا به ما هشتان در زندان اصفهان مثل نماز زندانیها، با عناصرا انقلابی بسیار خصمانه و کینه توزانه است. آنها در هر فرصتی، حرکات زندانیان سیاسی - انقلابی را

به پاسداران و مسئولین زندان گزارش میکنند در پی این گزارشها پاسداران، بارها عناصرا انقلابی را به سلولهای انفرادی برده و با شدت شکنجه کرده اند، گذشته از جاسوسی با واکها برای رژیم جمهوری اسلامی، آنها در دفترچه کوچکی برای زندانیان انقلابی پرونده تشکیل داده و در آن مشخصاتی از قبیل نام و نام خانوادگی، آدرس منزل، علت بازداشت، مدت بازداشت، چگونگی فعالیت در زمان شاه، وابستگی تشکیلاتی و کیفیت آن و... را یادداشت میکنند. آنها این اطلاعات را از دو طریق بدست می آورند: ۱- از طریق صحبت با خود زندانی و به حریف کشیدن او و کسب اطلاعات مذکور بوسیله درساغات و روزهای اولیه ورود به زندان که زندانی از اطرافیان خود شناخت ندارد. این مسئله هتداری است به انقلابیونی که دستگیر میشوند تا با هشپاری از دادن اطلاعات مذکور به ساواکیهای جاسوس خودداری کنند.

۲- از طریق صحبت با پاسداران با استفاده از روابط حسنه پاسداران با آنها و با جاسوسی و تملق از پاسداران.

ساواکیها بعد از تکمیل اطلاعات خود از انقلابیون زندانی، آنها را به بیرون از زندان برای همکاری خود در بیرون انتقال میدهند.

ساواکیهای زندان اصفهان هر شب به رادیوهای امیرالیهستی گوش داده و در مورد برنامه های آنها بحث و گفتگو میکنند. آنها چند شب در هفته جلسه مشترک گذاشته و رویدادهای مهم را تحزیه و تحلیل میکنند. ساواکیها در برخی موارد پس از شنیدن اخبار رتلویزیون، نشسته های فوری نیز برپا میکنند. آنها همچنین با پشتیبانی پاسداران، در کبریه ای ممنوعی با میا رزیسن در بند ایجاد می نمایند که اغلب با برخورد هتداریانه از انقلابیون اسیر، توطئه هایشان نقش بر آب میشود. اخیراً نیز یکی از همپن ساواکیها که به حبس "ابد" محکوم شده بود آزاد شده و در سپاه پاسداران اصفهان به کار مشغول شده است. این گزارش کوشه ای از حمایت رژیم جمهوری اسلامی از ساواکیها و دشمنی آن با نیروهای انقلابی در زندانهاست. این وضعیت در تمام زندانهای رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد و نشان میدهد که این رژیم چگونه دشمنان خون آشام زحمتکشان ایران را در زیر پرچم حمایت خود قرار داده و در مقابل، به سرکوب و شکنجه انقلابیون پرداخته است.

★ ★ ★

پره سر (هشتپر)

توده ها گروه ضربت را خلع سلاح کردند!

از چندین پیش عنصمر مرتجعی بنام "حاج - کریمی" که قبلاً همراه دارودسته "مدر" - همکاری "انجمن اسلامی چوکا" در شانسانسی عناصرا انقلابی و به هم زدن جلسات و شورا های کارگران شرکت میکرد، از طرف خلخال جلال ما موراجا دیک "گروه ضربت" شده و به دستگیری و شکنجه و از آن انقلابیون و زحمتکشان منطقه می پرداخت.

این با کد مرتجع و مسلح با تهدید و ارباب و بهانه کمک به جنگ زدگان مبلغ ۲۰ هزار تومان از اهالی جمع آوری میکند. آنها بجای کمک به آوارگان جنگ به کمک عده ای از اوایشان زمان شاه نظیر پسرکمالی (زمنند از بزرگ منطقه) دبیرستان بورجفیری را به زور تهاجب کرده و تبدیل به زندان "گروه ضربت" مینماید. "حاج - کریمی" مقداری از پول را صرف هزینه های این زندان "کرده و با بقیه برای خود ا توممیل میخرد. وی شب چهارشنبه ۲۶ آذر، دو باره با جمع کردن گروهی از مردم و بازاریان با زور و تهدید ۳۰ هزار تومان پول میگیرد و از آنها می خواهد که هر ماه بین ۱۵۰ الی ۵۰۰ تومان برای مخارج گروه ضربت پرداخت نمایند و از زندان در انتظارشان خواهد بود. مردم زحمتکش منطقه که از زورگوشی ها و اجافات این گروه ارتجاعی به ستوه آمده بودند روز شنبه ۲۹ آذر در مقابل شهرداری متحمن میشوند. مقامات رژیم برای سرکوب این تحمن ارگانهای سرکوبگرش را بسیج مینماید و در شپس پاسداران هشتپر، فرماندار و معاون استاندار همراه عده ای پاسدار "به پره" - سر میآیند. در ابتدا ما مورین رژیم میگویند با علم کردن "جنگ" جنبش اعتراضی توده ها را از هم پاشند. یکی از پاسداران چوکا مردم را تهدید کرده و با فحاشی به نیروهای انقلابی و اینکه "تحمن گناه است" سعی مینماید مردم را متفرق سازد ولی یکی از دهقانان زحمتکش حرفهای قلدر منشا نه اوراق قطع کرده و میگوید: "مسئله ما چیز دیگری است، ما از دست شما خواب راحت نداریم و از ترس شما میگوئید که جنگ است و تحمن حرام است." مردم از محبت های ابسن دهقان زحمتکش حمایت میکنند و خواسته هایشان را بشرح برپا اعلام میدارند:

- ۱ - انحلال و اخراج گروه ضربت
- ۲ - عدم دخالت پاسداران در امور مردم عام از سیاسی و صفی
- ۳ - پاسداران حق دستگیری هیچکس را ندارند

بقیه در صفحه ۲۲

نگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی

”چشمک“ رجا ئی به سرمایه داران آلمان

اخیرا رجا ئی نخست وزیر درمما حبه اش به خبرنگار آلمانی ”ویس دویچه“ گفته است : ”نگرانی سرمایه داران و صاحبان صنایع آلمان در ایران بی اساس و منتج از سوء تفاهات می شود که در مناسبات اقتصادی دو کشور به افکنده است“ (کیهان - ۵۹/۹/۲۶) رجا ئی اضا فه کرده است : ”ما قصد داشته ایم که مالکیت های خارجی در ایران را ضبط نمائیم و اگر چنین امری پیش آید بدون شک منافع آلمان غرامتهای خود را از ایران دریافت خواهد کرد“ داشت ایران در آینده در نظر دارد که با ایجاد تسهیلات ضروری ، راه را برای سرمایه گذاری آلمانها و دیگر کشورهای خارجی هموار سازد ، البته بشرطی که ایران قادر شود مناسبات صنعتی خود را با دیگر کشورها تعمیق بخشد آری رجا ئی به امیرالایسم آلمان قول میدهد که در اولین فرصت و پس از آماده شدن شرایط ! برای تحکیم پایه های سرمایه داری وابسته به امیرالایستها اجازه سرمایه گذاری در ایران را خواهد داد .

رژیمی که ادعای ”فدا میرالایست“ بود ن دارد ! رژیم می که در حرف هرگونه وابستگی را انکار مینماید پندته تنها با وارد نمودن اسلحه های رنگا - رنگ از امیرالایستها ضد انقلابی بودن خودش را ثابت نموده بلکه هم اکنون با چشم انداز طلاشی ای که برای امیرالایستها تصویر میکند آنرا به آینده بیشتر میدواری میازد . اما مبارزه طبقاتی کارگران قهرمان و توده های انقلابی و زحمتکش ما این خوابهای طلانی را تبدیل به کابوس وحشتناکی برای رژیم جمهوری اسلامی خواهد نمود .

بازهم اخراج کارکنان

اخیرا دانشگاه علوم پزشکی ایران اقدام به ”اخراج“ ۶۴ تن از کارمندان جزو ”کارگران این دانشگاه“ کرده است . ”بها نه“ مقامات دانشگاه این است که این افراد پس از ۵۸/۶/۱ استخدام شده و آن زمان استخدام دولتی ممنوع شده است در صورتیکه اگر ”خطائی“ هم در کار باشد مربوط به مسئولین است نه کارکنان . مقامات رژیم جمهوری اسلامی به بهانه های گوناگون به اخراج کارکنان ادامه میدهند تا بدینوسیله ”هزینه ها“ را پاشین بیاورند (!) . کارکنان اخراجی با انتخاب نمایندگانی به مبارزه خود جهت ابطال حکم اخراج ادامه میدهند .

بیزاد نبوی سخنگوی رژیم : مارکسیستها : سرکوب ، رویزیونیستها : آزاد

آنها آزادی میدهند تا ارتجاع را رنگ آمیزی کنند و رژیمهای فدخلقی را بعنوان ”ملی“ و ”مستقل“ جا بزنند . آری رژیم اکنون رسماً به نوکرائش رویزیونیستها را خاش خروتنی و به جهانی آزادی میدهند تا توطئه علیه انقلاب بپردازند ، درحالیکه در این رژیم ارتجاعی ، کمونیستها نصیبی جز تیرباران و زندان و شکنجه نخواهند داشت ، اما تخاصم میان ما و سرمایه داران در هر لباسی آشتی ناپذیر است و رژیم نیز دشمنانش را بخوبی میشناسد ، بگذار رویزیونیستها خاش خاش توده ای و جهانی برای خدمت به رژیم بورژوا ئی ایران و کوشش برای ساختن جاپائی برای سوسیال امیرالایسم روس از هیچ جاکرمشی دریغ نکنند و بگذار رژیم به این نوکرائش آزادی توطئه بر علیه انقلاب بدهد ، ما آزادی را با انگاه خلق قهرمان ایران بدست میآوریم و آن را در خدمت منافع توده ها بکار میگیریم . طبیعی است هم چنانکه ما کمونیستها در حکومت زحمتکشان به همه نمایندگان سرمایه داران ، نوکران امیرالایسم و سوسیال امیرالایسم ، اجازه فعالیت نخواهیم داد ، آنها نیز خواهند کوشید تا آزادی را از کمونیست ها این دشمنان سر سخت طبقا تیشان سلب کنند . اما اگر شاه توانست ، اینان نیز خواهند توانست نکته آخر اینست که ارتجاع بعضی مواقع سر نوکران خود را نیز می خورد ! مثلا سردمداران بعث عراق که تا توانستند از نیروهای رویزیونیستهای خاش عراقی ، بر ضد زحمتکشان و انقلاب استفاده کردند ، پس از مدتی که دیگر ارتجاع عراق به آنها نیازی نداشت مورد شکنجه و تیرباران قرار گرفتند . دادن آزادی ارتجاع به رویزیونیستهای خاش ، به خاطر اینست که از او ج گیری جنبش توده ها و جنبش رویزیونیستها برای منحرف کردن جنبش توده ها است هرگاه که دیگر نیازی به رویزیونیستها نباشد ، ارتجاع به این نوکرائش نیز رحم نخواهد کرد .

بالاخره رژیم بطور رسمی حکم به آزادی فعالیتهای رویزیونیستهای خاش توده ای و فدائی (اکثریت) داد . سخنگوی رژیم درمما حبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اش (مندرج در مطبوعات اول دی) کمونیستها را بعنوان گروههای متخاصم که ”علیه رژیم سلطه بدست گرفته اند“ و ”طبیعی نمی توانستند آزاد باشند“ خواند و رویزیونیستها را بعنوان نیروهای که میتوانستند آزادانه فعالیت کنند ، اما چرا ؟ مگر هر دوی اینها خود را نماینده کارگران و زحمتکشان و دشمن سرمایه داران نمی خوانند ؟ چرا رویزیونیستها که ادعای مارکسیست بودن میکنند باید آزاد باشند ولی کمونیستها میبایست نه تنها حق فعالیت علنی نداشته ، بلکه تیرباران و شکنجه و زندانی شوند و اقمیت را با یستی در ما هیت مشترک بورژوا ئی رژیم و رویزیونیستها و نیز در دشمنی طبقا تسی میان کمونیستها از یک طرف و رژیم و رویزیونیستها ها از طرف دیگر دید . رویزیونیستها نوکران سرمایه داری هستند و تنها برای قریب توده ها ، لباس مارکسیستها را بتن کرده اند . آنها دشمن مارکسیستها و طبقه کارگرند و به دلیل ما هیت بورژوا ئیشان نه تنها از حکومتها ی سرمایه داری شدید حمایت میکنند ، بلکه در برخی مواقع که این دولتها در سرکوب انقلاب و انقلابیون دچار تنگنا میشوند ، آزادی فعالیت رسمی و علنی را به رویزیونیستها میدهند تا آزادانه به خراب کاری در جنبش توده ها بپردازند . آنها میزد خیا نت به خلق و مشاطه گری بورژوا ئی را با آزادی فعالیت سیاسی شان دریافت میکنند آری رژیم به رویزیونیستها آزادی میدهند تا آنها به ضدیت با جنبش مقاومت خلق بپردازند ، آنها را از امیدگاردتا مانع مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان درنا بودی سرمایه داری وابسته گردند ، آنها را از امیدگاردتا مانعند سگ ها ر بورژوا ئی ، به کمونیستها حمله کنند و به لجن پراکنی علیه آنها بپردازند . رژیم به

بقیه از صفحه ۲۱ پوسر ۰۰۰

۴ - اخراج سپاه پاسداران از منطقه ”مقامات“ رژیم که اوضاع را ”نا مناسب“ می پند ، کوشش متینا پند با فریبکاری مردم را ساکت نمایند و فرماندار قول میدهند که ۲۴ ساعت گروه غربت را خلق سلاح نمایند ، ولی مردم خواهان خلق سلاح و خروج فوری آنها میشوند . فرماندار و مجبور میشود حکم خلق سلاح گروه غربت ”را به زندان - مری بدهد ولی توده ها به انتظار از اندامری - نشستند و خود با عمل انقلابی به خلق سلاح گروه غربت مبارزت کرده و زندانیان را آزاد کردند

پاسدار گروه غربت را به ”زندانی“ خودشان می - اندازند ، حاج کریمی مرتجع از ترش خشم مردم فرار کرده و پسرکمالی ، جمادار معروف بدست توده ها ”تنبیه“ میشود و ما شین خرد میشود ، در باز - رسی مرکز گروه غربت ۴ کارتن باید ۱۰۰ کارتن سیگار و مقدار زیادی برنج و روغن بدست مردم می افتد .

توده های زحمتکش در اشما دوم مبارزه قاطعانه خودشان است که به پیروزی میرسد . هر چه گسترده تر با جنبش او جگیرنده توده ها !

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سخنی با رفقای گزارشگر:

نوشته‌ای که در زیر می‌خوانید از جانب رفقای خورستان برپایان ارسال شده است و بدلیل آنکه برخی نکات هرچند ریز اما مفید در امر گزارشگری دارد، ما ضمن خلاصه کردن آنرا درج می‌کنیم:

گزارشگر از دوزا و به گزارش و خبر تهیه می‌کند، یکی از جنبه تبلیغی و افشاگرانه و یکی از جنبه تحلیلی. در مورد دوم برخورد گزارشگر به این ترتیب است که مثلا یک گزارش از وضع عمومی فلان محله یا از فلان کارخانه... می‌دهد که نشان می‌دهد که مثلا کارگران آن کارخانه عموما مخالف جنگ هستند، این گزارش باید روشن کند که این کارگران از چه موضعی مخالف جنگ هستند و مثلا اگر یک رفیق درباره وضعیت عمومی یک کارخانه گزارش تهیه می‌کند حتما باید نتایج و هیئت حاکمه را در نظر گرفته و روشن کند که کدام دسته از کارگران و از چه موضعی مخالف هیئت حاکمه هستند. آیا از موضع لیبرالها حرکت می‌کنند یا برعکس، و یا اینکه کلا نسبت به تمام جناح‌های هیئت حاکمه به یکسان منتقدند.

در تهیه گزارش و برخورد یک گزارشگر دو نوع انحراف مهم قابل برخورد است یکی انحراف اکونومیستی و دیگری انحراف لیبرالی. در مورد انحراف اکونومیستی باید گفت مثلا یک رفیق گزارشگر تنها از وقایع کلیه برداری می‌کند و به یکجا نبه نگری افتاده و نتوانسته تغییر و تحول شرایط یک موضوع مشخص را درک کند مثلا در ابتدای جنگ اشکاس اخبار جنگ، تعداد کشته شدگان و میزان خرابیها و... بطور روزمره بین مردم اهمیت درجه اول را داشت ولی بعد از مدتی دیگر این اخبار بر ضروری و محوری و نا زکی خود را از دست می‌دهد و جنبه فرعی پیدا می‌کند و دیگر در این دوران بیشتر عوارض جنگ مطرح است (بیکاری، گران، تورم، آوارگی و...) و رفیق گزارشگر با بیستی بتواند تحلیل مشخص از اوضاع و متناسب با نیازهای مشخص گزارش تهیه کند.

انحراف دیگر برخورد لیبرالی گزارشگر است که نقش خود را به عنوان یک گزارشگر کمونیست فراموش کرده و بی تفاوت از کنار مسائل که در پیرامون ما اتفاق می‌افتد، می‌گذرد. لازم به تذکر است که علاوه بر گزارشگران حرفه‌ای هر کدام ما نیز بنوبه خود باید یک گزارشگر باشیم، همانطور که هر کمونیستی همواره یک مروج و یک سازماننده است، پس تهیه خبر و گزارش و طبقه مستمر و همیشگی کلیه رفقا است که از وقایع و اتفاقات پیرامون خود گزارش تهیه کنند.

رفقا! برای برخورد دقیقتر در این مورد لازم است که همواره اخبار و گزارشات مندرج در بیکار، فریاد آوارگان، خبرنامه کمیته خورستان (بویژه شماره ۶ بعد) را با دقت مطالعه نمایند.



در اینجا نکاتی چند را که در تهیه و تنظیم و ارسال اخبار و گزارشات با بیستی رعایت گردد ذکر می‌کنیم و از رفقای می‌خواهیم که مسئولانه در رعایت آن بکوشند.

(۱) - در گزارشات از هر قبیل (خبر، معاویه، گزارش اوضاع جنگه آوارگان و غیره...) سعی شود از پرداختن به موارد فرعی و غیر ضروری خودداری و در گزارشات به برجسته کردن یک محور مشخص که گزارشتان می‌خواهد به آن موضوع مشخص پاسخ دهد، متمرکز گردد. برای نمونه در یکی از گزارشات که در راه باطنیه و وضعیت بیماران سناهای مناطق جنگ زده به ما رسیده است رفیق گزارشگر بجای اینکه بی توجهی رژیم نسبت به وضع زخمیها و وضع ناسامان و به هم ریخته رژیم را در حیطه بیماران نشان دهد به یک مسعود خیلی فرعی و غیر مربوط چسبیده و آن را منعکس نموده است. مثال مورد نظر این بوده است که یک مرد مجروح لگن ادرار از دست پرستار زن نمی‌گرفته و مرا داده که از یک مرد بگیرد. (۲) - رفقا! همانطور که همواره تا کید نموده ایم درباره موثق، نیمه موثق، غیر موثق بودن اخبار حتما دایرایی هر خبر، ذکر بنامش و تا ما بتوانیم از اخبار و گزارشات هر چه بیشتر و بهتر در پیکار در کارمان استفاده کنیم. برای مثال یکی از رفقای مغیرد یکی از خبرهایش به این صورت اشاره کرده "طبق اطلاعاتی" که این هیچ چیز را مشخص نمی‌کند، تاریخ اتفاق افتادن خبر و یا تهیه گزارش حتما ذکر گردد.

(۳) - رفقا در پایان گزارشات هرگاه از کمال ارکان تشکیلاتی آن را ارائه می‌کنند، امضا ارکان را مشخص بنمایند و در صورتیکه گزارش با اخبارشان بصورت انفرادی ارائه می‌شود یا نام مستعار و یا حرف اول اسمشان و همچنین شهری که در آن به کار گزارشگری مشغول می‌باشند را نیز ذکر بنمایند و همچنین تاریخ ارسال گزارشات را نیز در پایان گزارش ثبت بنمایند. (۴) - رفقا نحوه برخورد تبلیغی شان را به عنوان مرتفع در یکجا جمع بندی کرده و به عنوان دستاورد یک روزگار توده‌ای طی گزارشی ارسال دارند، از هر گونه اشکاس برخورد تبلیغی به یک نفر (عابر، همسایه، مسافر، کاسکار...) بجز در موارد مهم و حساس خودداری گردد. تنها استنتاج و ماحمل آنچه که مفید می‌تواند باشد بصورتی واحد و یکجا گزارش شود.

(۶) - رفقا از کارهای غذایی مارک دار استفاده ننمایند و اگر کارهای غذایی می‌باشند که امکان محو مارک وجود دارد و بر زمینه آن علامت مشخص

موجود نیست در آن صورت میتوان آنرا از آنها استفاده نمود.

(۷) - رفقا اخبار و گزارشات و معاوبات را بر اساس نوع آن که کارگزار می‌خواهد و با ویژه آوارگان است، جدا کرده و دسته بندی نموده و هر کدام روی برگ مجزائی نوشته شود، تا در تفکیک آن دوباره کاری نشود.

(۸) - قطع کاغذ باید یکسان باشد. بهتر است همه از اوراقی دفا تر معمولی (مثلا ۴۰ برگی) استفاده کنند یا حداقل هر حوزه (ارکان یک شهر) سعی نمایند اوراقی مورد استعمال خود را از یک قطع استفاده کنند.

(۹) - حتما اوراقی که اخبار رو... در آن منعکس میشود، یک خط در میان نوشته شود و پشت کاغذ هم چیزی نوشته نشود تا در تنظیم آن توسط ما دیگر نیازی به استفاده از کاغذهای مجدد و رو - نویسی های "خردکارانه" نباشد.

(۱۰) - رفقای گزارشگر و خبرنگاران باید از کسب اخبار و تهیه گزارشات و معاوبات در خصوص غلبه عرب منافق جنگی غافل نباشند. این امر یعنی توجه کافی به مسائل و مشکلات معاشی که برای این خلق ممکن است ایجاد شده باشد برای ما اهمیت زیادی دارد.

(۱۱) - ثابت است که نقل قولها را در گیومه ("،") قرار داد.

(۱۲) - رفقا هیچ وجه مجاز نیستند اسم کسی را که با آنها برخورد می‌کنند و آنها، همکاری نزدیکی با رفقا برقرار می‌کنند، در گزارشات خود بنمایند اینکار را به لحاظ امنیتی خطرناک بوده و چه بسا در صورت لو رفتن، ارتجاع مزاحمت‌هایی برای آنان ایجاد نماید.

(۱۳) - رفقا موظفند اخبار داخلی را بطور جداگانه نوشته و برای ارکان تشکیلاتی موبوطه و یا ارکان تشکیلاتی بالا بنفرستند. نه همراه اخبار عام برای تبلیغات.

پیروزباشید

رفیق ح - کارگزار شهید

ضمن انتقاد به ریز بودن حروف نشریه، خواسته است که حروف آنرا بزرگتر کنیم، رفیق کارگزار! این اولین باری نیست که چنین تقاضائی میشود. بسیاری از رفقا بویژه کارگران و زحمتکش از اینکه حروف پیکار ریز است دچار مشکلاتی در مطالعه آن میشوند. به همین دلیل نیز ما حروف آن را تا اندازه‌ای درشت کرده ایم که البته هنوز کافی نیست اما ما سعی می‌کنیم حروف نشریه را بیش از این درشت چاپ کنیم. به درشت چاپ کردن حروف جای بیشتری می‌طلبند و توجه به شرایط فعلی که ما شدیداً از نظر میزان صفحات در مضیق هستیم (۳۲ صفحه در هفته) و بسیاری از مطالب تهیه شده برای پیکار را ناگزیر حذف می‌کنیم بنا بر این نمی‌توانیم حروف کل نشریه را درشت تر از آنچه که هست کنیم. اما

مصادره اقلانی زمین توسط زحمتکشان و یورش مامورین شهرداری و پاسداران

اواخر آذرماه، جمعی از مردم زحمتکش شرق تهران که پس از تحمل سالها رنج بی مسکنی، هنوز با مشکل مسکن درگیر هستند، تصمیم میگیرند که خود چاره ساز درددخوش گردند. آنان که ۲ سال به انتظار بی شمر جمهوری اسلامی نشستند و خبری هم از "حامیان" "پرمدهای" "مستضعفین" نشد و دست باز نداشتند با مشکل مسکن را از طریق مصادره زمین های دولتی و بولداریان حل نمایند. این زحمتکشان در روزهای آخر آذر، با تهیه مقداری آجر و دیگر مصالح ساختمانی زمینهای کسوی "بانک سپه" را در یک کیلومتری شرق فلکه چهارم تهران با پرس بین خود تقسیم میکنند. این زمین ها متعلق به ارتش، بانک سپه و زمینداران، بولداریها (که اغلب آنها فرا کرده اند) میباشد. در بین آنها زحمتکشی بود که بخاطر عدم توانایی مالی فقط ۶ متر مربع زمین برداشته بود، زیرا بول ساختن آنرا نداشت. برخی از این زحمتکشان برای استغفار در آن محل اقدام به ساختن دیوار کرده بودند. روز اول دیماه ما موربین شهرداری با بولدو و اروپا سار و سرپا زحمت بیرون کردن زحمتکشان بی خانه به محل میروند و با مقاومت دلاورانه مردان و زنان زحمتکش روبرو میشوند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با رفتاری شبیه مزدوران رژیم شاه با زحمتکشان "خارج محدوده" با تخلیه اشغال های شهر بروی مصالح ساختمانی و تهدید و ارباب و دست یازیدن به سلاح کهنه شده "تراپ جنگ" و... و نیز تخریب قسمتهای ساخته شده توسط بولدو و روسی دژگشتن مقاومت توده های زحمتکش می نمایند. ولی با مقابله خشونت آمیز آنان مواج میشوند. زن زحمتکشی با تکه آجری راننده بولدو و زوری را مجبور به فرار میکند. آنها تصمیم میگیرند متعدها را برای حفظ زمین تما حب شده میازنه بندی پس از بحث های فراوان و فربکارهای رایج مامورین و پاسداران نتوانستند زحمتکشان آن محله را از زمینهای مصادره شده بیرون کنند و اجبارا آنجا را ترک کردند.

مردم زحمتکش با غرور از پیروزی بدست آمده در آرمیازنه تما حب شده میازنه بندی پس از بحث شده آن زمین ها را با سازند و از در بدری رها می نمایند.

کارمند - کارگر مکانیک از لاهیجان نامه ها را از این رفقا دریافت کرده ایم. با دروهای کمونیستی و آزادی موفقیت دست یکایک آنها را می فشاریم و در انتظار نامه ها، گزارشات، اسناد افشاگرانه، طرح ها، پیشنهادات هنری و خلاصه مشارکت فعالانه رفقا هواداران در هر چه غنی تر کردن نشریه مان هستیم.

کلی شرکت دایر و طلبانه در ارگانهای سرکوب را نادرست می دانیم، چرا که علیرغم نیت غیر سیاسی شرفردا و طلب آن فرد عملا در خدمت آن نهاد سرکوب قرار میگیرد. اما در مورد حامی توپرای اینکده از نزدیک در جریان کم و کشف قضیه قرار نگیریم، می توانی با رفقای غا شکس گرفته و بتوانی از نزدیک رهنمودهای لازم را دریافت کنی.

رفیقان -

"گزارش از یک روستا" بدست ما رسید در گزارش های بعدی کوشش کن که وضع آگاهیه مردم ده و روابط حاکم بر محیط روستا و چگونگی بر خورد روستا ثیان را با رژیم برایمان بفرستی.

نامه ای از یک مادر مبارز

نورچشمان من مادری هستم که ۵ سال سن دارم از روزی که خودم را شناختم در فقر و بدبختی زندگی کردم و فکر میکردم که ما باید همیشه بدبخت و فقیر باشیم و پول دارها همیشه پول دار باشند تا اینکه شما عزیزان شب و روز در راه زحمتکشان و در راه آزادی طبقه کارگر زحمت کشیدید و ما را آگاه کردید که چرا عده ای هیچ چیز ندارند بخورند و عده ای آن قدر میخورند که شکمشان میترکد از اینکه شما برای ما زحمتکشان جان و زندگی خود را از دست میدید غیلی ممنونم من به بچه هایم که با شما همکاری میکنند کمک میکنند بچه دخترم را همیشه میگیرم تا او بهتر بتواند با شما همکاری کند من به زحمتکشان میگویم که این جنگ به خاطر ما نیست و زحمتکشان فقط کشته و خانه خراب میشوند و منفعشی برای سرمایه داران میباشد و الان هم از شما می خواهم که کمک مالی من را که از مستمری بچه هایم کم کرده ام قبول کنید. پیروز باشید - مادر شاش

پیکار: مادر مبارز! نامه توه ۵ تومان کمک مالی ات مشارکت شورا نگیز ترا در راه آزادی طبقه کارگرتان میدهد. دست توه همیشه مادران مبارزان را میفشاریم

سایر نامه های رسیده

م، پ، اسراوان بلوچستان - م، از کمیته معلمین - م، از گرج - م، ج - م، ج - م، از تهران - ق، ک، تی - ص، از معلمین - ع، و از ساری - سمید - ج - ع، و از تبریز - غ، و از دزفول - رفیق دهبان - م، از محمود آباد - ترکس - الف - س، س - م، و - ۲۸ - کارگر هواداران مشهد - ک، س، از ما شهرت، الف، از شیراز - کارگر، م، از قزوین - ک، م، لاهیجان - ج، کارگر از قزوین - س، ب - الف، م، از تهران - عبدالرضا - ۷۱ - ۴۰ از معلمین - زنجان - ص، فرزانه از قزوین - ف، ی،

در عدد پرا شده ایم، مقالات خامی تبلیغی افشاگری و بطور کلی آن مضامینی که جنبه توده گیریتی نسبت به صفحات دیگر را دارد با حروف درشت چاپ کنیم تا حتی المقدور این خواست کارگران و زحمتکشان خواننده نشریه را برآورده نمائیم البته این برنامهم موقتی است چه هرگاه موفق شدیم مشکلات توزیع و پخش را حل کرده و شماره نشریه در هفته بدیم، آنگاه از نظر حروف نیز کل نشریه درشت تر منتشر خواهد شد!

پیروز باشید

م، غ، از انجمن ۸

رفیق! آنچه تودر مورد آن مسئله خامی برایمان فرستادی مورد مطالعه قرار گرفت! در یک مطالعه مطمحی به مواضع انحرافی جریان نامبرده می توان پی برد با بدسریع با شخصی ارسال کننده آن مدارک برخورد شود و گزارش آن برایمان ارسال گردد.

رفیق ۱۱۲

رفیق، از ما خواسته است که به مسائل اقتصادی در جمهوری اسلامی توجه کرده و در این باره نیز مقالات افشاگرانه، تبلیغی و ترویجی نیز بنویسیم و به این مسئله که کمونیست های ایران به مسائل اقتصادی کم بهما می دهند، انتقاد کرده است. ما فم وارد انستین انتقاد رفیق، از این پس می کوشیم تا هر چند گاهی، مضامینی از پیکار را به بررسی مسائل اقتصادی جا معا ختم می دهیم.

■ گروهی از دانش آموزان هوادار - هوشیار - پرسیده اند که مرحله انقلاب در کشورهای رومیزی نیستی چون لهستان چیست رفقا! بررسی دقیق آرایش نیروهای طبقاتی در کلیه کشور های رومیزی و بنیستی نیازمند یک تحقیق همه جانبه و عمیقی می باشد که ما به آن دسترسی نداریم. اما در رابطه با کشورهای پیشرفته رومیزی و بنیستی همچون آلمان شرقی و ... معتقدیم که در این کشورها مناسبات سرمایه داری در مرحله پیشرفته ای قرار دارد و از اینرو شرایط عینی انقلاب سوسیالیستی مهیا است. اما در مورد جا معا به لنسبه عقب مانده تری همچون لهستان هنوز اطلاعات لازم را نداریم و وظیفه خود نمی دانیم که مرحله انقلاب لهستان را تعیین کنیم چه این وظیفه رفقای عسزب انقلابی - ل لهستان است که باید آنرا پس طبقاتی هر جا معا بررسی کرده و مرحله انقلاب را روشن کنند.

دوست گرامی ن - ع

در مورد فعالیت در یکی از ارگانهای ضد انقلابی و علت آن نوشته بودی و در این مورد راهنمایی خواسته بودی باید بدانی ما بطور

امپریالیسم آمریکا باز هم کسینجر را به میدان میفرستد

مبارزات دلیرانه خلقهای تحت ستم در خاورمیانه عربی و ایران و ترکیه و مغرب قهرمانان خلقهای فلسطین و لبنان، معسوق ماندن توطئه خائنانانه سیاستهای ولعزداری و ولعزداری در ارکان موجودیت رژیمهای ارتجاعی منطقه و خلیج افتاده است، امپریالیسم غارتگر و جنایتکار آمریکا را بفرج راه جوئی تاسا زه ای انداخته و آمریکا را بفرج راه جوئی تاسا زه ای کسینجر را به مصاف خلقهای منطقه فرستاده است.

سابقه اوسط سالهای ۱۹۷۰ کسینجر این چهره مکار و کهنه کار امپریالیسم برای کشتن نیروهای سازشکار عرب به پشت میز مذاکره با "اسرائیل" از سیاست تهدید و دلار استفاده کرده و برانجام داده است، این نماینده بورژوازی وابسته مصر را به اجرای طرح "جدا - سازی نیروها" و "انعقاد صلح با "اسرائیل" کشته است.

هم اکنون مساله مهم برای امپریالیسم آمریکا پیدا کرده طرح "خودگردانی فلسطینی" - ها در ساحل غربی رود اردن (در زیر کنترول اسرائیل)، پایان دادن به موجودیت انقلاب فلسطین در لبنان و سرکوب کامل نیروهای مترقی در این کشور، وارد کردن اردن به فساد و کذب دیوید، تقویت نیروی نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه خلیج و تحکیم وضع رژیمهای دست نشانده ای مثل سعودی و با لایحه جلوگیری از رشد انقلاب و سرکوب آن در سراسر منطقه میانه است. کسینجر از روزه دیماه به سفر توطئه آمیز خود به مدخله برداخته و از فلسطین اشغال شده، عربستان سعودی، اردن و مراکش دیدن میکند. قبل از او در ۲۷ آوریل گذشته "دیوید جونز" رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، سفر خود به اردن، فلسطین اشغالی و مصر را آغاز نموده بود.

امپریالیسم آمریکا بر اساس ماهیت انکلی و یوسیده خود را کبریا و استبداد برای ادا مصلحت غارتگرانه خود به عفت مانده برین و ارتجاعی - ترس و طعنه و رزیمها منکی با دیوانه و مترقی سلطنت استبداد و نظیر او اکت و غیره پدائسان این رژیمها را برای سرکوب انقلاب بوده است. محیر و افسوسناک است که در این دوران در سراسر جهان در احیای انسان نگذاشته اند. اما انقلاب بوده - ها در سراسر منطقه خائنی رسیده است که با سفرهای کسینجر هر چه هم مودانه، کامیوتی و سجاوز - گانه اندازد برای آسودن آسودن انقلاب را از رویدن ساجد امپریالیسم و ارتجاع در منطقه مانع گردد. ■



اخبار
و مسائل
جهانی

علیه بورژوا - رویونیستهای و خائنان آنها تبدیل کرده و ترس این خائنین را از افشای گری در حضور میلیونها زحمتکش بر ملا نمودند. رویونیستهای کوشیدند تا وفاداران به -



"چان چونگ چیا شو" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی

چین: کمونیستها، رویزیونیستها را افساء میکنند

رویزیونیستهای ضد انقلابی حاکم بر چین، با برپا کردن دادگاههای ارتجاعی خود کوشیده - اند تا حیثیت کمونیستها را لکه دار نموده و سوسیالیسم و مارکسیسم لنینیسم که طرفدار سازند، رویونیستهای ساجدانی که طرفداری سرمایه داری و امپریالیسم میباشند و نفرت عمیقی نسبت به کمونیستها و چینی داشتند، سعی نمودند تا با به محاکمه کشیدن رهبران انقلاب فرهنگی، خاطره و عشق رفیق ما شو ما شو را رکنیست لنینیستها را از قلوب زحمتکشان پاک کنند و سندی خائنانه برای حقانیت ارتجاعی خود به



"چیانگ چینگ" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی

پروولتا ریا را به سازش و تسلیم گشتاند، اما کمونیستها این سادگی نموده و این توطئه را افشا کردند. رفیق "چیانگ چینگ" همسر رفیق ما شو، خطاب به خائنین گفت: "اگر شما سرمایه قطع کنید تا تکه هترا از است که شما تسلیم شوم". آری کمونیستها هرگز تسلیم بورژوازی نخواهند گردید، آنان حاضرند در راه دفاع از مارکسیسم لنینیسم و طبقه کارگر خود جلادان بورژوازی به شهادت برسند، اما هرگز خود را تسلیم دشمنان طبقه کارگر نخواهند کرد.

کمونیستها در راه آرمان کمونیسم بی حسی و تردید نیستند. این راه بطور آسانی تا بدین حد پیش خواهد رفت و همانگونه که میزوری آنان حتمی است مگر سرمایه داری سرطانی میباید. ■

اما میبایستند، رویونیستهای خائنین، رفیق ما شو را "جنایتکار" معرفی کرده و رهبران انقلابی طبقه کارگر را بجرم مبارزه علیه لیو - تا شوچی رویونیست خائنین و تنگ سنا شوینک مرند در دادگاه ضد انقلابی خود محکوم کردند، اما رهبرانی که به آرمان پروولتا ریا وفادار مانده و عشق میلیونها توده ستمدیده چین و جهان را در دل دارند، به دفاع از مارکسیسم لنینیسم و طبقه کارگر بلند شده و رویونیستها را از جانب میلیونها زحمتکش محکوم نمودند. کمونیستها در دفاع خود، رویونیستهای حاکم را بدرستی "مرتجع و فاسد" (ارتجاعی) نموده، آنان را بورژواهای مزدومندان امپریالیسم خطاب کرده و از راه انقلابی خود دفاع نمودند. کمونیست - ها دادگاه رویونیستی را به صحنه افشای



بقیه از صفحه ۳ سمینار...

هم بشوند!

۲ - قدرت گیری انجمن های اسلامی، باعث می شود که جناح حزب جمهوری اسلامی بتواند موقعیت خود را نسبت به جناح لیبرال ها که عمدتاً در مدیریت کا رخا نجات نفوذ دارند، تقویت کند. خواست تصفیه مدیران "غیر مکتبی" کا رخا نجات و دخالت دادن انجمن های اسلامی در مدیریت و نظارت، و کنترل بر آن، که توسط سخنرانان مطرح میگردد، بسیار نگران کننده است.

۳ - وحشت رژیم از رشد آگاهی کارگران و فعالیت نیروهای کمونیست و انقلابی در کا رخا نجات، انعکاس خود را در گفته های تمامی سخنرانان نشان داد. عوام حزب جمهوری اسلامی با لجنه برای کشتی بر علیه کمونیست ها و انقلابیون، سعی در فاش شدن اختلاف بین کارگران و این نیروها داشتند. آنها که میدان را برای یکه تازی خود مناسب می بینند با ایجاد محیط خفقان و سانسور سعی در جلوگیری از فعالیت آگاهانه کمونیست ها دارند.

۴ - رژیم که تاکنون بر تروم توده ها و وسوسه استفاده از احساسات پذهبی و وطن پرستانه آنهاست، با تبلیغات ترکننده اش سعی دارد و انمود کند که گویا "انقلاب" اسلامی ایران بر علیه امپریالیست ها و سرمایه داران است. از این رو بیشترین زمان این جلسات صرف روضه خوانی و عوام فریبی عمال فداکار رگرجست جمهوری اسلامی در این روز گردید، زمانی که حتی کارگران متوهم عضو انجمن های اسلامی محبت از خواست های صنفی کارگران میگردند، مبلغین رژیم با گفتن اینکه اذن جنگ است و "فدا انقلاب" میخواستند، استفاده کنند! و اینکه این خواست ها مادی و مادی نیستند و "ما برای اسلام انقلاب کرده ایم" و نظایر این اراجیف، موضوع را مستحالی کرده و نشان دادند که حتی حاضرین انجام مپاره ای از خواست های رفاهی کارگران نیز نیستند.

حزب مرتجع و سرکوبگر جمهوری اسلامی که علیرغم عوام فریبی های به اصطلاح "فدامیرالین"، اش اینک روز بروز بیشتر در نزد توده ها افشا میگردد، مذبح خانه تلاش میکند تا از طریق ارکان - های پیش نظیر انجمن های اسلامی کا رخا نجات، بسیار شی بر علیه کمونیست ها و انقلابیون، جلوی رشد آگاهی کارگران را گرفته و مبارزات آنها را سرکوب نماید. رژیم با تحمیل جنگ ارتجاعی گنونی به توده ها فرصتی هر چند کوتاه بدست آورد که این تبلیغات ضد مردمیش را افزایش دهد. اما با آگاهی شدن روز افزون توده ها، شاهد خنثی شدن این عوام فریبی های رژیم هستیم. گسترش مبارزات کارگران در کا رخا نجات بر علیه کم شدن حقوق و مزایا، اخراج و سیکاری و... نشانگر آنست که دیگر حقایق رژیم برای توده ها روز بروز بی رنگ تر میگردد!

بقیه از صفحه ۲ افزایش...

اما کوبی این برخورد به مزاج راهکارگر خوش نیا مده و او را واداشته است که عزم را جزم کرده به تعمین انحراف روبرو بونیستی خود بشتابد! رفقای راهکارگر در شماره ۳۹ نشریه خود، طبعی مقاله ای به تنهایی بر شاخه افزایش تولید "قاطعه" پای فشرده اند، بلکه این موضوع را وسیله ای قرار داده اند تا "اساس تفکر پیکار" را مورد نقد قرار دهند! راهکارگر ابتدا برای آنکه نشان دهد که "پیکار" تا چه حد جانب داریست را رعایت کرده است، سعی دارد بگوید که پیکار در آوردن نقل قولیها، شرط اما ماتی داری را بها نیا ورده و با بریدن سرونه جملات راهکارگر، مفهومی را خلاف آنچه مورد نظر راهکارگر بوده، مورد نقد قرار داده است. بیاید برای خود به آوردن کا مل گفته خویش در راهکارگر ۴۵ می- برداریم. اما خواننده هر چه میگردد تا مفهومی خلاف آنچه پیکار را زبوشته راهکارگر استنباط کرده، بسیار بد ما بوس میگردد. ما در پیکار ۸۱ نوشتیم که: رفقا میگویند: "افزایش تولید ضروری است" (راهکارگر صفحه ۹) و حتی آنچنان پیش میروند که ۱۲ ساعت کا رخا رگرجا ل دریافت ۸ ساعت حقوق، یعنی ۴ ساعت بیگاری کارگران را تا شید و ترویج کرده و آنرا "فداکاری" قابل ستایش!" میخوانند. در اینجا فریاد اعتراض راهکارگر بلند میشود که گفته است:

"با بدخواهی برجریان امور حاکم گردیده این شما به وسیله ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران تبدیل نشود. هم اینک در تعدادی از کا رخا نجات کارگران مطرح کرده اند که ۱۲ ساعت کار میکنیم و ۸ ساعت حقوق میگیریم این فدا کاری قابل ستایش است، ولی با پیدار شدن سوجدوبی سرمایه دار است. این مطلب نه تنها گفته ما را نقض نمیکند، بلکه آنرا تا شید کرده و اتفاقاً همین نکته روشن میکند که راهکارگر چگونه میخواهد "فدا بیجی برجریان امور حاکم" کند که شما افزایش تولید "وسیله ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران" نکردد؟ راهکارگر از چه راهی میخواهد "راه را بر سوجدوبی سرمایه دار" ببندد؟ خوب بود رفقای راهکارگر که اینقدر دما ز "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" میزنند و ما به "دکما تسم" و "کلی باقی" متهم میکنند، خود را بهای مشخصی ارائه میدهند که جلوی غارت و سوجدوبی سرمایه داران را می- گرفت! اما راهکارگر با شعار افزایش تولید هرگز نمیتواند چنین راههایی را نشان بدهد. تنها راهی که تحلیل راهکارگر در مقابل کارگران قرار میدهد، راه تسلیم به بورژوازی، راه خدمت به رژیم سرمایه داری و نهایتاً همان راهی است که روبرو بونیست های اکثریت میبماند.

سعی میکنیم این مطلب را بیشتر توضیح دهیم:

پوشاندن تناقضات در پس متهم کردن پیکار!

ما در پیکار ۸۱ از قول راهکارگر نوشتیم

بودیم: "هر کدام از آنها (سرمایه داران) خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدامی بر علیه آنها (از جانب کارگران) صورت نخواهد گرفت." (پراستزها از ماست)، اما راهکارگر اعتراض میکند که چرا نقل قول کا مل او را نیا ورده ایم و ما را متهم میکند که "بایی سرونه کردن مطلب عنوان شده"، سعی کرده ایم برای خود کسب حقانیت کنیم! راهکارگر خود نقل قول کا ملش را مپا وردتا "فوز" را خوب کند، اما "فوز" دیگری در پیشش نمایان میشود که "فوز" یا لاغوز "میگردد! اما چگونه؟

راهکارگر در دادا مه نقل قول فوق میگوید: "... ولی میدانیم که در حال حاضر عمدتاً سرمایه داران نه تنها خواهان مقاومت نیستند، بلکه اگر نتوانند در راه آن خرابکاری نیز خواهند کرد. پس حفظ امکانات بسیج در حال حاضر در جامعه ما اهمیت بیشتری دارد." بیاید برای این راهکارگر معتقد است که در شرایط فعلی، سرمایه داران عمدتاً خواهان شکست رژیم و حتی خرابکاری و کار شکنی در تولید میباشند، گما - اینک در جای دیگری از همین مقاله مینویسد: "زمانیکه تنها با کنترل توسط شورا های واقعی کارگری و فشار بر سرمایه داران و با به عبارت دیگر اعلان جنگ به سرمایه داران می توان تولید را افزایش داد این امر برای مقابله با خطر فلاکت چنانشی از جنگ (حال ارتجاعی باشد یا عادلانه) باشد و چنانشی از بحران، ضروری است. پیکار همچنان به تکرار رسیده کلام "افزایش تولید به نفع سرمایه دار است" میپردازد. زمانی که با سرمایه داری در شرایطی نیست که تولید را افزایش دهد و حتی خود ما بل است در جریان آن کار شکنی کند، یعنی زمانیکه سرمایه داری دجاریک بحران انقلابی است، پیکار میگوید که کنترل تولید توسط شورا های کارگری و از آن طریق افزایش تولید یک شتابور و زوای است." (تا کیدها از ما و پراستزها راهکارگر است)

راهکارگر از طرفی از "همکاری" سرمایه داران (با لاقا ل بخشی از آنها) در اصطلاح "جنگ مقاومت"، با طبقه کارگر و توده ها، صحبت می کند و از طرف دیگر معتقد است که سرمایه داران در جریان تولید "خرابکاری و کار شکنی" میکنند! یعنی اگر چه غالباً تا مال سرمایه داران به - خلال در تولید است، ولی اگر هر کدام از آنها خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدامی بر علیه آنها صورت نخواهد گرفت!؟ بعبارت دیگر سرمایه داران (که افزایش تولید را بر سرمایه داران بر "خلاف" منافعتان حرکت کرده و نه تنها در تولید "کار شکنی" نمی کنند بلکه در اصطلاح جنگ مقاومت نیز "همکاری" می نمایند) و جالبتر اینکه راهکارگر از طرف کارگران به ایندسته از سرمایه داران قول میدهد که "اقدامی بر علیه آنها صورت نخواهد گرفت!!" برای سستی که این رفقا برای پوشاندن التقاط و



انحراف رویزیونیستی خویش، چه کارها که نمی-کنند! راه کارگر را به آنجا میرساند که تنها جنگ ناعادلاته کتونی بین رژیمهای ارجاعی ایران و عراق را "جنگ مقاومت" مینامد، بلکه با واژونه کردن حقایق، افزایش تولید را که یکی از اهداف سرمایه داران و رژیم مدافعان این جنگ کتونی است، به ضرر آنها جلوه میدهد. به علاوه راه کارگر روشن نمیکند که همکاری با کارکنی بخشهای مختلف سرمایه داران با جنگ و تولید چگونه و به چه دلیل صورت میگیرد؟ و اساسا چرا باید در چنین شرایطی بین سرمایه داران و دوشو سیاست متفاد وجود داشته باشد؟ راه کارگر برای پوئان دادن این تناقضات خود به شیوه ای اپورتونیستی متوسل گردیده و با حمله به ما و ادعای تحریف گفته های ایشان، ما، سعی در گل آلود کردن آب دارد، حال آنکه انحراف راه کارگر آنقدر روشن است که در سرتا-های مقاله اش خود را نشان میدهد. راه کارگر صحبت از ضرورت "مقابله با خطر فلاکت" میکند و مدعی است که چه جنگ ارجاعی باشد چه عادلانه باید با آن مقابله کرد! این رفتار آنقدر در ایده های رفرمیستی غرق شده اند که خود را تا حد بنگاه خیریه تنزل داده و وظیفه کمونیستها را در هر صورت مقابله با بحران و فلاکت قلمداد می-کند. اگر چه غرق شدن توده ها در فلاکت، امکان آگاه و متشکل نمودن آنها و مبارزه شان بر علیه بورژوازی را با مشکلاتی مواجه مینماید، اما از آنجا که کمونیستها معتقدند تا بودی نهایی فلاکت توده ها تنها در سوسیالیسم مکان پذیر است، لذا برخلاف اپورتونیستها و رویزیونیستها که فلاکت توده ها را بهانه ای برای آشتی دادن توده ها با بورژوازی قرار میدهند، کمونیستها بر عکس از این فشار و ستمی که بر توده ها وارد میاید، در جهت هر چه بیشتر نشان دادن ماهیت نظام سرمایه داری به آنها و نشان دادن مبارزه طبقاتی بعنوان تنها راه نجات زنده گان استفاده میکنند. آری تفاوت راه انقلابی و راه اصلاح طلبانه اینجا است!

الگوسازی و تحریف نقل قول لنین:

راه کارگر برای "اثبات" تئورهای رویزیو-نیستی اش به تحریف نوشتجات لنین، مطابق میل خود دست میزند. راه کارگر با تحلیل و استدلالش را حملات لنین در مقاله "خطر فلاکت"، قرار میدهد و بر این ادعا میبندد که اطلاعات محدودی از تاریخ روسیه و آثار رفیق لنین دارد، خود را محق جلوه میدهد. راه کارگر "فراموش" میکند به خواننده بگوید که گفته نقل شده از لنین در چه زمانی و تحت چه شرایطی نوشته شده است. مقاله "خطر فلاکت" را لنین در سپتامبر ۱۹۱۷

(حدود یک ماه به انقلاب کبیرا کتب مانده) می-نویسد. در این زمان در روسیه موقعیت انقلابی برقرار نبود و شورا های مسلح کارگران و دهقانان یکی پس از دیگری قدرت را در کارخانه ها و مراکز تولیدی به چنگ میاوردند. کمونیستها رهبری اغلب شورا های مسلح کارگری را در دست داشتند و سرمایه داران چاره ای نداشتند جز آنکه به هر شکل که میشد با قدرت شورا ها مقابله نمایند، یا حتی فرار را بر فرار ترجیح دهند. خلاصه شرایط آنگونه بود که یک ماه بعد از نوشتن این مقاله توسط لنین بزرگترین انقلاب روسیه در تلاکتی مسلم تهدید می-گردد. سرمایه داران تعداد و دشمنان را بر مبنای کارکنی مینمایند (غراب میکنند، از کار میاندازند، بطعمه میزنند و از حرکت باز میدارند) و امیدوارند که این فلاکت بی-سابقه موجب تکتک جمهوری و دیموکراتیسم شورا ها و بطور کلی اتحادیه های کارگری و دهقانان را فراهم نموده و رجعت رژیم سلطنت و استقرا را مجدداً قدرت مطلق بورژوازی و ملاکین را تسهیل کند. (صفحه ۲۸۹ منتخب آثار - برانتز لنین و تاسکیداز ماست)

آیا راه کارگر شرایط کتونی ایران را شبیه شرایط آن زمان روسیه میداند؟ با آنکه صرفا خواسته است از تشابه ظاهری کلمات "افزایش تولید"، "خطر فلاکت"، "کارکنی سرمایه داران در تولید" و... در گفته لنین و نوشته های خودش، از کم اطلاعی احتمالی خواننده سوء استفاده کند؟ آیا در حالت اول (که البته راه کارگر چنینی-نظری ندارد) چه چیز جز آن رژیم آشکارا خواهد شد؟ و در این صورت دیگر تسم و شورا های کارگری و دهقانان در روسیه آن زمان، هم ردیف شورا های قلابی کتونی (۳) قرار میگیرد. و حالت دوم (که مورد نظر راه کارگر است) نیز چیزی نیست جز متوسل شدن به شیوه اپورتونیستی برای پوئان دادن انحراف رویزیونیستی اش، اما راه کارگر خود در جایی از مقاله اخیرش مینویسد: "... با وجود اینکه افزایش تولید به نفع سرمایه دار است لیکن هر نوع افزایش تولید

و از آن جمله افزایش تولید با کنترل کارگری و در شرایط یک جا معبر حراشی که در موقعیت انقلابی قرار ندارد، به نفع سرمایه دار نیست. (تا کید و خطی آزماست) در اینجا راه کارگر به واقعیت موجود که ما را اگر چه از جوی لای انقلابی برخوردار است، ولی "در موقعیت انقلابی قرار ندارد." اعتراف میکند، ولی اصرار دارد که در این شرایط افزایش تولید به نفع سرمایه دار نیست، اینجا درست نقطه کلیدی مسئله است که با کمی دقت بوضوح میتوان ماهیت انحرافی درک راه کارگر و شورا افزایش تولید را ورا مشاهده نمود. درجا معما موقعیت انقلابی حکمفرما نیست، قدرت مسلح شورا های کارگران و دهقانان، بعنوان آلترنا تیو نیرو مند سیاسی وجود ندارد و اغلب کارخانجات در کنترل مستقیم و غیر مستقیم دولت است. رژیم برای به انحراف کشاندن مبارزات توده ها و برآوردن خواسته های ارجاعی، جنگی برای انداختن و از توده ها بعنوان گوشت دم تپ استفاده میکند، این جنگ علاوه بر آنکه فقر و فلاکت توده ها را بیشتر کرده، موجب تشدید استثمار کارگران و زحمت کشان را فراهم نموده است و سرمایه داران با حمایت کامل رژیم، به بهانه جنگ از کارگران تولید بیشتر و سود بیشتر میطلبند و آنگاه راه کارگر به اصرار میخواهد بقبولاند که افزایش تولید در این شرایط به نفع سرمایه دار نیست و اصلاح سرمایه دار در تولید "خوابکاری و کارکنی" میکند! باید از راه کارگر سوال کرد: مگر چه شده که سرمایه داران مجبوره اند از سودشان چشم ببوشند؟ نگند رژیم جمهوری اسلامی را آنقدر برای خود "خطرناک" تشخیص داده اند که می-خواهند آنرا سرنگون سازند؟ کسی چه میداند شاید هم "توطئه" مبریا لیم "باشد!

(ادامه دارد)

(۳) - لازم به تذکر است که تعداد محدود شورا های واقعی کارگری موجود در ایران، در واقع حد اکثر سدی های سرخ هستند و با شورا های مسلح روسیه که ارکان قدرت کارگران و دهقانان بودند، تفاوت بسیار دارند.



"افزایش تولید" در چشم ارجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار



بقیه از صفحه ۳ مرکز...

به حبیب سرمایه داران بزرگ ریخته میشود. در عمل بخوبی دیده میشود که اکثریت قاطع این شرکتها دچار مشکلات مالی ویا دیوده و بهیچوجه سودآوری ندارند و این درحالی است که تعداد قابل توجهی از افراد چه کارگروه دیپلمه با حقوق بسیار کم تراز سطح عادی به کارشدند مشغولند و مانند تمام شرکتها و کارخانه های جوان سرمایه داری، شمره کارشان توسط سرمایه داران بلعیده میشود. پرده ساتری که به روی این رابطه استثمارگرانه کشیده شده، این است که این شرکتها با «مطالعه متعلق» به اعضاست و این دقیقا همان «سهم شدن کارگران در سود کارخانهات» را که نیروی برای تشدید استثمار و واداشتن کارگران به کاررستگین تراست را به یاد می آورد. در اینجا هم دولت بخشی از سرمایه خود را خریده و با این سرمایه های خریده شده شرکتها را وابسته به خود را تشکیل داده است. اعضا شرکتها باید یکسال پس از دریافت وام آنرا بصورت اقساط به دولت پس دهند.

این شرایط و درکنار آن بالا رفتن روز افزون نرخ تورم و تشدید بحران اقتصادی، موجب بروز نا رضایتی شدید در بین اعضا شده است. این نا رضایتی ها در گذشته بصورت استعفا دادن و کناره کشیدن اعضا و در مواردی انحلال شرکتها بروز می نمود. مرکزگسترش در مواجهه با رشد نا رضایتی، اقدام به ترتیب برنامهای برای هر چه بیشتر زیر کنترل در آوردن اعضا مینماید از جمله تعهدنامه ای تهیه میکند که کلیه اعضا با موظفند به آن عمل کنند و با اینکه استعفا دهند، این تعهدنامه کوشی است در جهت تشدید جو خفقان در محیط کار و همچنین افزایش استثمار. طبق این تعهدنامه ملاحظیت یک عضو را سرمداران گسترش ممکن تعیین میکنند و نه خود اعضا در تعهدنامه آمده است: «... هرگونه تخلف از این موارد بوسیله مرکزگسترش قابل پیگیری بوده و رای صادره از طرف مرکزگسترش را بدون هیچ عذرو بهانه خواهیم پذیرفت.» به خوبی میتوان مشاهده کرد که طبق این اصل شرکت آزاد است بدون هیچ «عذرو بهانه ای» هر کس را که مایل بود اخراج کند. در جای دیگر میخوانیم: «... (متعهد میشوم) که به دستور و گروههای که مخالف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل میکنند و وابستگی نداشته و خود متعهد به عمل در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میباشم. ضمنا متعهد میشوم که از مکانات شرکت و بخصوص وقت کار شرکت برای تبلیغات سیاسی استفاده ننمایم»

اگر بخوانیم همین حرفها را ترجمه کنیم این میشود که تعهد میکنم مثل یک ماشین چشمها و گوشهایم را ببندم و برای شما جان بکنم چرا که در «چهارچوب قانون اساسی» جمهوری اسلامی ایران کار کردن یعنی جان کندن و رنج کشیدن. یعنی نوکری جبره و موجب سرمایه داران بودن. طبق این تعهدنامه کسی حقیقتا شکاری این سیستم ظالمانه را ندارد. سیستمی که در آن عده ای سرمایه دار با همدستی و حمایت نمایندگان شان در راس دولت، میگویند که با سرکوب انقلاب و بازسازی کامل سرمایه داری وابسته تازمانه های استثمار را برقرار کرده زحمتکشان ایران فرود آورند.

این تعهدنامه آنچنان کاردار را به استخوان اعضا رسانیده که چند روز پس از ابلاغ تعهدنامه ها، حدود ۵۰۰ نفر از اعضا جلوی مرکز جمع شدند و بطرف دفتر به راه افتادند و بیرون دفتر آقا خانی که یکی از مسئولین مرکز است تجمع کردند. و در همین حال یکی از اعضا در حالیکه تعهدنامه را با صدای بلند میخواند، یک تنک بندهای آنرا برای دیگران افشا میکرد و نشان میداد که چگونه این تعهدنامه با منافع اعضا متفا د است. بهرحال بعد از مدتی آقا خانی اجبارا در جمع حاضر میشود و بعد از خواندن چند آیه شروع به صحبت میکند: «سر صحبت من با کسانی است که با آنها در مورد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی توافق دارم و آنها هستند که میتوانند حرفهای مرا بفهمند. من میدانم که دستهای شما را وادار به اینکار کرده است و مطمئنم بین شما افراد انقلاب که اصلا اسلام و انقلاب را قبول ندارند رخنه کرده اند». در اینجا حاضرین شدید اعتراض کردند و از او خواستند بدون برچسب زدن به موضوع تعهدنامه به بر دزد آقا خانی که در اصل جز فسطه چیزی نداشت که تحویل دهد، عاقبت دست خود را بومیکنند و اعتراف میکنند که: «ما میخواهیم با گرفتن این تعهدنامه کاری کنیم که هیچکس نتواند به دلخواه خود استعفا دهد و مجبور باشد حداقل ۲ سال اینجا کار کند». در جواب این حرف یکی از اعضا گفت: «جناب آقا خانی، در واقع این شرایط که خود شما بوجود آورده اید موجب میشود که اعضا استعفا دهند و اگر نه کسی مایل به بیکار شدن نیست». آقا خانی جوابی نداشت که به این حرف به هدود را داده سخنانش اثر را میکند که: «در این شرکتها سازمانهای ضد انقلابی مثل مجاهدین و بیکار و گروههای دیگر نفوذ کرده اند و ما میخواهیم جلوی اینها را بگیریم». آری جناب آقا خانی دست خود و همکارانش را بومیکنند! ترس ایشان از رشد سیاسی اعضا شرکتها و بالا رفتن آگاهی آنها را، کمالات از گفته های اخیر پیداست. یکی از حاضرین فریاد میزند که: «آقای آقا خانی شما از روی خون شهدان این

ملت عبور کرده اید و حالا پشت میز نشسته اید و به فرزندان همین ملت زور میگویید». آقا خانی با عصانیت جواب میدهد که: «من اگر خونم هم ریخته شود نمی گذارم ضد انقلابیون کار مرا خراب کنند». یکی دیگر از اعضا که یک پایش را در جریان انقلاب از دست داده در حالیکه به پای مصنوعی اش راه میزند با خشم فریاد میزند که: «آقا خانی، ما را تهدید به ریختن خون نکنید. ما در انقلاب زخمی شدیم تا آزادی واقعی را به چنگ آوریم و حالا شما ما را به بازی گرفته اید؟ ولی آقا خانی (وبقیه مسئولین) با شما جست و قیاحانه ای در مقابل خواسته های اعضا مخالفت میکنند و در جواب کسی که خواستار تشکیل اتحادیه ای از شرکتها و تعاونی برای رسیدن به خواسته های شان شده بود با عصانیت فریاد میزند که: «من مدد در برابر این حرف مخالفت تشکیل اتحادیه و شوراهای است کمیونیست است و من زیر بار این جور حرفها نمیروم. ولی با تشکیل انجمن اسلامی که افراد کمونیستی و مومن در آن نمایندند شوند کاملا موافقم» به راستی که سرمایه داران و نمایندگان شان از شکل کارگران و وحشت فراوانی دارند و کلماتی چون «اتحادیه» و «شورای واقعی» مانند پتکی است که بر مغز شان کوبیده شود. آری! آنان از آگاه شدن مایه هراسند و چنین است که قانون «منوعیت تبلیغات سیاسی در محیط کار» را علم میکنند تا سدی جلوی رشد شکل و اتحاد ما بگذارند و به همین دلیل آقا خانی سعی در پراکنده کردن کارگران میکند و میگوید: «یکی یکی نزد من بیایید و لی «جمع» (نشود!!) آری! آنان از اتحاد ما در هراسند چرا که خوب میدانند که در صورتی که به نیروی یکدیگر تکیه کنیم قادر خواهیم بود به خواسته های حداقلمان برسیم و در غیر این صورت شکست خواهیم خورد. در صورت اجتماع آترو ویدن توافق به پایان رسید.

این جریان اعتراضی چند نتیجه مفید داشت:

۱- به مسئولین مرکزگسترش نشان داده شد که اعضا شرکت در مقابل فشارها و جفاات آنها ساکت نمی نشینند و مبارزه دست میزنند. ۲- کسانی که در اجتماع آترو ویدن شرکت داشتند ماهیت فداکاری و سرمایه دارانه برنامهمای مرکزگسترش را علیرغم ظاهر عوام فریبانه آن که «این شرکتها مال خود شماست» ما میخواهیم به استقلال اقتصادی برسیم... بیشتر شناختند. ۳- بیکار دیگر ما بهیت ضد انقلابی و فداکاری کسانی که بیشتر ما نه سازمانهای انقلابی و کمونیستی را مورد حمله قرار میدهند، روشن شد. در اجتماع آترو ویدن «آقا خانی» سازمانهای وحشتناک از زحمتکشان اصفهان روشن شد، کسانی که از سازمانهای کمونیستی و انقلابی وحشت دارند از بهیترند و مدافع چه کسانی هستند!

حق «بیمه بیکاری» هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

بقیه از صفحه ۶ محاصره...

۱- فشار بر زحمتکشان شهر و روستا جهت قطع حمایت آنها از سازمانهای انقلابی و پیشمرگان مسلح: میدانیست که هر آینه جنبش مقاومت و در رأس آن پیشمرگان مسلح انقلابی به توده های زحمتکش شهری و روستائی متکی نبود، بزودی شکست می آید و میدا و سا و دوام و یقا و رشدر و ز- افزون جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد، بستگی نامیه میزان حمایت توده های زحمتکش کرد دارد. محاصره اقتصادی نیز از جمله ابزار است در دست رژیم که با توسل به آن ویا وارد کردن فشار هر چه بیشتر بر زحمتکشان شهرها و روستا های کردستان، مانع از حمایت آنها از پیشمرگان کردیده و مقاومت مسلحانه پیشمرگان را از پشتوانه توده ای خود محروم سازد.

۲- تضعیف قوای پیشمرکه: محاصره اقتصادی کردستان از جمله اقداماتی است برای در تنگنا قرار دادن پیشمرگان از لحاظ تامین آذوقه و ما یحتاج خود رژیم این کار را بدو صورت انجام میدهد: الف- قطع ارسال هرگونه کمک روستائیان به پیشمرگان بوسیله سرکوب زحمتکشان روستا ها ب- تعقیب پیشمرگان و ورود روستایی مستقیم و محاصره نظامی آنها و قطع راه های ارتباطی پیشمرگان با اهالی منطقه، بدورستی میتوان گفت که هیچکدام از این حرکات سرکوبگرانه رژیم نتوانسته است در رویه مبارزات مسلحانه پیشمرگان خللی وارد سازد، ضربات پیشمرگان قهرمان بر نیروهای رژیم در کردستان بیافکنند چنین واقعیتی است.

۳- انجام تبلیغات وسیع و اجرای نمایشات قلابی و عوا مغربانه از تقسیم مواد غذایی توسط پاداران، ارتش و سایر ارگانهای فدخلقی: رژیم جمهوری اسلامی برای کسب و جلب اعتماد زحمتکشان کردستان، بلافاصله بعد از محاصره اقتصادی و همزمان با آنها جرم کشیده به پیشمرگان جنبش مقاومت به انجام نمایشات تلویزیونی مبنی بر تقسیم غذا بین کردها در برخی از شهرها دست زد. این حرکت رژیم از جنبه حاشا اهمیت میباشد: الف- تبلیغ حول این مسئله که کردستان در محاصره اقتصادی نیست و هرگونه مواد غذایی و ما یحتاج عمومی از طریق دولت بدست خلق کرد میرسد، ب- اعمال فشار و گرسنگی بر روی خلق کرد و سپس

تقسیم مقدار محدودی از مواد غذایی بین اهالی یک منطقه محدود و تنها بش آن در تلویزیون، را به این هدف که اعتماد و اطمینان زحمتکشان را به خود جلب کند.

۴- ایجاد تفرقه و برادر کشی بین ترک و کرد: از بعد از محاصره اقتصادی، رژیم جمهوری اسلامی با تقسیم مواد غذایی و رساندن ما یحتاج عمومی و بویژه مواد سوختی بین ترکهای منطقه و تحریم خرید و فروش با کردها بویژه در شمال غربی کردستان، همواره در پی این بوده که بر اختلافات قومی و مذهبی بین ترک و کرد دامن زده و بنا ایجاد برادر کشی بین آنها به اهداف فدخلقی خود جامعه عمل ببوشاند، کما اینکه در برخی موارد بویژه در روستا های اطراف نهدنه تا حدی در اعمال چنین سیاستی موفق بوده است.

اگرچه تلاش رژیم در محاصره اقتصادی و یکار گیری شیوه های مذکور و تشدید محاصره بویژه بعد از جنگ، عمدتاً با شکست مواجه شده است و ما هر روز شاهد و جگیری جنبش مقاومت و ضربات پیشمرگان به نیروهای رژیم در کردستان هستیم اما نباید فراموش نمود که تداوم محاصره اقتصادی میتواند ضربات جدی بر روند جنبش مقاومت وارد سازد. بنا بر این تلاش نیروهای انقلابی در شناختن به یاری خلق کرد و جلب حمایت کلیه زحمتکشان آگاه از خلق ستم دیده کرد، بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد. ارتجاع حاکم از یکسوی محاصره اقتصادی همه جا نیه خلق کرد و از سوی دیگر با تشدید کشتار زحمتکشان در شهرها و روستا های کردستان در صدد به جنگ ارتجاعی کنونی سعی دارد مقاومت انقلابی خلق زحمتکش کرد و در رأس آن پیشمرگان را در هم شکسته و نیروهای مسلح خلق کرد را فرسوده سازد. بنا بر این شکستن محاصره اقتصادی، تقویت جنبش مقاومت محسوب شده و وظیفه فوری و مبرم خلقها و زحمتکشان آگاه، کمونیستها و کلیه نیروهای انقلابی است جمع آوری و ارسال هرگونه کمک دارویی، غذایی، پوشاک مواد سوختی و دیگر مایه های زندگی به کردستان از گامهای اولیه ما در راه انجام وظایف انقلابی ما ن در قبال جنبش خلق کرد است. با تمام نیرو و با استفاده از هرگونه امکانات - ولو محدود - بپاری خلق ستم دیده و زحمتکش کرد بشتابیم. ■

«ملاحظات کوتاه»

آقای پیمان هم گزنی میخواند!

روژنا مه امت آقای پیمان که در اثبات ضد امپریالیستی و ضد استعماری بودن خطا م هر چه داشت روی دایره ریخت و کفگیرش به ته دیگ خورد، ناچار دست به حمله علیه مجاهدین خلق زد و زیر سرپوش برخی انتقادات علیه مامشات رهبری مجاهدین بالیبرالها، مقالات متعددی با مطلاع "زده" بر مجاهدین خلق نوشت که انهم نفعی نبخشید. نزدیک شدن به حزب جمهوری اسلامی ادا مه منطقی رای مثبت آقای پیمان به ولایت - فقیه و فاسادسی بود، ولی ایشان چون با لایحه باید "مترقی" هم باشد، با خبرگزاری اس مباحثه میکنند و انتطابق سیاسی با خط حزب توده را از جنبه های گوناگون، در دستور قرار میدهند که آخرین آن "فدا انقلابی" "شمردن سازمان پیکار است، البته پیش از این نیز یکی دو بار چپیزی شبیه این در روزنامه امت آمده بود ولی این بار وقیحا نه تراست! امت مورخه ۱۵ دیماه نوشته است: "بنظر ما سازمان (مجاهدین) ... سهم عمده ای در انحراف افادها ن جوانان و هواداران خود دارد. بی سبب نیست که اغلب کسانی که از سازمان جدا میشوند، اگر جذب گروه های مذهبی نشوند به دامن سازمانهای فدا انقلابی نظیر پیکار کشانده میشوند..."

ترس روزنامه امت هماتطور که در دوسه سطر بعد میگوید این است که هواداران مجاهدین از مذهب دلیر گردیده و "بدا من گروه های مارکسیستی کشانده شوند."

ترس آقای پیمان بیهوده نیست چرا که از ما هیت طبقاتی ایشان ما به میکردن حال روزنامه امت هر چه میخواهد "علیه استعمار" حرف بزنند! اوتا وقتی بادشمنان آشتی ناپذیر سرمایه داری و استعمار یعنی کمونیستها، دشمنی میورزد جز دوست سرما به داران نیست.

هر چه بیشتر بهم بونی گندش بیشتر بالا میاید

چند هفته پیش سندی را افشا کردیم به امضای رجا شی که بر اساس آن ۲۵ میلیون تومان دیگر از قمارهای ۵ میلیون تومان به آیت الله منتظری داده شده تا خرج مروجین مذهبی و روحانیون کند. این کار ابتدا مثل آبی بود که به خانه مورچگان ریخته شود در همه جا غلغلها افتاد: "عجب آگاه بنظور!" چیزی نگذشت که



«ملاحظات کوتاه»

آیت الله منتظری اعلامیه‌ای داد که از سمت "پول تحویل گرفتن و خرج روحانیون کردن" استعفا داد (روزنامه اطلاعات ۱۷ آذر ۵۹) و صورت داد که ۲۲ میلیون تومان برای روحانیون سنی تحویل گرفته است که ما اینرا درست نمی‌دانیم (پیکار ۸۶)

معلوم بود که بدجای قبضه را دست گذاشته - ایم، بهزاد نسوی آنکه موضوع اول را ما ستالی کندولی ضمن قاطعی کردن مسائل - و کم‌حافظگی ناشی از دروغو غشوی، اینرا هم‌کارش کرد که ۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان خرج سفر آقای رجائی به نیویورک شده! به این ترتیب یک گندیدگی را لا امد! حالا عسکرا ولادی نما پنده مجلس اسلامی ورشس از زمان اوقاف، در آن مده که ما به روحانیون سنی ۲۷ میلیون تومان داده ایم (روزنامه جمهوری ۱۱ دیماه)

سندی هم که ما با امضای بنی صدر (بعضوان رئیس شورای انقلاب) در پیکار ۸۷ منتشر کردیم حکایت از این می‌کرد که ۴۶ میلیون تومان به روحانیون داده اند، این ارقام که هر کدام جدا و مستقل از دیگری است نشان می‌دهد که حداقل طی همین چند ماه گذشته ۲۵+۲۲+۳۴+۳۶ یعنی ۱۲۰ میلیون تومان (بر اساس اسناد معدودی که بدست ما رسیده پول به جیب روحانیون و مروجین مذهبی سرازیر شده است! این گنداب‌ها هر چه بیشتر به هم بزنند گندش بیشتر می‌آید!

آنها جز با مبارزه انقلابی خود آنها و بدست خود آنان میسر نیست.

بختیار خان به پشتگرمی همپالکی‌های لیبرال خود در جنبه ملی و دیگر فدا انقلابیون و رشکسته می‌کوشد با حمایت امپریالیست‌ها به خصوص امپریالیست‌های فرانسوی، خود را در شرایط بحرانی کنونی با صلاح آلترنا تیو کند، او در رادیوی فدا انقلابی ای که از رژیم ارتجاعی عراق بهاریت گرفته است و قیقا نه‌دم از "آزادی" می‌زند، بختیار را خبراطی اطلاعاتی از طرف با صلاح "دفتر سیاسی" اش ایجاد "نهضت مقاومت ملی" را اعلام کرده است.

به این توکر سرسپرده امپریالیست‌ها و همپالکی‌های داخلی اش با بدگفت توده‌های آگاه خلق به کسانی که خیلی از شما فریبکار ترند جز با نفرت و خشم انقلابی سخن نمی‌گویند. شما که جای خود را دید!

★ ★ ★

مبارزه انقلابی آنان صورت می‌گرفت، به‌خود نسبت میداد، از قطع روابط با "اسرائیل" و "آفریقای جنوبی" سخن می‌راند، از "فما ص" خون شهیدان صحبت می‌کرد و... برای فریب توده‌ها و نمایش "قدرت توده‌ای" خود تظاهرات ساختگی "قانون اساسی" را ترتیب میداد و مزدوران ساواک، ارتش و پلیس شاه را همراه با خانواده‌ها به‌شان به‌خواب می‌کشاند دولتی توده‌ها می‌دانستند که کسی که به‌خاطر حفظ رژیم شاهنشاهی و طرف شاه جلاد ما موریت دارد نمی‌تواند ادعای دهنده راه شریف امامی و از راه‌ری نباشد، آنها با فریادهای "مرگ بر بختیار، نوکری اختیار" به‌خواب می‌کشاند و با کلمات "برداشتن تسلیحات از لیبرال‌ها" را می‌کشند، اوج فزاینده جنبش انقلابی توده‌ها، ما به‌ت دروغین "لیبرالیسم" عناصری چون بختیار که بر سر منافع مردم به‌امپریالیست‌ها به‌مامله می‌نشستند را افشا کرد بختیار را زوشی مردم مبارزان به خاک و خون می‌کشید، ۸۰ بهمن تهران را موجود می‌آورد و در گوشه و کنار می‌پاشید، دیگر بختیارانی که با زرگانها و بهشتی‌ها به‌مامله می‌نشست تا با پادرمیانی آنها نقشه‌های زور را به‌اجرا در آورده و از پاشیده شدن کامل نظام ما کام‌جولوگیری نمایند، ولسی توده‌ها به‌آنها مهلت ندادند که با صحنه‌سازی با "تقدیم" استعفا بختیار به آیت الله خمینی و "عفو" به‌شان توطئه امپریالیسم آمریکا و این "حما میان" دروغین خلق به‌سراغ ما دلخواه برسد قیام بهمن ۵۷ سر رسید - گرچه بهشتی‌ها و بازرگانها مانع از پاشیده شدن کامل سرمایه داری وابسته شدند - ولی بختیار را خان بدستان پرتوان توده‌ها دستگیر شد، بختیار را بیاری دوستان لیبرال‌ها و مشغول با زرگان خیانت پیشه از انتقام انقلابی زحمتکشان جان سالم بدر برد و به‌آغوش اربابان امپریالیست‌ها شتافت تا به نوعی دیگر به توطئه‌های خیانتکارانه‌اش ادامه دهد. "زما مداری کوتاه بختیار و عملکرد - های خاشاک و جفا به‌ت کارانه‌اش توده‌ها را به‌ش از پیش با ما به‌ت واقعی لیبرال‌های فدا انقلابی آشنا ساخت. اکنون نیز که توده‌ها روز بروز از جمهوری اسلامی روی تافته و به مبارزه با این رژیم ارتجاعی بر می‌خیزند، بختیار مزدور بی‌هوده می‌کوشد تا با بهره‌گیری از امکانات بیدریغی که امپریالیست‌های غربی در اختیارش گذاشته و می‌گذارد خود را به‌آلترنا تیوی دربار رژیم جمهوری اسلامی تبدیل سازد. عریده‌های فدا - انقلابی را دیوبختیار که یکی از بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیست‌های فریب خلق‌های ماست نخواهد توانست کوچکترین کمکی به‌بختیار مزدور در به انحراف کفاندن توده‌ها بنماید. توده‌های زحمتکشان پیش از پیش به‌پوچی شعارهای لیبرال‌های فدا انقلابی پی برده و بخوبی میدانند که آزاد

مرگ بر بختیار، نوکری اختیار

- ۱۶ دیماه د وین سالروز نخست وزیری شاه هیور بختیار آخرین صدراعظم شاه جلاد
- جنایات بختیار مزدور و ما به‌ت ضد انقلابی لیبرالیسم میان پیوسیده را نمایان ساخت

در روزهای که فریاد خروشان توده‌های انقلابی کوچه‌ها و خیابانها را تجلی گاه کینه طبقاتی مردم زحمتکش نسبت به رژیم ددمنش و وابسته شاه جلاد شده بود، در روزها شیکه در اثر مبارزات توفنده و انقلابی زحمتکشان ایران، تا لوده رژیم پهلوی از هم پاشیده شده بود، بختیار خاشاک از طرف شاه به‌ت نخست وزیری رسید. در ۱۶ دیماه ۱۳۵۷ روز نخست وزیری شاه هیور بختیار، زحمتکشان مبین ما با پشت سر نهادن روزهای پرشور و تعیین کننده ای عرصه را تا چنان بر رژیم مغرور شاه و امپریالیسم تنگ کرده بودند که اغلب لیبرال‌های سلطنت طلب چون سنجایی، بازرگان و... برخلاف نیت و خواست باطنی شان "عزیمت شاه را طلب می‌کردند. بختیار را خاشاک که در سال ۵۶ همراه با سنجایی و فروهر طی نامه‌ای سرگشاده به شاه، به‌گذاشتی "دموکراسی" به "پیشگاه" و شتافته بود، گمان می‌کرد که می‌تواند آخرین توطئه امپریالیسم را برای حفظ و بقا رژیم وابسته شاه عملی ساخته و با سودجویی از باقیه همکاران - اش با دولت ملی ممدق در سیراوج با پنده جنبش انقلابی توده‌ها خلل وارد آورده و تاراج به انحراف و سازش بکشد. مردم مبارزی که "شنبه خونین" تبریز، جمعه سیاه تهران، کشتار روحیه نه‌قم، ۱۳ آبان تهران و... را در پیش چشم خود داشتند، مردمیکه می‌دیدند فردای عزولا به تبهکارانه شاه جلاد، از راهی دژخیم برای کشتار بیشتر توده‌ها می‌دیدان می‌دیدان ارتش ضد خلقی و آمریکا شایه در گوشه و کنار می‌بیند، اما خون برآمی اندازد هر گز حاضر نبودند قد می‌به عقب نهاده و تن به‌ش بدهند، آنها با خشم و نفرت سرتوگونی رژیم شاه را سر می‌دادند و در راه انقلاب پیرو بودند نه به پیش می‌رفتند، در چنین شرایطی طبیعی بود که بازی سیاسی که بختیار "لیبرال" "بازگرا" ملی آن بود تا نکست مواجه شد، او در آغاز با ژست‌های فریبکارانه، نوید "آزادی" میداد، دم از "انحلال ساواک" می‌زد، کشتار در زندانها را که به‌ت توده‌ها و در اکثر

به استقبال جنبش او جگیر نشده توده‌ها بش تابلیم

کمکهای مالی دریافت شده

تهران:	ب	ر	س
الف	۲۵۰۰	سریاز	۸۳۰۰
۲۸۰۰	۱۵۰۰	مادر	۱۱۴۰۰
۵۱۱۰۰	۷۴۰۰	مبارز	۲۰۰
۵۸۰۰	تبریز:	م	۲۱۰۰
۲۵۰۰۰	پ	آغاچاده	۱۲۰۰۰
۹۰۰۰	ع	س	۱۲۰۰۰
۶۶۰۰	۴	الف	۶۳۰۰
۶۰۰۰	۷۶۰۰	پ	۱۰۰۰۰
۷۶۰۰	۶۱۰۰۰	ن	۱۶۰۰۰
۴۰۰۰	م	ه	۲۳۰۰
۸۳۰۰	مسجد	خوستان:	۵۰۰۰
۲۰۰۰	سلمان	الف	۱۱۰۰۰
۲۲۳۰	الف	ر	۸۷۷۰
۲۵۰۰	پ	پ	۷۵۰۰
۲۳۰۰	ت	س	۲۵۰۰
۹۸۰۰	۹۰۰۰	ل	۱۰۰۰۰
۴۰۰۰	۳۰۰۰	ل	۴۰۰۰
۹۹۰۰	۱۱۰۰۰	شیراز:	۴۰۰۰
۵۹۰۰	۱۳۳۱۰	ر	۴۱۰۰
۲۵۰۰	ک	ب	۱۰۰۰۰
۴۰۰۰	۳۲۰۰	کارگر:	۵۰۰۰
۱۹۰۰	ن	س	۴۰۰۰
۱-پ	۶۳۰۰	م	۱۰۰۰
۵۹۰۰	مقنن	ک	۱۰۰۰
	۲۳۵۰	فولاد	۱۰۰۰
	کارگر		
	۱۰۰۰		

تهران:
۵۰۰۰ ر
۴۰۰۰ ق س
۹۶۰۰ یا نا ر
۲۰۰۰ M-N
علی کارگر کتیباف ۲۰۰۰
بی بی علی ۱۴۰۰
انجمن الف جنوب ۴۰۰۰
دانش آموز جنوب ۵۰۰۰
سرگردانش آموز کلاس پنجم
دبستان ۲۰ (همراه با نامه)
ع-ب ۳۰۰۰۰۰۰۸۴ ریال
بابا برای کوله
ش-چ انگشتی بگین سبز
ف-گاریندی ۴۰۰۰ ریال
همراه با شال و کلاه پیشمرگان
ف ۱۲۰۰ و دارو گهدیه تان
رسید.

ارومیه:
۵۰۰ کارگر ۲۰۰
الف ز ۱۰۰۰۰
هوادر ۶۰۰۰
رفقای صوبای
برادوست ۱۵۰۰۰
رفقای کارمند ۴۰۰۰۰
ع-کک داووبی-ج ۷۰۰۰ T

شیراز:
۱۵۰۰۰ ز
۵۰۰۰ خ
الف ۱۰۰۰
ک ۱۰۰۰۰
هسته هنری ۱۲۱۰۰
پرسن نظامی هوادر ۵۰۰۰
دانش آموزان هوادر ۱۰۰۰۰

فانشهر:
کارمند ۱۰۰۰
ماشهر-رفقای
هوادر ۲۷۵۰۰
کری-ب ۴۵۰
معلمین هوادر ۲۲۵۰۰
برجورد-ن ۳۰۰۰
ب-۱۰۰۰۰ م-۱۲۲۰۰
دزفول-۲۵۰۰ م-۲۵۰۰
ال-س-۴۱۰۰

اعتصاب پیروزمند رانندگان منطقه ۴ شرکت واحد

چندی قبل شرکت واحد "علی را زانسی" شما پندرها رانندگان منطقه چهار رغود را به شهرداری منتقل میکند، تا او را که مورد حمایت رانندگان است، از آنها جدا سازند. رانندگان منطقه چهار از انتقال شما پندرها خود بدست خشمگین شده و چون با مراجعه به مسئولان شرکت به نتیجه ای نرسیدند دست به اعتراض زده و خواستار رفع حکم انتقال وی میشوند.

روزه شنبه ۵۹/۱۰/۲ وقتی رانندگان شیفت شبانه به توقفگاه میروند، از ترک محل توقفگاه خودداری کرده، دوست به تحمیل میزنند. فردای آنروز رانندگان شیفت صبح نیز به آنها ملحق میشوند و به این ترتیب حدود ۶۰۰ نفر راننده با خواستهای زیر دست به اعتصاب میزنند

- ۱- بازگشت نماینده شان
 - ۲- برگزینی مدیر عامل شرکت واحد
 - ۳- بازگشت به کار رانندگان که اخراج شده اند
- از همان شب اول تخمین ما موران ژاندار- مری و پاسداران به محل تحمیل می آید که ما موران ژاندار مری که طعم تلخ خشم و نفرت خلقهای مبارز ایران را از یاد نبرده اند، از دخالت خودداری میکنند، اما پاسداران سعی میکنند با وارد کردن اتهامات واهی به راننده - گان آنها را وادار به عقب نشینی کنند. در یکی دو مورد به رانندگان و پاسداران درگیری می شود تا اینکه روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۳ شهردار جدید به میان رانندگان می آید و حدود سه ساعت برای آنها حرف می زند و از شرایط جنگی برای آنها صحبت میکند. ولی رانندگان که به مقصود فدکا رگزی وی پی برده بودند، میگویند: "ما که اگاه هستیم و نخواسته ایم که شما جنگ را به ما تحمیل کنید ما خواستار رفع حکم انتقال نماینده ما و برگزینی مدیر عامل شرکت واحد و بازگشت رانندگان اخراجی به سرکار هستیم" بدین ترتیب زمانیکه شهردار جدید می بیند نمیتواند رانندگان را بغیر بید محل را ترک میکند. سرانجام معاون ستاد امنیت تهران در مقابل خواستهای رانندگان تسلیم شده و از ترس سرسری شدن اعتصاب حدود ۱۱ شب همراه چند راننده به منزل شما پندرها رفته و او را با زمی - گردانند و قول رسیدگی به خواستهای دیگر- شان را نیز میدهند. بدین ترتیب رانندگان به اعتصاب خود پایان میدهند.

بقیه از صفحه ۳۲: دعوی قدرت...

سره شالی را تجهیز کرده است و گرچه مشخصا نمی از سوی اسامی امیریا لیم نمی برد. اما با دفاعی که از کوبا میکند و با طرح این مسئله که "حضرت - محمد حتی از کفار و مشرکین نیز صلاح می خرد - بطور مشخص به تبلیغ خرید اسلحه از روسیه می - پردازد.

جالب اینجاست که لیبرالها (میزان و انقلاب اسلامی) از موضع فارسی برای خرید اسلحه از شوروی به فتن آمده و با آن به این خاطر مخالفت میکنند که میخواهند سلاح از امیریا لیستهای آمریکا شای و اروپا شای خریداری شود. اما خلقهای قهرمان خواهند گفت، برای ما فرق نمیکند که از کدام امیریا لیم میخواهید اسلحه بخرید. آنچه برای ما مهم است، اینست که دسترنج غارت شده زحمتکش را به جیب امیریا لیستهای می ریزید و در عوض برای سرکوب شده ها و جلویگیری از غلب برای نابودی امیریا لیم و سرمایه داری تاجران دندان ملحق میشوید!

آقای فارسی در سخنان دیگری در مسجد امام حسین در همان روز (جمعه ۸۰ دیماه ۵۹) نیز شنیده به مجاهدین و کمونیستها تحت عنوان منافقین و کفار حمله کرد. در واقع تا گید فراوان جلال الدین فارسی به خرید اسلحه و حمله به لیبرالها و نیز مجاهدین یک مسئله اساسی را نشان میدهد و آن همان حزب جمهوری از وضعیت موجود است از یک طرف خطر رقیبش (لیبرالها) هنوز مرتفع نشده است و در نتیجه به تنها جم برای منفرد کردن لیبرالها ادامه میدهد، از طرف دیگر برای شکست دولت فدا خلقی عراق و نیز سر- کوب خلق کرد در کردستان و مقابل با جنبش در حال اعتلا شده ها احتیاج به سلاح دارد. حزب جمهوری اسلامی خود را از طرف کمونیستها و مجاهدین و بطور کلی از سوی انقلاب در خطر می - بیند و چنین است که علیرغم سخنان پدرانسه جناب منتظری (که تا کنونی فریبنده و دروغ بین بود) با زهم شنیده به مجاهدین حمله می شود (کمونیستها که جای خود دارند) و علاوه بر آن خرید هنگفت سلاح و تجهیز به مدرنترین سلاحها برای دمیدن بر آتش جنگ ارتجاعی میان دودولست سرمایه داری ایران و عراق از یک طرف و مهمتر از آن برای آمادگی بیشتر در سرکوب شده ها از طرف دیگر، بمنوان چاره نجات رژیم، در نظر گرفته میشود. اما اگر سیاست تسلیماتی رژیم شاه و خریدهای هنگفت اسلحه از غارت و استعمار زحمتکش را میهن توانست او را نجات دهد، رژیم جمهوری اسلامی را نیز نجات خواهد داد.

ی-ع (کارگر) ۵۰۰
رفقای دانش آموز ۱۰۵۰۰
انجا ری: ۲۰۰۰۰
چ-ک ۲۰۰۰
م-ک ۵۰۰
ن-ش ۵۰۰
م-م مودن ۱۰۰۰

ت-ت لباس برای
پیشمرگان
حسین ماشین حساب
رسید:
با بیل:
پ-ب ۲۵۰۰
ع-ج ۳۰۰

رفقای هوادر ۲۸۵۰
آبادار- رفیق دختر آواره
جنگی ۳۰۰۰
شیرین:
ب (کارگر ترانکور-
سای) ۵۰۰۰
کارگر بیاض ۱۰۰۰۰

دعوی قدرت و خرید اسلحه از شوروی



لاهوئی و شیخ علی شهبازی و دیگر روحانیون مخالف حزب را مدتی روحانی نما که "بامنافاق" و صدام و بختیار را خوبند، "خوانند، در واقع دشنام‌های شدید فارسی به لیبیرا لها و عنا مردیگر که ادا می‌همان برخورد های خشن هفته های گذشته دوجناح رقیب نسبت به یکدیگر است. نشان می‌دهد که حزب ولیبیرا لها، این دشمنان توده ها چگونه بر اشرار میانه طبقه ای جاری بر سر - قدرت بجان هم افتاده اند. این سخنرانی بار دیگر صحت نظرم را که دعوی میان این دوجناح نمیتوانند با میثاق های وحدت و... حل گردد و با او گیری مبارزات توده ها، شدید تر نیز خواهد شد، نشان میدهد و تبلیغ انقلابیون است که پس استفاده از ترک برداشتن حاکمیت بر سر دعوی دوجناح ارتجاعی آلترنا تویوا انقلابی راجاگیرین سازند.

نقمة خرید اسلحه از امپریالیسم روس

نکته مهم دیگر در سخنان فارسی تاکید ضمنی وی به ضرورت خرید اسلحه از روسیه بود. او با هزار نیرنگ میکوشید، خرید هتکفت اسلحه را بسود مردم ایران جلوه دهد. اما خلق های قهرمان ما نیک میدانند که جمهوری اسلامی چگونه زحمتگشان ایران را غارت میکند و حاصل رنج آنها را به جیب امپریالیست های غارتگری ریزد. آقای فارسی به بهانه میانه میانه با امپریالیسم محبت از خرید های کلان اسلحه میکنند تا در گردستان خوش کودکان و زنان بیگناه را بمباران کنند. در سراسر ایران، کارگران و زحمتگشان و انقلابیون را کشتار کنند و نیز در جنگ ارتجاعی اش با مزدوران بعث عراق، بر سر صدور انقلاب اسلامی از ایران و با رویای های عراقی بزرگ صدام توده های ایران را مانند توده های عراق به گوشت دم توپ سرمایه داران بدل کنند و از غارت زحمتگشان ما امپریالیست های جنا بنگار را شروتمند تر نماید. آقای فارسی صحبت از اسلحه ای میکند که کوبا و

دعوی قدرت هم چنان ادامه دارد

سخنرانی جلال الدین فارسی به نوعی یک مانور قدرت حزب جمهوری و دهن کجی به لیبیرا لها بود فارسی کا ندیدای ریاست جمهوری حزب، فرد مورد تا کید حزب برای نخست وزیری و بالاخره نماینده پیشنه های برای وزارت امور خارجه بوده، که بنی صدر شدت با او مخالفت کرده است حزب در میان شعار های مربوط به روزا ربیعین فرمانده کل قوا، خمینی، خمینی "و وزیر خارجه فارسیه، فارسیه" را با طعنه مخالفت بیشتر با لیبیرا لها گنجانده بود. حزب با معرفی فارسی برای سخنرانی در این روز میکوشید از یکسو تبلیغاتی به نفع فارسی بر آید و از آن سو، صدر را برای پذیرش فارسی بعنوان وزیر خارجه تحت فشار بگذارد و از طرف دیگر با سخنرانی فارسی بر ضد لیبیرا لها، آنها را کم کرده اش را علیه آنها تا دوام بخشد فارسی نیز در پی همین سیاست شدیداً به لیبیرا لها تا تحت بنی صدر را ورنه کشته سیاسی و دفتر همکارهای رئیس جمهور را آن گروه لیبیرال "نا مدک به اتفاق" مناقشین در مشهد به خانه ای دشنام داده اند. "بنی صدر دیگر لیبیرا لها را به یزید تشبیه کرد" و گفت هم - چنانکه یزید جرئت نداشت به حضرت محمد حمله کند، برای حمله به حضرت محمد بن خاندان علی حمله میکرد، لیبیرا لها نیز جرئت ندارد رند به آیت الله خمینی حمله کنند و در نتیجه به چهره های روحانیت مانند خاندانهای حمله میکنند. او

حزب جمهوری اسلامی مانند هر ارتجاع دیگری خائنه توده ها را می فریبید، احساسات مذهبی شان را به بازی میکشید و با استفاده از نا آگاهی شان در پی تحکیم قدرت خویش است. توهم توده ها به آیت الله خمینی (که هر روز بیشتر در حال فروریختن است) برایش نعمتی است تا اینکه لرزان قدرت ضد مردمی اش را بر آن تکیه زند. یکی از بزرگترین سوء استفاده های حزب از توده ها، کشیدن آنها به راهیمائی در جهت اهداف ارتجاعی است. روزهای خاص مذهبی که بخش زیادی از توده ها خود را مقید به شرکت در آن مراسم میکنند، بهانه مناسبی است تا حزب جمهوری "قوا شدنیایی" بسیاری از این مراسم ببرد. در راهیمائی هفته گذشته در روزا ربیعین نیز، حزب جمهوری کوشید تا با زهم زخون حسین برای اهداف ارتجاعی استفاده کند. در همان هنگام که توده های نا آگاه بر سر روی خود می - کوبیدند و بدین ترتیب در درونج ستم طبقه ای را که زیر حاکمیت جمهوری اسلامی نیز ادامه یافته است تسلی می بخشیدند و بدین ترتیب تخدیر میشدند، حزب جمهوری سخنگوی معلوم - الحال و معروفش جناب جلال الدین فارسی را گسیل داشت تا با استفاده از نا آگاهی و توهم توده ها، در تحکیم قدرت خویش بکوشد. طبیعتی است مطالب فراوانی در "افاقات" فارسی میتوان یافت که ما بهیت صدام انقلابی را آشکار میکند اما ما فقط بدو نکته آن اشاره میکنیم.

سال "نو" میلادی را تبریک میگوئیم

با دروهای پر شور کمونیستی به بیرونتان
سراسر جهان و خلق های تحت ستم و انقلابی که
بیکار رجویا نه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع
مبارزه میکنند برای آنان سالی پر از پیروزی
و موفقیت در راه رهایی از استعمار و استعمار و
تلاش در راه انقلاب و سوسیالیسم آرزو میکنیم.



سالگرد تولد
رفیق ماؤو را
گرامی بداریم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست